

استغاثه

رمز نزدیکی ظهور

بسم الله الرحمن الرحیم

استغاثه رمز نزدیکی ظهور

نویسنده:

سمیه وحیدی فرد

ناشر چاپی:

سیمای خورشید

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵
استغاثه رمز نزدیکی ظهور ----- ۸
مشخصات کتاب ----- ۸
اشاره ----- ۸
مقدمه ----- ۱۵
فصل اول: هدف آفرینش و حقیقت زندگی ----- ۱۹
هدف آفرینش و حقیقت زندگی ----- ۱۹
امام، معلم راه معرفت و عبودیت خدا ----- ۲۰
معرفت امام، کلید عبودیت و سعادت ----- ۲۱
امام سبب آرامش، امنیت و نجاتبخشی است ----- ۲۳
تعامل انسان و جامعه و نقش امام ----- ۲۶
حاکم صالح جهانی تنها راه حل مشکل ----- ۲۷
نتیجه: ----- ۲۹
فصل دوم: تشریح وضعیت جهان ----- ۳۳
تشریح وضعیت جهان ----- ۳۳
فصل سوم: تعریف استغاثه و مراحل وصول به آن ----- ۴۹
تعریف استغاثه و مراحل وصول به آن ----- ۴۹
حقیقت استغاثه ----- ۵۰
مراحل وصول به استغاثه ----- ۵۲
اشاره ----- ۵۲
الف) رغبت اجتماعی ----- ۵۳
ب) شکایت اجتماعی ----- ۵۴
ج) استعانت اجتماعی ----- ۵۵

نتیجه: ----- ۶۱
فصل چهارم: اهداف استغاثه ----- ۶۳
اهداف استغاثه ----- ۶۳
اشاره ----- ۶۳
رفع ظلم ----- ۶۳
رفع سختیها و مصائب ----- ۶۷
هدایت ----- ۷۶
نصرت ----- ۸۱
ظهور منجی ----- ۸۷
نتیجه ----- ۸۸
فصل پنجم: برای چه کسی استغاثه کنیم؟ ----- ۹۱
استغاثه برای چه کسی؟ ----- ۹۱
فصل ششم: به چه کسی استغاثه کنیم؟ ----- ۹۹
به چه کسی استغاثه کنیم؟ ----- ۹۹
نتیجه: ----- ۱۰۹
فصل هفتم: شرایط اجابت استغاثه ----- ۱۱۱
شرایط اجابت استغاثه ----- ۱۱۱
رسیدن به مقام اضطرار ----- ۱۱۴
ایمان و اعتقاد راسخ به خدای متعال و قدرت بینهایت او در برآوردن خواستههای ما ----- ۱۱۶
بیان و به زبان آوردن حاجت و خواسته به درگاه خدا ----- ۱۱۹
ایمان به مقام و منزلت پیامبر صلی الله علیه و آله و اهلبیت علیهم السلام ----- ۱۲۱
توبه صادقانه از آلودگیها و گناهان ----- ۱۲۳
استواری، جدیت و مأیوس نشدن از توسل و استغاثه ----- ۱۲۷
ایمان، اخلاص و حضورقلب ----- ۱۳۰

دعای دسته جمعی ----- ۱۳۲
دعا برای دیگران ----- ۱۳۶
زمان مناسب ----- ۱۳۷
مکان مناسب ----- ۱۴۰
نتیجه: ----- ۱۴۳
فصل هشتم: آثار تربیتی استغاثه برای امام زمان عجل الله ----- ۱۴۷
آثار تربیتی استغاثه برای امام زمان عجل الله ----- ۱۴۷
افزایش محبّت ----- ۱۴۷
راههای افزایش محبّت به اهلبیت علیهم السلام ----- ۱۴۸
کمک و یاری مظلوم ----- ۱۵۴
وفای به عهد و امانت الهی ----- ۱۵۹
برخی از وظایف منتظران ----- ۱۶۴
نتیجه گیری ----- ۱۷۱
فهرست منابع ----- ۱۷۸
درباره مرکز ----- ۱۸۲

استغاثه رمز نزدیکی ظهور

مشخصات کتاب

سرشناسه : وحیدی فرد، سمیه، ۱۳۶۸ -

عنوان و نام پدیدآور : استغاثه رمز نزدیکی ظهور/ تالیف سمیه وحیدی فرد.

مشخصات نشر : یزد: سیمای خورشید، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری : ۱۷۶ ص.؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س م.

شابک : ۱۰۰۰۰۰ ریال ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۸۶۴-۶-۵ :

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۷۱] - ۱۷۴.

موضوع : استغاثه

رده بندی کنگره : BP۲۲۶/۶/و۳الف۵ ۱۳۹۴

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۸

شماره کتابشناسی ملی : ۴۰۲۶۱۲

ص: ۱

اشاره

ص: ۲

ص: ۳

استغاثه رمز نزدیکی ظهور

ص: ۴

بسم الله الرحمن الرحيم

تألیف: سمیه وحیدی فرد

ویراستار: محدثه خیراندیش

طرح جلد: محمدحسین عزیزی نژاد

صفحه آرایی: سرکار خانم حشمتی

ناشر: انتشارات سیمای خورشید

نوبت چاپ: اول -۱۳۹۴

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۰۰.۰۰۰ ریال

شابک: ۵-۶-۹۴۸۶۴-۶۰۰-۹۷۸

نشانی: یزد، خیابان سلمان فارسی، کوچه گازرگاه، فرهنگسرای تخصصی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

تلفن: ۰۳۵-۳۶۲۷۲۳۹۴

انتشارات سیمای خورشید

وابسته به فرهنگسرای تخصصی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

ص: ۵

این اثر ناچیز تقدیم به او که به زودی خواهد آمد

و با ظهورش، غم های تاریخ عالم را از فرق شکافته علی علیه السلام تا پهلوی شکسته زهرا سلام الله علیها و داغ شهید کربلا و زخم اسارت زینب کبری سلام الله علیها مداوا می کند و ریشه ظلم و ستم را ازبیخ بر می کند و کامل ترین هدایت را برای بشریت به ارمغان می آورد.

و تقدیم به:

روح ملکوتی هم سنگر امام زمانی مان، محمد علی اعتمادیان.

شادی روحش فاتح مع الصلوات

ص: ۶

ص: ۷

ص: ۸

مقدمه

و آن گاه که خداوند آفریدمان، چشم و گوش و قلبمان بخشید، عقل و تفکر و اندیشه را ارزانیمان کرد و روح خویش را در کالبد بیجانمان دمید و پیمان گرفت از ما(وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ)...(۱) ویادآوریمان کردکه(وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ)(۲)

پرسیدیم: خدایا! عبادت تو؟! چگونه؟!

که فرمان دادی به ملائکه...(اسْجُدُوا لِآدَمَ)...

(فَتَبَارَكَ الله)خدای من! با یک فرمان سه نشانه گرفتی:

ملائکه که همیشه اطاعتت کردند.

ابلیسکه نقش خونین دشمنی با خودت را روکرد.

و ما نیز آموختیم که عبادت یعنی اطاعت، یعنی خشوع.

قرارمان این شد که تنها تو را بپرستیم و تنها از تو اطاعت کنیم، اما هنوز هم این قصه ادامه دارد... آدم که به زمین آمد، شد ولیالله و این بار صحنه امتحان آدمیزاد عوض که نه، شروع شد!

۱- طه: ۱۱۵.

۲- ذاریات: ۵۶.

ص: ۹

فرمودی: تنها به درگاهم بیایید، حق ورود ندارید!اهل هر زمانی با ولی زمانشان بیایند!

و ما منتظر ماندیم تا ولیالله زمانمان را بشناسیم. نوح، موسی، عیسی علیهم السلام و محمد رسول الله صلی الله علیه و آله همه آمدند، اما ما هنوز نیامده بودیم. علی، حسنبنعلی، حسینبنعلی،علی بن حسین و...

خدایا! پس در کدام صفحه تاریخ، ما را میگذاری؟ آری اینجاست. ما هستیم و بر سرفصل حیاتمان نوشته شده است: «حجتبنالحسنالمهدی عجل الله »

یکی راه آشکار را پیش گرفت، یکی ناامید شد و ناله سر داد: پس کو؟ یکی عهد بست و ثابتقدم ماند! یکی اوج گرفت و تا پله آخر معرفت صعود کرد... اما من... هنوز نقطه پایان زندگیام ناپیداست.

باید کاری کرد... معرفتی، مودتی، خلوصی، خشوعی به درگاه ولیالله بردن، لازمه انسانیت ماست.

باید راهمان را از راه ابلیس جدا کنیم. باید برگی سبز از حیات خود بر جای بگذاریم تا برای همیشه، تاریخ بنویسد: اینان زمینهساز ظهور بودند، اینان باعث فرج آل محمد علیهم السلام بودند و این چیز کمی نیست.

ص: ۱۰

در این اثر به دنبال آن هستیم تا به بررسی ریشهای استغاثه، شرایط و اهداف آن بپردازیم تا گامی هر چند کوچك در راستای تعالی ارزشـهای مهدوی و زمینهسازی ظهور منجی عالم بشـریت، حضرت مهدی عجل الله ، برداریم. امید که این برگ سبز هدیهای مورد رضای الله و ولیالله باشد.

ص: ۱۱

ص: ۱۲

فصل اول: هدف آفرینش و حقیقت زندگی

هدف آفرینش و حقیقت زندگی

آدمی حیات ویژه‌ای در مقایسه با سایر موجودات دارد. دستیابی به این حیات ویژه که او را در مسیر حرکت به سوی کمال قرار میدهد، تنها در گروی عبودیت و بندگی خداست؛ چرا که اگر پروردگار جهان تنها کسی است که توانایی بخشیدن حیات جاودانه به انسان را دارد و همه داراییها در دست اوست، پس فقط او قدرت برآوردن تمام آرزوها را داراست، بنابراین بدیهی است که باید او را باور کرد و طوق بندگی او را بر گردن نهاد و از او فرمانبرداری کرد.

اگر خدا خالق آدم و عالم است، پس عبودیت و بندگی او همان هدف آفرینش است؛ همچنان که قرآن کریم نیز بیان میدارد(: وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ)(۱) عبادت حقیقی خدا جز از راه معرفت عمیق درباره مقام و دستورات او امکان ندارد؛ چراکه ما اگر خدا را آنگونه که هست، نشناسیم، عبادت ما پوسته

۱- ذاریات: ۵۶.

ص: ۱۳

ظاهری و بدون روح بندگی خواهد بود. در حقیقت عبودیت خداوند از معرفت او آغاز میشود و به فرموده امام باقر علیه السلام «أنّما یعبُدُ الله من یعرفُ الله»(۱) ؛ تنها کسی خدا را عبادت میکند که به او معرفت داشته باشد. همین است که در آیات قرآن و سخنان ائمه علیهم السلام هدف خلقت، معرفت خدا معرفی شده است. در روایات نیز معیار ارزشگذاری انسانها میزانِ همین معرفت نسبت به خالق است. چنانکه در روایتی آمده است که «بافضیلتترین شما کسی است که معرفتش بیشتر باشد.»(۲)

امام، معلم راه معرفت و عبودیت خدا

حال که برای رسیدن به کمال، باید از مسیر عبودیت و بندگی خدا پیش رفت و این عبودیت به معرفت او وابسته است، این سؤال مطرح میشود که برای رسیدن به معرفت خدا چه باید کرد؟

در پاسخ باید گفت که اندیشه و عقل محدود ما از فهم چنین معرفتی عاجز است، بنابراین برای این کار باید به واسطههایی متوسل شد؛ زیرا خداوند نظام عالم را بر اساس اسباب و وسایل قرار داده است و اولیای معصوم علیهم السلام

۱- کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، ج۱، ص ۱۸۰.

۲- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج۳، ص۱۴.

ص: ۱۴

بهترین واسطه در شناخت و معرفت خداوند هستند. همین است که امام صادق علیه السلام میفرمایند: « أَبَی الله أنْ یُجْرِیَ الْأَشْیَاءَ إِلَّا بِالْأَسْبَابِ فَجَعَلَ لِکُلِّ شَیْ ءٍ سَبَباً ...» ؛ خداوند امتناع فرموده که کارها را بدون اسباب فراهم آورد.(۱)

در آیات قرآن نیز این نکته یادآوری میشود که هدایتگری خدا باواسطه است و آن واسطه، انسانهای وارستهای هستند که خلیفه و ولیّ خدایند. چنانچه امام سجاد علیه السلام فرمودند: «میان خدا و حجت او که امام هر زمان است، حجاب و مانعی وجود ندارد؛ پس خداوند پیش روی حجت خود پوششی نیفکنده است. درهای علم خدا، راه مستقیم و کانون علم او، ما هستیم. بازگوکننده و شرحدهنده وحی خدا و استوانههای اصلی کاخ توحید او، ما هستیم و ماییم جایگاه راز نهانی او.»(۲) همین است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در توصیف خود و امامان معصوم میفرمایند: «ما وسیله به سوی خدا و رساننده به رضوان اوییم.»(۳)

معرفت امام، کلید عبودیت و سعادت

حضرت سیدالشهدا علیه السلام در پاسخ به این پرسش که

۱- کلینی، محمدبنیعقوب، کافی، ج ۱، ص۱۸۳.

۲- شیخ صدوق، معانی الخبار، ص۳۵.

۳- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج۲۵، ص۲۳.

ص: ۱۵

معرفت خـدا چیست؟ فرمودنـد: «مَعْرِفَهُ أَهْلِ کُلِّ زَمَانٍ إِمَامَهُمُ الَّذِی یَجِبُ عَلَیْهِمْ طَاعَته» ؛ (معرفت اهل هر زمانی به امامشانکه اطاعت از او، بر آنان واجب است.)(۱) پس برای عبودیت و اطاعت آگاهانه خداونـد تنها یک راه وجود دارد و آن، شـناسایی امام و خلیفه خدا و پیروی از اوست.

یکی از جایگاههـای امـام و خلیفه الهی، اعطای حیات حقیقی و انسانی به آدمیان است؛ به همین دلیل خطاب به امام عصـر عجل الله میگوییم: «السَّلامُ عَلَیْکَ یَا عَیْنَ الْحَیَاهِ » ؛ سـلام بر تو ای چشـمه زندگی.(۲) به همین دلیـل است که معرفت به امـام زمان عجل الله ، رمز حیات حقیقی و عدم شناخت وی به مثابه مرگ جاهلی است.

چنـانکه پیـامبر گرامی اسـلام صـلی الله علیه و آله فرمودهانـد: «مَنْ ماتَ وَ لَمْ یَعْرِفْ إمامَ زَمانِهِ ماتَ مَیْتَهً جاهِلِیَّهً»(۳) همچنین دین به عنوان ضامن زندگی حقیقی و موفّق، تنها به وسیله امام معصوم علیه السلام به دست میآید.

اما نکته دیگری که مطرح است، این است که ما با وجود همت بلندی که برای رسیدن به قله کمال داریم، دچار کمبودها و نیازهای فراوانی هستیم و

۱- شیخ صدوق، عللالشرائع، ج ۱، ص ۹.

۲- ابن طاووس، علی بن موسی، جمالالاسبوع بکمال العمل المشروع، ص ۳۷.

۳- کلینی، محمدبنیعقوب، کافی، ج ۱، ص ۳۷۷.

ص: ۱۶

موانع زیـادی بر سـر راهمان قرار دارد. قرآن کریم نیز درباره آفرینش انسان چنین میفرمایـد(: وَخُلِقَ الانسانُ ضَـعیفًا)(۱) باید یادآور شد که مطمئنترین راه برای شـناخت کمبودها و از بین بردن آن ها، امام است و هیچ راه مطمئنی به جز امام برای رسـیدن به سـرمنزل سعادت، وجود ندارد و از این روست که اینگونه به امام سلام می دهیم: «السلامُ عَلَیکَ یا سَبیلَ الله الذی مَن سَلَکَ غَیرَهُ هَلَک»(۲)

همچنین امام معصوم همان انسان کمال یافتهای است که توجه به او موجب نیرومنـد شـدن اراده ما در رسـیدن به هدف خواهد شد؛ برای همین در توصیف او چنین آمده است: « الْإِمَامُ الْأَنِیسُ الرَّفِیقُ »(۳)

آیا میتوان از ائمه معصومین علیهم السـلام که بنابر فرموده رسول اکرم صـلی الله علیه و آله مصداق کامل رفیق هسـتند، در این مسـیر سخت و طولانی چشمپوشی کرد؟

امام سبب آرامش، امنیت و نجاتبخشی است

تنها کسی که میتواند در طول این مسیر، محافظ ما باشد و برای ما امنیت و آرامش ایجاد کند و ما را از

۱- نساء: ۲۸.

۲- مفاتیحالجنان، زیارت حضرت صاحبّالامر عجل الله تعالی فرجه الشریف.

۳- کلینی، محمدبنیعقوب، کافی، ج ۱، ص ۲۰۰.

ص: ۱۷

خطرها رهایی بخشد، پروردگار بلندمرتبه است که هم به ما و هم به راه تکامل و هم موانع آن، علم و قدرت کافی دارد، اما از آنجا که بنابر فرموده قرآن، جریان این امور در دنیا به وسیله ابزار و وسایل است(؛ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا الله وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)(۱) شایسته‌ترین وسیله‌ای که در این جهت میتواند قرار بگیرد، همان خلیفه و ولیّ خدا است؛ انسانی از خود ما ولی دارای علم، قدرت و شفقت کامل از سوی خداوند.

اکنون که جایگاه اهلبیت علیهم السلام در نظام هستی مشخص شد، درمییابیم که این بزرگواران عامل آرامش و نجات ما هستند، همانطور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره خود و اهلبیت علیهم السلام فرموده‌اند: «همانا مَثَل ایشان در میان شما مثل کشتی نوح علیه السلام است که هرکس سوارش شود، نجات مییابد و هرکس تخلف ورزد، نابود میشود.»(۲) بر این اساس است که ما در سلام به حضرت مهدی عجل الله میگوییم: «اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا سَفینَةَ النَّجاةِ » خود امام عصر عجل الله نیز چنین فرموده‌اند:

۱- مائده: ۳۵.

۲- سروی مازندرانی، محمد بن علی بن شهر آشوب، مناقب آلابیطالب، ج ۱، ص۲۹۵.

ص: ۱۸

«ما از مراعات و توجه به شما کوتاهی نمیکنیم و یادتان را از خاطر نمیبریم؛ زیرا اگر چنین بود، دشواریها و اذیتها بر شما فرود میآمد و دشمنان بر شما دست درازی میکردند.»(۱)

همچنین ایشان فرموده‌اند: «من خاتم امامان هستم و خداوند عزّوجلّ به وسیله من، بلا را از اهل و شیعهام دفع میکند.»(۲)

آری، ولایـت و سرپرستی امـام و ولیّ الهی که تجلی ولایت خـداست، دژی محکم، ضامن آرامش، امنیت و نجات ماست، اما نکته قابل توجه این است که بهرهمنـدی از ولایت و حمایت ولیالله الاعظم، امام زمان عجل الله ، به پیروی و اقدام عملی ما از وی بستگی دارد، چنانکه امام صادق علیه السلام فرمودند:«لا تُنالُ وِلایَتُنا الّا بِالعَمَلِ و الوَرَع »(۳) البته این پیروی، به معرفت ایشان نیاز دارد و تا معرفت نسبت به این اسباب و واسطههای بین خدا و مردم به دست نیاید، تمسک به آن ها ممکن نخواهد بود.

۱- طبرسی، الاحتجاج، ج۲، ص۴۹۷.

۲- شیخ صدوق، کمالالدین و تمام النعمه، ج۲، ص۴۴۱.

۳- کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج۲، ص۷۴.

ص: ۱۹

تعامل انسان و جامعه و نقش امام

از آنجـا که انسان موجودی اجتماعی است، در تعامل با دیگران از جنبههای مختلف و به ویژه صـفات روحی تأثیر میپـذیرد و کسـی که میخواهـد ویژگیهای انسان صالـح را دارا باشـد تا با این سـرمایه به سـعادت ابدی دست یابد، میداند که جامعه صالح در اصـلاح مردم مؤثر است و یکی از بزرگترین موانع در مسیر صلاح آن ها، جامعه فاسد است.

برای اصـلاح جامعه نیازمند قوانین جامعی هستیم که تمام جوانب امور را در نظر گرفته و سـعادت فرد و جامعه را تضـمین نماید، اما برای ترسـیم این قوانین، نه انسانهـا کفایت لازم را دارنـد و نه عقل آدمی. تنها راه به دست آوردن برنامه جامع برای حفظ و اصـلاح جـامعه انسـانی، دریـافت آن از سوی آفریـدگار انسان و هستی و حاکم و عالم بر آن ها است و به طور حتم، خداونـد حکیم نیز این قوانین را به واسـطه فرسـتادهای برای انسانها خواهد فرسـتاد و رسول همان فرسـتاده خدا برای بشر است که قوانین جامع زندگی را با تعلیم و تفسیر درست آن، در اختیار انسانها میگذارد و بعد از رسول نیز این مسئولیت بر

ص: ۲۰

عهده وصی و امام است؛ البته وظیفه ماست که وقتی وجود چنین کسانی را با عقل خویش درک نمودیم، در پی شناخت و کسب معرفت ایشان برای دریافت آن قوانین برآییم.

امّا آیا صرف وجود قوانین جامع برای اصلاح جامعه کافی است؟ در پاسخ باید گفت که بی‌تردید افزون بر وجود قوانین جامع و محکم برای اصلاح جامعه، اجرای این قوانین نیز در جامعه لازم و ضروری است و ضمانت اجرای آن، وجود حاکمی است که علاوه بر اشراف کامل بر قوانین، توانایی اجرای آن را هم دارا بوده و همچنین از بند هوسها و منافع خویش آزاد باشد. در توضیح اهمیت این موضوع همین بس که امیرالمؤمنین، علی علیه السلام فرمودهاند: «اَلنّاسُ بِاُمَرائِهِمْ اَشْبَهُ مِنْهُمْ بِآبائِهِمْ »(۱) ؛ مردم به امیران و حاکمان خود شبیهترند تا به پدرانشان.

حاکم صالح جهانی تنها راه حل مشکل

اگر انسان بخواهد به سعادت و رشد برسد، به دلیل اینکه موجودی اجتماعی است، به جامعه ای صالح نیاز دارد، اما آنچه مسلّم است، این است که هر مجموعه

۱- ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیهم، ص۲۰۸.

ص: ۲۱

بزرگتری، مجموعه و جامعه کوچکتر از خود را تحت تأثیر قرار میدهد و با وضع کنونی جهان میبینیم که جوامع کوچکتر تحت تأثیر جوامع بزرگتر و ارادههای فاسد حاکم بر آن قرار دارند و تنها چاره اصلی، تغییر حاکمیت ظلم به حاکمیت اصلی به رهبری انسانی صالح و مصلح است که دارای علم و عدالت سرشار بوده و شایستگی اداره جهان را دارا باشد؛ یعنی بر تمام هستی ، انسان و قوانین حاکم بر آن آگاهی داشته، از قید هوسها آزاد بوده و عادلانه به مقتضای علوم خود، پایبند و به عبارت دیگرمعصوم باشد. چنانکه امام صادق علیه السلام دراینبارهمیفرمایند: «لایَصلُحُ النّاسُ اِلّا بِامامٍ و لاتَصلُحُ الاَرضُ اِلّا بذلک»؛ مردم جز با امام اصلاح نشوند و زمین نیز بدون امام اصلاح نگردد.(۱)

بنابراین باید چنین کسی را در این جایگاه نشاند و او را در انجام خواستهها یاری داد. شرط اول آن است که باید او را شناخت و به تمام ویژگیهای عمومی او یعنی عصمت، علم و عدالت مطلق و همچنین به اسم او نیز معرفت پیدا کرد؛ زیرا این معرفت در مسیر رستگاری، امری ضروری است.

(۲)

۱- شیخ صدوق، علل الشرائع، ج۱، ص۱۹۶.

۲- برگرفته از کتاب حس حضور، حسن ملایی.

ص: ۲۲

نتیجه:

حال که هدف خلقت، عبودیت و بندگی خداست و آن، چیزی جز تسلیم شدن در برابر خدا و دستوراتش نیست و از طرفی، تنها راه رسیدن به این هدف، معرفت به خداوند و یگانه راه معرفت و اطاعت از خدا، معرفت و اطاعت از امامان معصوم است؛ بنابراین پذیرش ولایت ائمه معصومین علیهم السلام و بالاخص امام زمان عجل الله در عصر ما معیار دینداری است، چنانکه در دعای عصر غیبت به مفهوم معرفت امام و چنگ زدن به ولایت وی به عنوان معیار دینداری تأکید شده است؛ «اَللّهُمَّ عَرِّفْنی نَفْسَکَ فَاِنَّکَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنی نَفْسَکَ لَمْ اَعْرِف نَبِیَّکَ اَللّهُمَّ عَرِّفْنی رَسُولَکَ فَاِنَّکَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنی رَسُولَکَ لَمْ اَعْرِفْ حُجَّتَکَ اَللّهُمَّ عَرِّفْنی حُجَّتَکَ فَاِنَّکَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنی حُجَّتَکَ ضَلَلْتُ عَنْ دینی»(۱)

۱- کلینی، محمدبنیعقوب، کافی، ج ۱، ص۳۳۷.

ص: ۲۳

هدف خلقت: عبودیت و بندگی خدا -- معرفت به خدا: راه رسیدن به عبودیت -- امام: معلم راه معرفت و عبودیت خدا -- معرفت امام: کلید عبودیت و سعادت

ص: ۲۴

ص: ۲۵

ص: ۲۶

فصل دوم: تشریح وضعیت جهان

تشریح وضعیت جهان

ما در جهانی زندگی میکنیم که این وقایع و فجایع در حال رخ دادن است:

جنگهای صلیبی، جنگهای جهانی اول و دوم و میلیونها کشته و زخمی، نسلکشی تاریخی وکشته شدن هزاران مسلمان بوسنیایی.

جنگ ویتنام که در آن، هواپیماهای ارتش آمریکا بیش از هشتاد میلیون لیتر عامل نارنجی را بر روی جنگلهای ویتنام فرو ریختند که افزون بر ریختهشدن برگ درختان (با هدف از بین بردن امکان استتار ویتکنگها) موجب نابودی ذخایر ارزشمند جنگلهای بارانزای استوایی و آلودگی خاک این مناطق شد و آثار این ماده شیمیایی بر روی سومین نسل کودکان ویتنامی و حتی کودکانی که هنوز متولد نشدهاند، وجود دارد و خواهد داشت. همچنین

در ۳۳۶۰ روستای بخش جنوبی ویتنام که از این ماده شیمیایی استفاده شده، هم اینک حدود

ص: ۲۷

هشتصد هزار نفر، از آسیبهای مختلف جسمی رنج میبرند و باید همواره تحت مراقبتهای پزشکی باشند. از سوی دیگر، پاکسازی ماده سمی دیوکیسن در خاک این کشور، معضل دیگر زندگی مردم آن است. در زندگی روزمره مردم ویتنام، افزون بر تهدیدهای ناشی از بمبهای منفجرنشده، به دلیل آلوده شدن آب و خاک به عامل نارنجی، معضل ابتلا به سرطانهای مختلف و یا تولد کودکان ناقصالخلقه به مسألهای عادی تبدیل شده است.

دو عملیات اتمی در زمان جنگ جهانی دوم به دستور هری ترومن، رئیس جمهور وقت آمریکا، علیه ژاپن انجام گرفت که طی آن، دو بمب اتمی به فاصله ۳ روز بر روی شهرهای هیروشیما و ناکازاکی انداخته شد و باعث ویرانی و کشتار گسترده شهروندان این دو شهر گردید. حدود ۲۲۰٬۰۰۰ نفر در اثر این دو بمباران اتمی جان باختند که بیشتر آنان را شهروندان غیرنظامی تشکیل میدادند. از این آمار، بیش از ۱۰۰٬۰۰۰ نفر بلافاصله هنگام بمباران کشته شدند و بقیه تا پایان سال ۱۹۴۵ به سبب اثرات مخرب تشعشعات رادیواکتیو، جان خود را از

ص: ۲۸

دست دادند. با آنکه بمبارانهای اتمی هیروشیما و ناکازاکی با برجای گذاشتن نزدیک به ۲۵۰ هزار کشته، دهشتناکترین قتل عام تاریخ جهان بودهاند و در حافظه جمعی مردم دنیا حک شده اند، تا سالهای سال تصاویر این رویداد در دست نبود.

اشغال فلسطین توسط اسرائیل که در پی آن، مناطق مختلف فلسطین از هم جدا شده و هزاران فلسطینی از وطنشان آواره گشتند. همچنین دزدیده شدن آبهای زیرزمینی فلسطینیان توسط اسرائیل تا جایی که گاهی خود فلسطینیان مجبور به جیرهبندی آب میشوند.

داغ بزرگ شهید کوچک فلسطینی، علی سعد دوابشه را چه میکنیم؟ این کودک ۱۸ ماهه فلسطینی در آتشی که نظامیان اشغالگر صهیونیستی به پا کرده بودند، زنده زنده سوزانده شد. پدرش پس از مجروحیت در اثر به آتش کشیده شدن خانه و مسدودشدن درب خانه توسط لاستیکهای سوخته، به شهادت رسید و مادرش نیز دچار مرگ مغزی شد.

جنگهای ۳۳ روزه و ۵۰ روزه اسرائیل علیه مردم غزه و محاصره آن ها که باعث کشته شدن هزاران زن و کودک بیگناه فلسطینی شد.

ص: ۲۹

هزاران کشته و زخمی در پی اشغال جنوب لبنان در سال ۱۹۷۸ توسط اسرائیل و جنگ ۲۲ روزه اسرائیل با حزبالله که در آن، صدها تن از سربازان و فرماندهان حزبالله به شهادت رسیدند.

آیـا دیر یاسـین را از یاد بردهایم؟ روسـتایی کوچک، نزدیک قـدس که در سال ۱۹۴۸ شاهد هجوم سه گروه مسلح از صهیونیستها بود. در این یورش که با مقاومت ساکنان ده همراه بود، ۲۵۰ نفر که بیشتر آن ها را زنان، کودکان و سالمندان تشکیل میدادند، کشته شدنـد. همچنین در این حمله، فجایع دیگری از جمله تجاوز جنسـی، مثله کردن، پاره کردن شـکم زنان باردار و منفجر کردن منازل نیز رخ داد.

آیا جنایت وحشـیانه صهیونیستها در روسـتای قانا را از یاد بردهایم؟ روسـتایی در جنوب لبنان که در سال ۱۹۹۶ و در جریان جنگ لبنان، مقر نیروهای سازمان ملل بود. با حمله جنگندههای اسرائیلی به جنوب لبنان، بسیاری از زنان و کودکان برای در امان ماندن از این حملات، به مقر نیروهای سازمان ملل در این روستا پناه بردنـد، اما نیروهای رژیم صـهیونیستی با زیرپا گذاشـتن تمام مقررات و حقوق بین المللی و

ص: ۳۰

انسانی، این منطقه و ساختمان مورد نظر را زیر آتش سنگین توپخانه ویران کردند. در این جریان بیش از ۱۰۰ نفر که **۳۳** نفر از آن ها کودکان زیر ۱۰ سال بودند، به شهادت رسیدند.

نزدیکتر بیاییم!

جنگ ۸ ساله عراق و حامیانش با ایران و شهید شدن هزاران فرزند این آب و خاک و فجایع انسانی و اخلاقی که در سوسنگرد، بستان و... اتفاق افتاد.

بمباران شیمیایی سردشت و حلبچه مظلوم را نیز به یاد بیاوریم. صدام به مردم کشور خودش نیز رحم نکرد؛ آنجا که حکومت بعث عراق، شهر حلبچه را در جنگ با ایران از کنترل خود خارج دید، تحمل سیاسی خود را از دست داد و به حملات شیمیایی روی آورد که در اثر آن، بیش از ۵۰۰۰ شهروند کُرد در ظرف کمتر از یک ساعت کشته و بیش از ۸۰۰۰ نفر دیگر از فرزندان شهر حلبچه مسموم شدند که تعدادی از آن ها در سالهای بعد بر اثر مشکلات ناشی از مواد شیمیایی، جان خود را از دست دادند. این بمباران بخشی از عملیات گسترده به نام عملیات انفال بود که بر ضد ساکنان مناطق کُردنشین عراق انجام

ص: ۳۱

شد. در پی عملیات والفجر ۱۰ توسط ایران و تصرف بخشهایی از کردستان عراق در اواخر سال ۱۳۶۶ که منجر به استقبال مردم این مناطق از نیروهای ایرانی شد، صدام حسین به پسرعمویش، علی حسنالمجید، معروف به علی شیمیایی، دستور بمباران شیمیایی این مناطق را داد. حمله شیمیایی به حلبچه که به کشتار حلبچه یا جمعه خونین نیز شناخته میشود، یک نسلکشی مردم کُرد بود که در ۱۶ مارس ۱۹۸۸ به وسیله بمباران شیمیایی توسط نیروهای دولتی عراقی در طی روزهای پایانی جنگ ایران و عراق روی داد.

پیش از حملات شیمیایی، شهر به مدت دو روز با بمبهای متعارف بمباران شد. ظاهراً علی حسنالمجید میخواسته شیشه ساختمانهای شهر را بشکند تا امکان مقاومت در مقابل گازهای سمی به حداقل برسد. نیروی هوایی عراق از انواع مواد شیمیایی علیه حلبچه استفاده کرد؛ گازهای اعصاب مانند وی ایکس، سارین، تابون و گاز خردل. شدت این سموم آنقدر زیاد بود که حتی مرغان هوا و حیوانات نیز در امان نبودند. شب هنگام که برف زیادی باریده بود، نزدیک به پنجاه

ص: ۳۲

کمپرسی و کامیون، مجروحان را به داخل خاک ایران حمل کردند و از خاک عراق به مراکز درمانی کرمانشاه و سایر شهرهای همجوار منتقل شدند. در روزهای بعد، پیکر این انسانهای مظلوم با بیلمکانیکی، جمعآوری و برای دفن به خارج از شهر حلبچه منتقل شد. تصاویری که هیچگاه از ذهن کُردها پاک نخواهد شد.

درباره بمبهای فسفری که که در دفاع مقدس توسط عراق استفاده شده بود، چیزی شنیدهایم؟

شاید بسیاری از ما نشنیدهایم که عراق در منطقه دوعیجی، بمب فسفری میانداخت. فسفر با اکسیژن هوا سریع ترکیب و شعلهور میشود و بسیجیها زیر این بمبهای فسفری گیر میکردند و فسفر به تن آن ها میچسبید و با هیچ وسیلهای خاموش نمیشد و آن ها میسوختند و صبح هنگام، باد خاکستر آن بچهها را با خودش میبرد.

و باز نزدیکتر بیاییم، سرکوب قیامهای مردمی در منطقه و کشته شدن تعداد بسیاری از مردم بیگناه به جرم انقلابی بودن.

نسلکشی مسلمانان میانمار توسط بودائیان و سوزاندن کودکان و زنان آن ها در گورهای دسته جمعی.

ص: ۳۳

گرفتاریها و سختیهایی که مسلمانان کشمیر با آن دست و پنجه نرم میکنند.

کشته شدن هزاران زن و کودک و مرد غیر نظامی و بیگناه پاکستانی و افغانستانی توسط آمریکا و ناتو و مزدورانشان در این کشورها از جمله القائده و طالبان.

قاچاق اعضای بدن کودکان بیگناه افغانی و فلسطینی به بهانه کمکهای انسانی و مبارزه با تروریست.

اشغال وحشیانه سوریه توسط گروههای تکفیری تروریستی که به واسطه آل سعود وهابی و حامیانش مانند آمریکا و اسرائیل ایجاد و تقویت میشوند و نابودی بسیاری از زیرساختهای این کشور و کشته شدن هزاران زن و کودک بیگناه و به اسارت بردن زنان و فروختن آن ها در بازارها به عنوان کنیز.

حمله گروههای تکفیری به عراق و کشتن غیر نظامیان و شیعیان این کشور به طرز وحشیانه، تهدید به تخریب حرمهای ائمه گرامی و تجاوز و تعدی به زنان و ناموس شیعه.

جدای از جنایتهای نیروهای تکفیری از جمله اعدام، سر بریدن، قطعه قطعه کردن بدن، دست بریدن، زنده به گور کردن، آتش زدن و دیگر جنایتهای گوناگونی

ص: ۳۴

که نیروهـای تروریستی علیه مردم مرتکب میشونـد، رفتارها و اقـدامات غیر اخلاقی نیروهای این گروهک های تروریستی نیز به نوبه خود پروندهای متفاوت برای این گروهکهای تکفیری به وجود آورده است.

پرونـده این گروهکهای تروریستی در زمینههای جنسـی و غیر اخلاقی بسـیار است از جمله جهاد نکاح، جهاد لواط، جهاد با محارم، فروش زنـان به عنوان برده و کنیز و... این گروههـای تکفیری بـا اینکه داعیه اسـلام و ایمـان دارنـد، امـا حـتی قوانین اسـلامی را هم رعایت نمیکنند، بلکه احکام دینی را به نفع خود تغییر میدهند.

سرکوب و فشارهای زیاد آل خلیفه و آل سعود بر شیعیان بحرین.

حمله وحشـیانه آل سـعود به یمن و نابود کردن تمام زیرساختهای عمرانی و غیر نظامی این کشور و نسلکشی شیعیان یمنی. محاصره این کشور، نقض چندین باره آتشبس و اجازه ندادن به ورود کمکهای بشردوستانه به این کشور، قحطی و کمبود غذا و دارو و آب. آیا حمله و بمباران یک مجلس عروسـی در یمن و کشـتن صـدها نفر از زنان و کودکان بی گناه در مرام و آیین هیـچ انسانی آمـده است؟

ص: ۳۵

کشته شدن زائران حرم امن الهی به فجیعترین وضع به خاطر بیکفایتی و بیتدبیری آل سعود در وادی منا، آنجا که تنها سرزمین امن الهی روی زمین است و باید حرمتش حفظ گردد، اینچنین ناامن میشود که قتلگاه مسلمانانی می گردد که فقط برای ادای فریضه حج از دیار خود هجرت کرده اند ولی در پایان، مصداق آیه...(مُهَاجِرًا إِلَى الله)...(۱) شدند. و همگان میدانیم که امام زمان عجل الله داغدار واقعی این کشتههای مناست.

کشتار شیعیان نیجریه، دستگیری شیخ زکزاکی ، رهبر شیعیان این کشور و هم چنین شهادت همسر و پسران وی، دستگیری و اسارت رهبر شیعیان عربستان، شیخ نمر باقر النمر و سرانجام شهادت وی توسط آل سعود.

سرکوب معترضان در آمریکا و اروپا، تبعیض نژادی و نژادپرستی در آمریکا و کشتن سیاهپوستان و رنگینپوستان بیگناه حتی توسط پلیس این کشور.

سیلها و طوفانهای پی در پی و زلزلههایی که هر روز گوشهای از این جهان را در بر میگیرد و افراد زیادی کشته میشوند.

قحطی و گرسنگی شدید در آفریقا که علت اصلی آن، عدم مدیریت صحیح مواد غذایی در جهان می باشد نه کمبود غذا؛ چراکه ما در جهان کمبود غذا نداریم؛ به عنوان نمونه هرساله آمریکا گندمهای اضافی خود را داخل دریا میریزد تا قیمت آن را بالابرده و منافع خود را تأمین نماید.

۱- نساء: ۱۰۰.

ص: ۳۶

اوضـاع نابسامـان اقتصادی در غرب و تقسـیم ناعادلانه ثروت، آنجا که ۹۹ درصـد ثروت این کشورهـا تنها در دست یک درصـد از ثروتمندان است و تنها یک درصد از منابع و ثروت این کشورها به مردم عادی که ۹۹ درصد جوامعشان را تشکیل میدهد، میرسد.

همچنین مشـکلات اقتصـادی فراوانی که تمام کشورهای جهان با آن روبرو هسـتند و این حاکی از ناکارآمـدی تمام مکاتب بشـری است، حتی در کشور ایران که به نوعی حکومت اسـلامی است، نیز مشـکلات و مفاسـد اقتصادی بیـداد میکنـد و زندگی تمام مردم کشور را تحت تأثیر قرار داده است. این در حالی است که مبارزه جدی با این مشکل در کشور انجام نمیگیرد.

بیبنـد و بـاری و فسـاد و انحطـاط اخلاـقی در اکثر نقاط جهان به ویژه در غرب که همه، به سـبب دوری از دین و خـداست. البته این موارد در کشور ما به مـدد انقلاب اسـلامی و به برکت خون شـهیدان کمتر است ولی کشور ما هم به دلیل اینکه جزئی از این جهان است، از این فرهنگ نادرست مصون نیست.

همچنین از آنجا که ما تنها کشور شیعه و تنها حکومت اسلامی هستیم که با مستکبران سر ناسازگاری

ص: ۳۷

دارد، طبیعتاً بیشتر از سایر کشورها در معرض جنگ روانی و تخریب زیرساختهای اعتقادی و سبک زندگی هستیم. سبک زندگی ایرانی اسلامی ما به شدت در معرض خطر و تغییر است. از افزایش آمار طلاق و اعتیاد و بزهکاریهای اجتماعی و بدحجابی گرفته تا تغییر در مدل خانهها و مصرف غذاهای نادرست که به شدت برای سلامتی ما ضرر دارد و مطمئناً همه این ها با توطئه غرب و استکبار وارد فرهنگ ما شده تا به فرهنگ غنی ما لطمه بزنند.

حال ما را چه شده است؟! ما به عنوان شیعه علوی در این زمان که به ناموس شیعه در سراسر جهان تعدی و ظلم میکنند، هنوز زندهایم. نژادپرستان آمریکایی، زن مسلمان باردار را جلوی فرزند و همسرش در دادگاهی که نماد مبارزه با ظلم است، به قتل میرسانند و با سکوت تمام مجامع بینالمللی مواجه میشوند و ما مسلمانان هنوز زندهایم و به زندگی خود ادامه میدهیم درحالیکه وقتی حضرت علی علیه السلام شنیدند که خلخال از پای زنی یهودی باز کردهاند، فرمودند: «اگر مردی به خاطر این اتفاق جان دهد، رواست.» کودکان بیگناه را میکشند و ما هیچ دردی حس نمیکنیم حتی یک

ص: ۳۸

لحظه خود را جای مادران و پدران آن ها نمیگذاریم. آیا زنان سوریه، عراق، فلسطین و لبنان ناموس ما نیستند؟

آیا کودکان غزه، لبنان، سوریه و عراق را که بیگناه کشته میشوند، کودکان خود نمیدانیم؟

آیا ذبح شدن مردان را در سوریه و عراق میبینیم و هنوز شب، راحت سر بر بالین میگذاریم؟

آیـا محاصـره، گرفتـاری، جنـگ و خونریزی، قحطی و بیـآبی در یمن را نمیبینیم که هر روز نهادهـای بینالمللی در مورد وقوع فاجعه انسانی در این مناطق هشدار میدهند و ما هنوز آب و غذا به راحتی از گلویمان پایین میرود؟

آیا هنوز دردی حس نمیکنیم؟

آیا منتظر وضعی به مراتب بدتر از این هستیم؟

چرا این وضعیت را بدترین وضع نمیدانیم؟

اگرباور نکنیم که این وضع بدترین وضعیت ممکن در جهان است، به ناچار وضعی ناگوارتر برایمان رقم خواهد خورد.

آیا هنوز نیاز به امام زمان عجل الله و منجی و نجاتبخش جهان را حس نکردهایم؟ آیا نمیـدانیم این اتفاقات ناگوار که در جهان رخ میدهد، شاید دلیلش این

ص: ۳۹

باشد که زمان آن دیر شده است و خداوند می خواهد به مردم بفهماند که تنها راه چاره، ظهور ولیّ شماست.

ای شیعیانی که در ایران زندگی میکنید و به مدد انقلاب اسلامی و به برکت خون شهدای عزیزمان در امنیت و آرامش به سر میبرید و این جنـگ و خونریزی، قحطی، تجـاوز و ویرانی را که در کشورهـای منطقه رخ میدهـد، درک نمیکنیـد! ای کاش به این فکر می کردید که همه این اتفاقات جلوی چشـمان عزیز زهرا عجل الله رخ می دهند. او با چشـمان خویش میبیند که شیعیانش را سر میبرند، سربازانش شهید میشوند و دختران و زنان مسلمان و شیعه مورد تجاوز و تعدی قرار میگیرند.

ما درک نمیکنیم چه سـخت است که امام جامعهای این اتفاقات را ببینـد و نتوانـد کاری کند. ما نمیدانیم که امام زمان عجل الله چه دردی میکشند. رنجهای مردم، قلب امام را به درد میآورد. هر حقی که از فرزندان ایشان توسط ظالمی ضایع شود، حضرت را آزرده می کند. امام زمان عجل الله بر همه چیز واقف و عالمند. ایشان از تمامی گرفتاریهای ما چه آن هایی که خود میدانیم و چه آن هایی که از وجودشان بیخبریم،

ص: ۴۰

آگاه هستند و به سبب آن ها غصه‌دار میشوند. وقتی کسی از نظر روحی تحت فشار و ناراحتی شدید باشد، جسمش نیز ضعیف میشود، لذا این همه رنجی که روح امام عصر عجل الله را میآزارد، ممکن است جسم ایشان را هم تحت تأثیر قرار داده و بیمارشان کند؛ بنابراین دعا برای سلامتی و فرج امام زمان عجل الله نه تنها امری بیهوده نیست بلکه کاملاً عقلانی است.

و او همچنان منتظر ماست.

منتظر ما که او را بخواهیم تا برای نجات بشر بیاید و داد مظلومان را از مستکبران بگیرد و امنیت و آسایش واقعی را برایمان به ارمغان آورد. حداقل او را برای نجات خود و دنیایمان بخواهیم؛ چرا که هنوز باور نداریم که این زندگی، آن زندگی واقعی نیست که باید داشته باشیم؛ چرا که زندگی، امنیت، آسایش و رفاه واقعی، همه در سایه ظهور امام زمان عجل الله برایمان رقم میخورد. او را برای رهاییمان از بند گناه و معصیت بخواهیم؛ چرا که نمیدانیم بسیاری از گناهان ما به خاطر این است که امامِمان بالای سرمان نیست.

آیا هنوز هم اضطرار به امام زمان عجل الله در وجودمان شعله ندوانده و آن را حس نکردهایم؟!

ص: ۴۱

ص: ۴۲

فصل سوم: تعریف استغاثه و مراحل وصول به آن

تعریف استغاثه و مراحل وصول به آن

استغاثه در لغت

واژه استغاثه، مصدر باب استفعال از ریشه «غ- و- ث» به معنای طلب نصرت و فریادرسخواهی و استمداد در حال شدّت و محنت است. «غوث» در اصل، نجات دادن از ابتلا و محنت و قرار دادن شخص در پناه خود است. از این دیدگاه، با دو قید «نجات دادن و در پناه خود قرار دادن» فرق میان اغاثه و انقاذ (نجات دادن)، تخلیص (آزاد کردن)، اعانه (یاری کردن)، نصر (یاری و کمک)، انجاء (رهاندن) و تفریج (برطرف کردن اندوه) روشن می شود.

لفظ غوث به معنای الغیاث است و الغیاث به معنای امان و پناه بردن ازحالات شدید و گرفتاری های بزرگ و ترس از عذاب به سبب شدت اضطراب و نگرانی و بیم و هراس است. در چنین مواردی شخص ملتجی، کلمه الغوث یا الغیاث را بر زبان می آورد.

کلمه غوث، اسم خاص برای قطب عالم امکان یعنی امام زمان عجل الله است که مخصوص ایشان بوده و دیگری را نمیتوان در آن شرکت داد.

از ریشه غوث، کلماتی در قرآن وجود دارد که از زبان

ص: ۴۳

مؤمن و کافر، طلب کمک و پناه شده و پاسخ خداوند تعالی به این گروه ها در اجابت درخواستشان متفاوت است.

حقیقت استغاثه

حقیقت استغاثه که شرط بندگی است، استمداد از خداست؛ زیرا یگانه تأثیرگذار در عالم اوست و اگر از غیر وی (اولیای الهی) کاری ساخته است، به اذن او و به این جهت است که آنان مجاری فیض وی هستند. بر این اساس، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «یگانه حقیقتی که بدان استغاثه می شود، خداوند است.»

عالی ترین نمونه ی دعا و استغاثه را در زندگی حضرت زهرا سلام الله علیها می توان یافت. در روایات نیز میخوانیم که حضرت زهرا سلام الله علیها شب تا صبح به دعا و عبادت می پرداختند، پس نکته اول، توحید حضرت و کیفیت توحید ایشان است؛ چرا که دعا در اسلام، نشانه عبودیت و بندگی است. بنده باید فقرخود رادرک کند، آن هم فقر ذاتی که با هیچ چیز برطرف نمیشود و حتی با وجود ثروت و شرایط مالی مساعد نیز از بین رفتنی نیست. چنان که خداوند می فرمایند(: یَا أَیُّهَا النَّاسُ أَنتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَی اللهِ وَاللهُ هُوَ الْغَنِیُّ الْحَمِیدُ)(۱) وقتی شخصی مثل حضرت زهرا سلام الله علیها با آن بزرگی و کمالات و فضائل، دست به دعا برمیدارند (با توجه به اینکه ائمه علیهم السلام برای ما الگو هستند و اول، خود عامل به

۱- فاطر: ۱۵.

ص: ۴۴

سخنـان خـود هسـتند) و از عبـودیت و کوچکی خود مقابـل ذات اقـدس خداونـد سـخن میگوینـد، ابتـدا خودشـان آن را به نمـایش میگذارند و به ما نشان میدهند که حضرت با آن کمالات و داشتههای معنوی باز فقیر الی الله هستند.

آخرین آیه سوره فرقان نیز میفرمایـد(: قُلْ مَا يَعْبَأُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ ؛ ()...بگو اگر دعای شـما نباشد، پروردگارم هیچ اعتنایی به شما نمی کند.) پس به هر میزان که به خدا توجه کنیم و او را بخوانیم، ارزش ما نزد خداوند بالاتر است.

بسـیاری از افراد بـا وجود اینکه شـرایط روحی دشواری دارنـد و به پریشانیهـا، تنگناها و گرفتاریهای بسـیاری دچار شـده انـد، توفیق دعاکردن را پیـدا نمیکننـد این افراد بنا به گفته پیامبر صـلی الله علیه و آله ضـعیف ترین افراد هسـتند. اینان به جای اینکه از خداوند، طلب حاجت کنند، یا به افسردگی و پریشانی کشیده میشوند و یا به صورت خفتبار دست به دامان افراد دیگر و خرافات میشوند ولی قرآن، ما را به خـدا دعوت میکند و میفرماید فقرتان را به خدا عرضه کنید. قرآن با این بیان از ما میخواهدکه فقرمان را در برابر خدا فراموش نکنیم و منبع روزی خود را در طیف وسیع مادیات و معنویات بشناسیم.

ص: ۴۵

مراحل وصول به استغاثه

اشاره

امام کاظم علیه السلام می فرمایند: «شیعه دویست سال است که در سایه آرمانها پرورده و تربیت میشود.»(۱) بیتردید، آرمانها قدرت بسیاری در عرصه زنـدگی انسان دارند؛ اسـتعدادهای آدمی را میپرورانند و او را تربیت میکنند. شـیعه نیز پیوسـته در سایه آرمانهای بلنـد، به جریان رشد و پرورش خود ادامه داده و اینگونه بار مسؤولیت را در گردنههای سـخت تاریخی به دوش کشـیده و از حرکت باز نایسـتاده و همیشه به این آرمانها دلگرم بوده است. آرمان جامعه شـیعی، تحقق حکومت محمد صلی الله علیه و آله و فرج مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله است و تا بندگان خدا و مردم به این غایت نرسند که آرمان جامعه شیعی، تحقق ظهور حضرت مهدی عجـل الله است و بر اسـاس این آرمـان تربیت نشونـد، بلوغ اجتماعی محقق نمیشود. اگر این بلوغ اجتماعی محقق شود، این آرمان با تلاش شیعیان نه تنها در سطح جامعه شیعی بلکه در سطح جوامع بشری، به دغدغه و گفتمان مسلط زمانه تبدیل خواهد شد.

بنابراین، اساسیترین مسأله در عصر غیبت، بحث بلوغ اجتماعی یعنی قابلیت یافتن بندگان خدا و عموم

۱- «انّ الشیعه تربّی بالامانی منذ مأتین سنه». نعمانی، ابیمریم، الغیبه، ص ۲۹۵.

ص: ۴۶

مردم است. این بلوغ اجتماعی دارای شاخصه‌های سه‌گانه زیر میباشد: رغبت اجتماعی به دولت کریمه، شکایت اجتماعی از وضعیت موجود و استعانت اجتماعی.

الف) رغبت اجتماعی

در طول تاریخ، بستر جهل آدمی میدان تاخت و تاز شیاطین بوده و او را به خودمحوری و خودپرستی کشانده و از بهره‌ها و هدایتهای آسمانی محروم کرده است. از همین رو، نوعاً به مدلهای حکومت آسمانی و الهی از طریق انبیا و اوصیا تن نداده و همیشه به حکومتهای ساخته و پرداخته بشری و انسانمحور تن داده است، به گونه‌ای که از دیکتاتوریترین تا لیبرالیترین الگوهای حکومتی و مدیریتی را تجربه نموده است. اینک این بشر خسته از حکومتهای غیر الهی آماده است تا از زمینیان و خودپرستان به خداپرستان بپیوندد. همانگونه که امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند: «دنیا پس از چموشیها و روگردانیهای خود به ما رو میکند، همانند مهربانی ماده شتر ناسازگار بر فرزند خویش.»(۱)

از این رو به دولت کریمه و شاخصه‌های آن میاندیشد و با رغبت و شوق، آن را فریاد میزند و حضور امام مهربان را حس میکند و خود را آماده لبیک گویی به

۱- نهج البلاغه، حکمت ۲۰۹.

ص: ۴۷

او مینماید. این سرآغاز بلوغ اوست که از جلوههای لطف او حکایت میکند.

ب) شکایت اجتماعی

انسان تا زمانی که از وضعیت موجود ناراضی نباشد بلکه شیفته آن باشد، هیچگونه تغییر و حرکتی به سوی وضعیت مطلوب نخواهد کرد و این امر، نشانه عدم بلوغ و رشد اوست. اگر جامعهای به بلوغ برسد، به هیچ وجه به وضـعیت موجود قانع نخواهد بود و شاکی از آن، برای تحقق وضعیت مطلوب به تلاش و تکاپو میافتد.

از این رو، جوامع بشری پس از تجربه تمامی مدلهای حکومت بشری، از خود و بافتههای خود خسته میشوند، به آسمان رو میکنند و دست شکایت به سوی هستیآفرین میبرند و به درگاه خداوند تضرع مینمایند.

اینگونه زمینههای اضطرار به هستیآفرین و حجت او در دل انسان فراهم میشود و جوانههای آن سر میزند و به درگاه خداوند شکایت کرده و از دردهـا و رنجهـای خود حکایت میکننـد و از فقـدان نبی و غیبت ولی شـکایت مینماینـد. «اللهمّ إنّا نَشـکو إلیکَ فَقـدَ نبیّنا صلواتُک علیهِ و آله و غیبَته وَلیّنا...» ؛ خدایا از غیبت امام زمان عجل الله به تو شکایت میکنم...(۱)

۱- مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.

ص: ۴۸

این همه در سایه درک انتظار و اضطرار به حجت و در صورتی است که با تمام وجود، حس نیاز به حجت خدا و ولی خدا را فریاد بزنند؛ چراکه نیاز، زمینه ساز دعاست و انسان تا به چیزی نیاز پیدا نکند، دعا نمیکند. این خستگی از حکومتها و مکاتب بشری حاکی از آن است که احساس نیاز به حکومت الهی و منجی الهی در بین انسانها زنده شده است.

ج) استعانت اجتماعی

زمانی که انسان نیاز خود را درک کرد و فهمید که بافتههایش کارساز نیست، رو به آسمان میکند و به دنبال سبب متصل بین زمین و آسمان میگردد و فریاد «أَیْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَیْنَ الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ» را سرمیدهد. در این هنگام، آخرین مرحله بلوغ اجتماعی که همان استعانت و دعاست، در او جوانه میزند. این دعا و خواستن از هستیآفرین، معرفتهای عمیقی را به همراه میآورد که برخی از آن ها عبارتند از:

۱. اظهار میل به دولت کریمه و درخواست آن از درگاه الهی

۲. شکایت از وضعیت موجود به درگاه الهی

۳. استعانت و درخواست فتح و گشایش سریع از خداوند متعال

وقتی جوامع بشری به منجی و موعود میل پیدا

ص: ۴۹

کنند و از وضعیت موجود شکایت نمایند و درخواست و استعانت به درگاه او فرمایند، به بلوغ اجتماعی رسیده و از خودمحوری و خودپرستی به خدامحوری و خداپرستی خواهند رسید. از آنجا که عبودیت، غایت آفرینش و نهایت رشد و بلوغ انسانهاست، با دعا که مغز و هسته عبادت است، تجلی مینماید. از این رو، دعا نماد عبودیت و نماد بلوغ است.

دعا از جمله وظایف اساسی و نماد بلوغ بشری به شمار رفته و به آن سفارش جدی میشود، زیرا بشر به این بلوغ رسیده است که «خداوندا تو وجود خود را به بینیازی از همه خلق ستودهای و تو به بینیازی از ایشان شایستهای و ایشان را به نیازمندی و فقر نسبت دادهای و در واقع آن ها سزاوار چنین نسبتی هستند. از این جهت، هرکس رفع نیاز خود را از جانب تو بخواهد و برگرداندن فقر را از خویشتن به وسیله تو طلب کند، حقاً که حاجتش را در جایگاه اصلی خود خواسته و به دنبال مطلبش از راه صحیح برآمده است و هر که در نیاز خود به یکی از آفریدگان تو رو کند، یا او را به جای تو وسیله برآمدن حاجت قرار دهد، بیشک خود را در معرض نومیدی آورده و از جانب تو سزاوار محرومیت از احسان گشته است.»(۱)

۱– صحیفه سجادیه، دعای ۱۳.

ص: ۵۰

قرآن میفرماید(: قُلْ مَا یَعْبَأُ بِکُمْ رَبِّی لَوْلَا دُعَاؤُکُمْ فَقَدْ کَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ یَکُونُ لِزَامًا ؛)بگو اگر دعای شما نباشد، پروردگارم هیچ اعتنایی به شما نمیکند. در حقیقت شما به تکذیب پرداختهاید و به زودی [عذاب بر شما] لازم خواهد شد.(۱)

بشر پس از تجربههای سنگین و خستگیهای پیاپی و تکرارهای کور خودمحورانه، رو به درگاه آفریدگار میکند و در این راستا، به «سبیلالله»، «صراط»، «وجه الله» و «بابالله» که همانا امام حیّ و حاضر در این زمان است، رو میکند؛ همچنان که فرمودهاند:

«السَّلامُ عَلَیْکَ یَا سَبِیلَ الله الَّذِی مَنْ سَلَکَ غَیْرَهُ هَلَکَ»(۲) ؛ سلام بر آن راه الهی که سلوک بر غیر آن با هلاکت همراه است؛ یعنی سلام بر تنها راه هدایت.

«أَیْنَ بَابُ الله الَّذِی مِنْهُ یُؤْتَی، أَیْنَ وَجْهُ الله الَّذِی إِلَیْهِ یَتَوَجَّهُ الْأَوْلِیَاءُ»(۳) ؛ کجاست آن باب الهی که از آن درگاه وارد میشوند؟ کجاست آن وجه الهی که دوستان خدا به سوی او روی میآورند؟

«أنتم الصراط الاقوم»(۴)؛ شمایید آن راه پایدار و استوار

۱- فرقان: ۷۷.

۲- مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

۳- دعای ندبه.

۴- زیارت جامعه کبیره.

ص: ۵۱

از همین رو، ما در جهتگیری «توجهنا» و همراهی «و استشفعنا» و اتخاذ وسیله به سوی خداوند «و توسلنا بک إلی الله» فقط به شما خاندان پاکان هستی روی میآوریم.

اینگونه است که ما با رشته اتصال شما پاکان هستی، در دعا، نماز، روزه، استغفار و سایر اعمال خویش از افتادن در خطا مصون و محفوظ میمانیم و دچار اشتباه نمیشویم؛ «و عصمتنا بکم لدعائنا و صلاتنا و استغفارنا و سائر اعمالنا»(۱)

شاخصههای بلوغ اجتماعی وقتی معنا مییابند و اثربخش می شوند که در بستر اجتماعی تجلی یابند، همچنان که در توقیع شریف حضرت عجل الله به شیخ مفید آمده است:

«اگر شیعیان ما که خداوند آن ها را به طاعت و بندگی خویش موفّق بدارد، در وفای به عهد و پیمان الهی اتفاق و اتخاذ میداشتند و آن را محترم میشمردند، سعادت دیدار ما برای ایشان به تأخیر نمیافتاد و هرچه زودتر به سعادت دیدار ما نایل می شدند، در صورتی که بر اساس معرفت واقعی و راستگویی و صداقت آن ها به ما باشد.»(۲)

۱- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج۹۴، ص۳۶.

۲- طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۸.

ص: ۵۲

بر این اساس، آنچه سعادت دیدار و ظهورش را به تعجیل و تأخیر میاندازد، بود و نبود اجتماع قلبی مردم است که بر معرفت و صداقت امام زمان عجل الله مبتنی است.

همانگونه که امام هادی علیه السلام فرمودهاند:

« اگر در روزگار غیبت قائم علیه السلام عالمانی نبودند که ظهور و فرج او را یاد کنند و مردم را به سوی او راه نمایند و از دین او، با استدلالهای محکم، به دفاع برخیزند و کسانی را که ایمان سستی دارند، از تور ابلیس و پیروانش و از شکار ناصبیان و دشمنان اهل بیت علیهم السلام رهایی بخشند، هیچکس باقی نمیماند، مگر آنکه راه ارتداد پیش میگرفت، ولی آنان زمام دلهای شیعیان را در دست میگیرند؛ چونان ناخدای کشتی، سکان کشتی را. اینان نزد خداوند عز و جل افضل و برترین مردم هستند.» (۱)

بدین سان، جامعه به فرهیختگان و اندیشهورزان فهیمی نیازمند است که اینگونه مسؤولیت بلوغ جامعه را بر دوش کشند و از حریم دین و امامت پاسداری نمایند؛ چراکه همه ناکامی های بشر از نابالغی او سرچشمه میگیرد.

تمامی تلاشهای عالمان دینی رنگ و بوی زمینهسازی دارد و بر آن هستند که آستانه درک و بلوغ مردم را در مورد اضطرار به حجت الهی بالا ببرند. این آرمانِ

۱- طبرسی، الاحتجاج، ج۲، ص۴۹۸.

ص: ۵۳

پیوسته فقها از جمله حضرت امام راحل(ره) بوده است تا با ایجاد نظام اسلامی، بسترهای فعال رشد و بلوغ اجتماعی را در جهان فراهم کنند و با توجه به آرمانهای پیوسته بشر، رشد شاخصههای بلوغ اجتماعی (رغبت، شکایت و استعانت اجتماعی) را نظاره نمایند و نجوای(أَمَّن يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ)...(۱) و «این بقیه الله التی لاتخلو من العتره الهادیه» را زمزمه کنند.

مراحل بلوغ اجتماعی:

رغبت اجتماعی -- شکایت اجتماعی -- استعانت اجتماعی

۱- نمل: ۶۲.

ص: ۵۴

نتیجه:

دانستیم که استغاثه، شرط بندگی و استمداد از خداوند است و اگر انسان در گرفتاریها و شرایط ناگوار روحی حتی توفیق استغاثه به درگاه خـدا را هم نیابـد، ضـعیفترین انسانهاست. اکنون که گاه فشار شدائد زمان بر قلب شـیعه سـنگینی می کند، باید اندیشه حیات طیبه حکومت حضرت مهدی عجل الله بر بستر جهلمان فائق آید و تلاش و تکاپو برای تغییر وضعیت موجود حاصل شود.

آری شکایت جمعی و همگانی ما به سمت باریتعالی، قدم دوم وصول به قله استغاثه است و قدم سوم، زیر پانهادن خودمحوریهاست تا دست نیاز همه بشـریت به حبّلالمتین و سبب اتصال بین آسمان و زمین چنگ بزنند و با استعانت از اللّه، بقیه الله را بخواهد و همین است سِرِّ ظهور(قُل مَا یَعْبَأُ بِکُمْ رَبِّی لَوْلَا دُعَاؤُکُمْ)...(۱)

۱- فرقان: ۷۷.

ص: ۵۵

ص: ۵۶

فصل چهارم: اهداف استغاثه

اهداف استغاثه

اشاره

بعد از تعریف و تبیین استغاثه لازم است بدانیم که استغاثه به چه منظور و هدفی انجام میگیرد. برای رسیدن به این مطلوب، به محضر آیات و روایات شریفه رفته، هدف از استغاثه را در پنج محور کلی سامان دادهایم.

رفع ظلم

استغاثه قوم بنیاسرائیل از ظلم فراعنه

گاهی افراد، مظلوم واقع میشوند و برای رفع ظلم، استغاثه میکنند مانند قوم بنیاسرائیل که از شدت ظلم فراعنه به درگاه خدا استغاثه نمودند تا خداوند پیامبرشان را برای نجاتشان بفرستد. امام صادق علیه السلام درباره این حادثه تاریخی چنین فرمودند: «هنگامی که گرفتاری بنیاسرائیل به درازا کشید و ظلم و ستم بر ایشان از هر سوی باریدن گرفت، چهل روز، صبحها به درگاه الهی روی آورده، ضجّه و گریه آغاز نموده و به دعا قیام کردند. پس از آن، دریای رحمت الهی با دعای بنیاسرائیل به خروش آمد و خداوند به حضرت

ص: ۵۷

موسی علیه السلام و هارون وحی فرستاد که با مدد غیبی، بنی‌اسرائیل را از شرّ فرعون نجات بخشند و ۱۷۰ سال از گرفتاری آن ها کاست. سپس امام صادق علیه السلام فرمودند: شما هم اگر مانند بنی‌اسرائیل به درگاه خدا دعا کنید، خداوند فرج ما را نزدیک خواهد فرمود اما اگر چنین نکنید، این سختی به نهایت مدّتش خواهد رسید.»(۱)

استغاثه امام حسین علیه السلام در روز عاشورا

نمونه تاریخی دیگر از استغاثه به منظور رفع ظلم، استغاثه امام حسین علیه السلام در روز عاشورا در گودال قتلگاه بود، آنجا که فریاد «هَل مِن ناصِر یَنصُرنی» سر داد تا دشمن را دفع نماید، اما کسی جواب نداد، دوباره استغاثه فرمود که کسی هست مرا از شرّ این دشمنان حفظ کند؟ «هَل مِن مُغیث یغیثنی» اما باز هم کسی پاسخ نداد. سپس گفت: اگر یاری نمیکنید و پناه نمیدهید، آیا کسی هست که حرم رسول را به او بسپارم تا آن ها را به مدینه برگرداند؟ «هَلْ مِنْ ذابٍّ یَذُبُّ عَنْ حَرَمِ رَسُولِ اللّه » باز هم کسی جواب نداد.

اما اگر همه تاریخ را کنکاش و بررسی کنیم و روایات ناظر به عصر غیبت را مطالعه و تحلیل نماییم،

۱- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج۵۲، ص۱۳۱.

ص: ۵۸

درخواهیم یافت که ظلم و ستم در هیچ دورانی به اندازه دوران غیبت نیست. دوران غیبت که ما اکنون در آن به سرمیبریم، دوران لبریز از ظلم و ستم و قحطی عدل است و چنین دورانی بسیار سخت و طاقتفرساست.

اگر اخبار روز جهان را دنبال نماییم، ندای مظلومان از شدت ظلم ایادی سلطه و استکبار جهانی در گوشه و کنار جهان به گوشمان میرسد. مهمترین و بهترین کاری که میتوانیم انجام دهیم، استغاثه برای نزدیک شدن ظهور امام مهدی عجل الله ، منجی جهان و جهانیان از تمام ظلم و ستمهاست؛ چنانکه در دعای ندبه، با اضطرار و ناله ایشان را صدا چنین میزنیم: کجاست آنکه برای برکندن ریشه ظالمان و ستمگران عالم مهیا گشته است؟ «أَیْنَ الْمُعَدُّ لِقَطْعِ دابِرِ الظَّلَمَه»، کجاست آنکه منتظریم پستی و کجیها را به راستی اصلاح کند؟ «أَیْنَ الْمُنْتَظَرُ لِإقامَهِ الْأَمْتِ وَالْعِوَجِ» کجاست آنکه امید داریم اساس ظلم و عدوان را از عالم براندازد؟ «أَیْنَ الْمُرْتَجی لِإزالَهِ الْجَورِ وَالْعُدْوان» کجاست درهم شکننده شوکت تجاوزگران؟ «أیْنَ قاصِمُ

ص: ۵۹

شَوْكَهِ الْمُعْتَدِين» کجاست آنکه متکبران سرکش عالم را هلاک و نابود میگرداند؟ «أَيْنَ مُبيدُ الْعُتاهِ وَ الْمَرَدَه» تا آنجا که ظهور حضرت را که مساوی برپاشدن عدل در تمام جهان و ریشه‌کن شدن تمام ظلم و ستمهاست، درخواست کرده و میگوییم: آیا خواهی دید که ما بر گرد تو حلقه زده و تو با سپاه خود، تمام زمین را پر از عدل و داد کرده باشی و به دشمنانت خواری و عذاب چشانده باشی و سرکشان و منکران حق را براندازی و ریشه متکبران عالم و ستمگران جهان را از بیخ برکنی و ریشههای ستمگران را برکنی و ما هم بگوییم: «أَتَرانا نَحُفُّ بِكَ وَ أَنْتَ تَأُمُّ الْمَلَأَ، وَ قَدْ مَلَأْتَ الْأَرْضَ عَدْلاًوَ أَذَقْتَ أَعْداءَكَ هَواناً وَ عِقاباً، وَ أَبَرْتَ الْعُتاهَ وَ جَحَدَهَ الْحَقِّ، وَ قَطَعْتَ دابِرَ الْمُتَكَبِّرينَ، وَاجْتَثَثْتَ أُصُولَ الظّالِمينَ، وَ نَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ لِله رَبِّ الْعالَمينَ...»

کابوسِ بدی دیده و بیخواب شده***از آتش ظلم و جور بیتاب شده***

از اشک نگاه مردمانش پیداست***این شهر دلش برای تو آب شده

(عالیه محرابی)

ص: ۶۰

رفع سختیها و مصائب

استغاثه حضرت ایوب علیه السلام

گاهی نیز استغاثه، برای رفع سختیها و مصائب انجام می گیرد. نمونه بارز این امر، آنجاست که حضرت ایوب علیه السلام به حسادت شیطان گرفتار میآید. شیطان گمان میکند که ایوب علیه السلام به سبب نعمات، خدا را سپاس میگوید و اگر این نعمات از او باز ستانده شود، دیگر خداوند را شکر نخواهد کرد، اما غافل از اینکه شکر ایوب علیه السلام نه به سبب نعمات بیپایان خدا بود، بلکه از آنجا بود که ایوب علیه السلام پروردگار را سزاوار شکر میدید. پروردگار عالمیان برای آنکه مقام ایوب علیه السلام را به تمام عالم نشان دهد و این ماجرا سندی برای همه رهروان راه حق باشد، به شیطان این اجازه را داد که در زندگی ایوب علیه السلام تصرف کند. ابلیس پس از این اجازه، به سراغ ایوب علیه السلام آمد و اموال و فرزندان او را یکی پس از دیگری نابود کرد، ولی این حوادث دردناک نه تنها از شکر ایوب علیه السلام نکاست بلکه شکر او افزون گردید.

ص: ۶۱

ابلیس از خدا خواست بر گوسفندان و زراعت ایوب علیه السلام مسلط شود، این اجازه به او داده شد. او همه زراعت ایوب علیه السلام را آتش زد و گوسفندان او را نابود کرد ولی ایوب علیه السلام نه تنها ناشکری نکرد، بلکه بر حمد و شکرش افزوده شد. سرانجام شیطان از خدا خواست که بر بدن ایوب علیه السلام مسلط شود و باعث بیماری شدید او گردد. خداوند به او اجازه داد و شیطان آن چنان ایوب علیه السلام را بیمار کرد که از شدت بیماری و جراحت، توان حرکت نداشت، بیآنکه کمترین خللی به عقل و درک او برسد. خلاصه، نعمتها یکی پس از دیگری از ایوب علیه السلام گرفته میشد ولی در مقابل، مقام شکر و سپاس او بالا میرفت. وقتی که شیطان ملعون از صبر و شکیبایی حضرت ایوب علیه السلام به تنگ آمد و در کار او درمانده شد، به سراغ چند تن از اصحاب و پیروان او -که در کوهها به صورت رهبانانی زندگی میکردند- آمده، به آن ها گفت: بیایید به نزد این بنده گرفتار و مبتلا برویم و از بلا و گرفتاری او سؤال کنیم. رهبانان سوار بر اسبهای خود شده و به نزد ایوب علیه السلام آمدند و گفتند: ای ایوب! بهتر است گناه خود را که سبب این بلای بیسابقه شده است، به ما خبر دهی؛ زیرا ما ترس آن را داریم

ص: ۶۲

که اگر از خداوند سؤال کنیم، هلاکمان سازد.

ایوب علیه السلام در پاسخ آنان فرمود: «به عزت پروردگارم سوگند، من هرگز غذایی نخوردم جز آنکه یتیمی و ناتوانی با من بود که از آن غذا میخورد و هیچگاه دو کاری که در هر دوی آن ها اطاعت پروردگارم بود، برای من پیش نیامد، جز اینکه آن را که انجامش سختتر بود، انتخاب کردم.»

در این هنگام، جوانی که همراه آنان بود، به آن ها گفت: چه زشت است کار شما که به نزد پیغمبر خدا آمده و او را سرزنش کردید تا جایی که ناچار شد آنچه را از عبادت پروردگار خود پنهان میداشت، آشکار سازد.

امام صادق علیه السلام در توصیف این واقعه میفرمایند: «خدای تعالی حضرت ایوب علیه السلام را بی آنکه گناهی داشته باشد، به بلا مبتلا نمود. آن حضرت بر بلا صبر و شکیبایی کرد تا آنکه به سبب آن رنج و محنتها او را سرزنش کردند، در این موقع بود که حضرت ایوب علیه السلام پروردگار خود را چنین خواند...(: أَنِّی مَسَّنِیَ الشَّیْطَانُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ)(۱) ؛ پروردگارا! شیطان مرا بسیار اذیت نموده و سخت به رنج و عذاب کشانده است. تو از کرم، نجاتم بخش. پس از خداوند طلب ترحم کرد که او را

۱- ص: ۴۱.

ص: ۶۳

نجات بخشد؛ زیرا برای پیغمبران، صبر در برابر سرزنش و زخم زبان و شماتت مردم، بسیار سخت و دشوار است.

ایوب علیه السلام هنگامی که در شدیدترین گرفتاری، استغاثه نمود و با خدا چنین سخن گفت(: وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ)(۱) ؛ پروردگارا! بدحالی و مشکلات به من رو آورده و تو مهربانترین مهربانان هستی. او نگفت: خدایا تو مرا بیمار کردی و به من رحم کن بلکه با کنایه و اشاره، مقصود را بیان کرد.

طبق روایت دیگر، ایوب علیه السلام همچنان صبر و مقاومت میکرد، حتی از خدا نمیخواست که گرفتاری او را رفع کند، بلکه همان را پسندیده بود که خداوند بر او پسندیده بود، تا این که روزی همسرش، رُحْمه، از بیرون آمد و غذایی برای ایوب آورد، ایوب علیه السلام از او پرسید: این غذا را از کجا تهیه کردی؟ او در پاسخ گفت: «مقداری از گیسوانم را فروختم و با پول آن، غذا تهیه کردم.» اینجا بود که دل ایوب علیه السلام سخت به درد آمد، چرا که پای ناموس در کار بود. عرض کرد: «خدایا! در برابر همه ناگواریها صبر کردم و این صبر را تو به من عطا فرمودی ولی اینک به من مرحمت کن.» ایوب علیه السلام این سخن را در حالی میگفت که از روی تواضع، خاک بر سر و صورت

۱- انبیاء: ۸۳.

ص: ۶۴

خود میریخت، اینجا بود که خداوند درهای رحمت را به رویش گشوده و درهای ناگواری را بر رویش بست(. فَاسْتَجَبْنَا لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِن ضُرٍّ)...(۱) ؛ ما دعای او را مستجاب کردیم و ناراحتیهایی را که داشت برطرف ساختیم...

استغاثه حضرت یونس علیه السلام

نمونه تاریخی دیگر از استغاثه به منظور رفع بلا و مصیبت، استغاثه حضرت یونس علیه السلام است. حضرت یونس علیه السلام به علت سالها تلاش و تبلیغ در میان قومش و ایمان آوردن تنها دو نفر، بر آن ها خشم گرفت و از میان آن ها بیرون رفت. از آنجا که حضرت یونس علیه السلام مأمور به این کار نبود ولی این کار را کرد و این کارش به منزله ترک اولی بود در حالیکه اولی این بود که بیش از این در میان آن ها بماند و صبر و استقامت به خرج دهد، شاید بیدار شوند و به سوی خدا آیند. سرانجام برای همین ترک اولی، خداوند او را در فشار و تنگنا قرار داد و نهنگ عظیمی او را بلعید. چنانکه قرآن میفرماید(: وَذَا النُّونِ إِذ ذَّهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَن لَّن نَّقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَىٰ فِي الظُّلُمَاتِ أَن لَّا إِلَهَ إِلَّا أَنتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنتُ مِنَ الظَّالِمِينَ)(۲) ؛ یادآور

۱- انبیاء: ۸۴.

۲- انبیاء: ۸۷.

ص: ۶۵

حـال یونس را هنگامی که از میان قوم خود خشـمگین بیرون رفت و چنین پنـداشت که ما هرگز او را در تنگنا قرار نخواهیم داد؛ اما وقتی به کـام نهنـگ فرو رفت، در آن تاریکیهـای دریـا و شـکم نهنگ فریـاد برآورد: خـدایا! جز تو معبودی نیست، تو از شـرک و شریک و هر عیب و آلودگی، پاک و منزهی و من از ستمکارانم.

و این چنین یونس علیه السـلام در شـکم ماهی به پروردگار خود اسـتغاثه نمود و خداونـد او را اجابت نمود؛ چراکه کار او به قدری سنگین و مشـکل بود که خداوند در اینباره فرمود(: فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ)(۱) اگر او از تسبیـح کنندگان نبود(،لَلَبِثَ فِی بَطْنِهِ إِلَیٰ یَوْمِ یُبْعَثُونَ)(۲) ؛ تا روز قیامت در شـکم ماهی زندانی بود. یعنی اگر حضـرت یونس علیه السلام برای رفع سختی و مصیبتی که بدان دچار شده بود، دعا و اسـتغاثه نمیکرد، تا آخر عمر از آن مصیبت نجات نمییافت ولی لطف خدا شامل حال او شد و دعایش به اجابت رسـید و از انـدوه نجات یافت؛ زیرا او مؤمن واقعی بود و خداوند مؤمنان راستین را از اندوه میرهاند(. فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَٰلِكَ نُنجِی الْمُؤْمِنِينَ)(۳)

۱- صافات: ۱۴۳

۲- صافات: ۱۴۴

۳- انبیاء: ۸۸.

ص: ۶۶

خداوند سبحان از روی لطف و کرم به خلاص و رهایی پیامبر خود بسنده نمیکند و اصل را تعمیم میدهد برای هرکسی که خداوند سبحان را از روی اخلاص دعا کند و با بیان صریح اعلام میکند...(: وَكَذَلِكَ نُنجِي الْمُؤْمِنِينَ)همچنین همه مؤمنان را نجات میدهیم، اگر ما را بخوانند و به ما پناه بیاورند همانگونه که یونس ما را خواند، او را اجابت کردیم تا گمان نرود که خداوند متعال تنها دعای پیامبرانش را اجابت می کند.(۱)

استغاثه در دوران غیبت

اگر دقت نماییم، خواهیم فهمید که هیچکدام از این سختیها و مصائب به اندازه سختیهای دوران غیبت نمیرسد. بنابر شهادت روایات و همچنین بنابر مشاهده اتفاقاتی که در عالم در حال رخ دادن است، بیش ترین سختیها و گرفتاریها در دوران غیبت واقع میشود. بار دیگر نگاهی به وضعیت جهان میاندازیم و برخی از این سختیها و گرفتاریها را از نظر میگذرانیم:

کشته شدن هزاران زن و کودک و مرد غیر نظامی و بیگناه پاکستانی و افغانستانی توسط آمریکا و ناتو و مزدورانشان در این کشورها از جمله القائده و طالبان.

۱- تاریخ انبیاء: عبرت های تاریخ از آدم تا خاتم، السودانی، موسی الشیخ جعفر، تاریخ انبیاء: عبرتهای تاریخ از آدم تا خاتم، ص۱۵۶.

ص: ۶۷

قاچاق اعضای بدن کودکان بی گناه افغانی و فلسطینی به بهانه کمک های انسانی و مبارزه با تروریست.

اشغال وحشیانه سوریه توسط گروه های تکفیری تروریستی که به واسطه آل سعود وهابی و حامیانش مانند آمریکا و اسرائیل ایجاد و تقویت می شوند و نابودی بسیاری از زیر ساخت های این کشور و کشته شدن هزاران زن و کودک بی گناه و به اسارت بردن زنان و فروختن آن ها در بازارها به عنوان کنیز.

حمله گروه های تکفیری در عراق و کشته شدن غیر نظامیان و شیعیان این کشور به طرز وحشیانه و تهدید کردن به تخریف حرم های ائمه گرامی، تجاوز و تعدی به نان و ناموس شیعه.

سرکوب و فشارهای زیاد آل خلیفه و آل سعود بر شیعیان بحرین.

حمله وحشیانه آل سعود به یمن و نابود کردن تمام زیر ساخت های عمرانی و غیر نظامی این کشور و نسل کشی شیعیان یمنی. محاصره این کشور، نقض چندین باره آتش بس و اجازه ندادن به ورود کمک های بشر دوستانه به این کشور، قحطی و کمبود غذا و دارو و آب.

جدا از جنایت های نیروهای تکفیری از جمله اعدام،

ص: ۶۸

سر بریدن، قطعه قطعه کردن بدن، دست بریدن، زنده به گور کردن، آتش زدن و دیگر جنایت های گوناگونی که نیروهای تروریستی علیه مردم مرتکب می شوند، رفتارها و اقتدامات غیر اخلاقی نروهای این گروهک های تروریستی نیز به نوبه خود پرونده ای متفاوت برای این گروهك های تکفیری به وجود آورده است.

پرونده اینگروهک های تروریستی در زمینه های جنسی و غیر اخلاقی بسیار است ازجمله جهان نکاح، جهاد لواط، جهاد با محارم، فروش زنان به عنوان برده و کنیز و ... این گروه های تکفیری با اینکه داعیه اسلام و ایمان دارند اما حتی قوانین اسلامی را هم رعایت نمی کنند، بلکه احکام دینی را به نفع خود تغییر می دهند.

سرکوب معترضان در آمریکا و اروپا

تبعیض نژادی و نژادپرستی در آمریکا و کشتن سیاهپوستان و رنگینپوستان بیگناه حتی توسط پلیس این کشور.

سیلها و طوفانهای پی در پی و زلزلههایی که هر روز گوشهای از این جهان را در بر میگیرد و افراد زیادی کشته میشوند و...

همین است که در ادعیه ناظر به امام مهدی عجل الله

ص: ۶۹

اقرار میکنیم که بلاـ و مصـائب ما در دوران غیبت، بزرگ و عظیم شـده و تنها ظهور و فرج حضـرت حجت عجل الله راه نجات ما از این سـختیهاست. « اللّهُمّ عَظُمَ الْبَلَاءُ وَ بَرِحَ الْخَفَاءُ وَ انْكَشَفَ الْغِطَاءُ وَ ضَاقَتِ الْأَرْضُ بِمَا وَسِعَتِ السَّمَاءُ وَ إِلَيْكَ يَا رَبّ الْمُشْتَكَى ...وَ عَجّلِ اللّهُمّ فَرَجَهُمْ بِقَائِمِهِمْ»(۱) سختیها و شدايد دوران غيبت، ما را بيچاره ميكند و غم و غصه را بر دل ما حاكم مينمايد و بيچارگى و غم و غصه مـا تنها با ظهور منجى عالم بشـريت، حجهَبنالحسنالعسـكرى عجل الله ، تمام شـده و از بين ميرود همانطور كه در دعاى عهـد بـا نـدبه و اسـتغاثه، ظهور ايشـان را كه پايانبخش بيچارگى و غم و غصـههاست، از خداونـد طلب مينماييم و ميگوييم: «وَارْحَمِ اسْتِكانَتَنا بَعْدَهُ، اللّهُمّ اكْشِفْ هذِهِ الْغُمّةَ عَنْ هذِهِ الْأُمّةِ بِحُضُورِهِ، وَ عَجّلْ لَنا ظُهُورَهُ...»

(۲)

هدایت

يكى از مـوارد اسـتغاثه براى هـدايت، در قرآن آنجـاست كه پـدر و مـادرى براى هـدايت فرزنـدشان كه به خـدا و روز معـاد ايمـان نداشت، به درگاه خدا استغاثه كردند تا فرزندشان هدايت شود و ايمان آورد.

۱- مفاتيح الجنان،نمازحضرت صاحبّ الزمان عجل الله تعالى فرجه الشريف

۲- مفاتيح الجنان، دعاى عهد.

ص: ۷۰

سوره مبارکه احقاف، وضع انسانی را ذکر میکند که به خدا و رسول و مسأله معاد کفر میورزد، دعوت پدر و مادرش را رد میکند و با آن ها بـدرفتاری کرده و میگویـد: «اف بر شـما! تا کی مرا میترسانیـد از اینکه دوباره زنده شوم؟ این همه مردم در گذشـته مردند، کـدامشان بازگشـتند؟» این سـخن او در حکمِ حجتی علیه معـاد است، غافـل از اینکه وعـده خـدای سـبحان این نیست که بعضـی از مردگان در دنیا زنده شوند بلکه زنده شدن مردگان به طور دسته جمعی، در آخرت است نه در دنیا.

وقتی پدر و مادرش این سـخنان را از او میشنوند، از روی اضطرار به درگاه خدا پناه میبرند و از او میخواهند که فرزندشان را هدایت کنـد و برای هـدایت فرزنـد، به او میگوینـد: «وای بر تو! به خدا و رسولش و وعده معاد ایمان بیاور و مطمئن باش که وعده معاد که خـدا توسـط پیامبرانش داده، به حق است و تخلف نمیپـذیرد.» اما او به آن ها میگویـد: «این وعـدهها و تهدیـدهایی که مرا با آن می ترسانید، چیزی جز خرافات مردم گذشته نیست.» (۱)

۱(- وَالَّذِی قَالَ لِوَالِدَیْهِ أُفٍّ لَّکُمَا أَتَعِدَانِنِی أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ الْقُرُونُ مِن قَبْلِی وَهُمَا یَسْتَغِیثَانِ الله وَیْلَکَ آمِنْ إِنَّ وَعْدَ الله حَقٌّ فَیَقُولُ مَا هَذَا إِلَّا أَسَاطِیرُ الْأَوَّلِینَ ()احقاف: ۱۷)

ص: ۷۱

داستان انار

یکی از نمونههای استغاثه به منظور هدایت در دوران غیبت، داستان انار است. در این واقعه، علمای شیعه برای اثبات حقانیت مکتب شیعه و اثبات خلافت بلافصل امام علی علیه السلام سه شب به امام زمان عجل الله استغاثه کردند تا بالاخره شب سوم، امام زمان عجل الله مکر و نیرنگ دشمنان اهلبیت علیهم السلام را آشکار کرد و همه به حقانیت مکتب شیعه پی بردند. اگر این استغاثه به امام مهدی عجل الله اتفاق نمیافتاد، عده کثیری از مردم در عقیده خود به مکتب شیعه متزلزل میشدند. (۱)

نمونه مذکور، نمونه کوچکی از استغاثه به منظور هدایت است. از آنجا که بیش ترین گمراهیها و جریانهای انحرافی و باطل در دوران غیبت سربرمیآورند، بیش ترین نیاز به هدایت در این زمان احساس میشود و تنها با ظهور امام مهدی عجل الله است که این گمراهیها و انحرافات ریشهکن میگردد. او کاملترین و جامعترین هدایت را میآورد و او یاریدهنده دین خدا و مفسّر احکام اوست؛ همانطور که در دعای شریف ندبه با اضطرار و ناله او را خوانده و میگوییم: «أیْنَ الْمُدَّخَرُ

۱- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج۵۲، ص۱۷۷.

ص: ۷۲

لِتَجْدیدِ الْفَرائِضِ وَالسُّنَنِ»؛ کجاست آنکه برای تجدید واجبات و مستحبّات ذخیره شده؟ «أَیْنَ الْمُتَخَیَّرُ لِإِعادَهِ الْمِلَّهِ وَالشَّریعَه»؛ کجاست آنکه برای برگرداندن آیین و شریعت مقدس اسلام اختیار شده؟ «أَیْنَ الْمُؤَمَّلُ لِإِحْیاءِ الْکِتابِ وَ حُدُودِه»؛ کجاست آنکه آرزومندیم کتاب آسمانی قرآن و حدود آن را احیا سازد؟ «أَیْنَ مُحْیِی مَعالِمِ الدّینِ وَ أَهْلِه»؛ کجاست آنکه نشانه های دین و اهل دین را زنده می گرداند؟ «أیْنَ حاصِدُ فُرُوعِ الْغَیِّ وَالشِّقاق»؛ کجاست آنکه شاخه های گمراهی و دشمنی و عناد را از زمین برمی کند؟ «أَیْنَ طامِسُ آثارِ الزَّیْغِ وَالْأَهْواء»؛ کجاست آنکه آثار اندیشه باطل و هواهای نفسانی را محو و نابود میسازد؟ «أَیْنَ قاطِعُ حَبائِلِ الْکِذْبِ وَالْإِفْتِرا»؛ کجاست آنکه ریسمانهای دروغ و افتراء را از ریشه قطع می کند؟ «أَیْنَ مُسْتَأْصِلُ أَهْلِ الْعِنادِ وَالتَّضْلیلِ وَالْإِلْحاد»؛ کجاست آنکه مردم معاند با حق و گمراهکننده خلق را ریشهکن می کند؟ «أَیْنَ جامِعُ الْکَلِمَهِ عَلَی التَّقْوی»؛ کجاست آنکه مردم را بر وحدت کلمه تقوی و دین گرد می آورد؟ «أَیْنَ صاحِبُ یَوْمِ الْفَتْحِ وَ ناشِرُ رایَهِ الْهُدی»؛ کجاست صاحبّ روز فتح و ناشر پرچم هدایت در جهان؟ «أَیْنَ مُؤَلِّفُ شَمْلِ الصَّلاحِ

ص: ۷۳

وَالرِّضا»؛ کجاست آنکه پریشانیهای خلق را جمع و دلها را خشنود میسازد؟ «أَیْنَ صَدْرُ الْخَلائِقِ ذُوالْبِرِّ وَالتَّقْوی»؛ کجاست بهترین مخلوقات که صاحبّ نیکی و پرهیزگاری است؟ همچنین در زیارت حضرت صاحبّ الامر عجل الله چنین به حضرت سلام میدهیم: «اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا خَلیفَهَ الله وَناصِرَ حَقِّهِ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّهَ الله وَدَلیلَ اِرادَتِهِ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا تالِیَ کِتابِ الله وَتَرْجُمانَهُ...»؛ سلام بر تو ای خلیفه الهی و یاریدهنده دین خدا، سلام بر تو ای حجت خدا بر خلق عالم و راهنمای بندگان به مقاصد الهی، سلام ما بر تو ای تلاوت کننده کتاب خدا و مفسّر و مبیّن حقایق آن.

و بنابر فرموده آیتالله بهجت(ره) ما در دریای زندگی در معرض غرق شدن هستیم، دستگیری ولیّ لازم است تا سالم به مقصد برسیم. باید به ولیّ عصر عجل الله استغاثه کنیم که مسیر را روشن سازد و ما را تا مقصد همراه خود ببرد.

برگرد و چراغ ماه را روشن کن***تکلیف شب سیاه را روشن کن

این جاده پراز همهمه تاریکی است***برخیز و چراغ راه را روشن کن

(عالیه محرابی)

ص: ۷۴

نصرت

قرآن، نصرت الهی را حقی میداند که خداوند بر خود لازم کرده است، آنجا که میفرماید...(: وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ)یعنی یاری مؤمنان بر ما لازم است. یا در جای دیگری می فرماید: «ما هود و مؤمنین را نجات دادیم...» (۱)

استغاثه حضرت نوح علیه السلام

یکی از موارد استغاثه برای نصرت الهی، استغاثه حضرت نوح علیه السلام است. حضرت نوح علیه السلام مبارزات زیادی با قوم بتپرست مینمود، آن ها را به خدا میخواند، نصیحت و موعظه میکرد و از عذاب خدا میترساند، اما هیچ یک از این ها در این قوم تأثیری نداشت. بالاخره صبر حضرت لبریز شد و در حق آنان نفرین نمود و به خداوند عرض کرد: «پروردگارا! این قوم، مستحق عذابند، دلهایشان سیاه شده و لیاقت دیدن جمال محبّوب و معبود حقیقی را ندارند. من تمام حجتهای خود را بر آن ها خواندم، اما کوچکترین اثری در دل سنگ آن ها نکرد. خدایا! به فریاد من برس که این قوم به من

۱- «و لما جاء أمرنا نجینا هودا و الذین آمنوا معه...» (هود ۵۸)

ص: ۷۵

سخت بدبین شده‌اند و اذیت میکنند. بر آن ها عذاب بفرست و احدی از آنان را روی زمین زنده نگذار.»(۱)

بعد از آنکه نوح علیه السلام سالهای پیاپی مردم را دعوت کرد، جز گروهی اندک کسی ایمان نیاورد. خداوند به او فرمود: «جز کسانی که ایمان آورده‌اند، کس دیگری از قوم تو ایمان نخواهد آورد.»(۲) نوح علیه السلام در نفرین خود که نشان از یأس او نیز دارد، میگوید: «از اینان جز کافر فاجر متولد نخواهد شد.»(۳) عذاب نازل شد و در این هنگام حضرت نوح علیه السلام در برابر قومش که منکر رسالت الهی او بودند، به درگاه خدا استغاثه و تقاضای کمک و پیروزی کرد(: ونوحًا اذ نادی مِن قَبلُ فَاستَجَبنا لَهُ فَنَجّینهُ واهلَهُ مِنَ الکَربِ العَظیم)(۴)

ازعبارت «الکَربِ العَظیم» این برداشت می شود که ندای نوح علیه السلام ندای عادی و عاری از استغاثه نبوده است(. فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّی مَغْلُوبٌ فَانتَصِرْ)(۵) او به درگاه پروردگار عرضه داشت: « من مغلوب این قوم طغیانگرشده ام، انتقام مرا از آن ها بگیر.»

۱- محمدی اشتهاردی، محمد، قصههای قرآن، ص۱۲.
۲(- وَأُوحِیَ إِلَیٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَن یُؤْمِنَ مِن قَوْمِکَ إِلَّا مَن قَدْ آمَنَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا کَانُوا یَفْعَلُونَ ()هود: ۳۶).
۳(- إِنَّکَ إِن تَذَرْهُمْ یُضِلُّوا عِبَادَکَ وَلَا یَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا کَفَّارًا ()نوح: ۲۷).
۴- انبیاء: ۷۶
۵- قمر: ۱۰.

ص: ۷۶

استغاثه های حضرت نوح علیه السلام سرانجام نتیجه بخشید و خداوند، وی را بر قومی که منکر رسالتش بودند، با غرق کردن آن ها پیروز کرد.

استغاثه مسلمانان در جنگ بدر

نمونه بارز استغاثه به منظور نصرت، استغاثه مسلمانان در جنگ بدر بود. قرآن کریم این حادثه بزرگ تاریخی را یاد کرده و میفرماید(: إِذْ تَسْتَغِیثُونَ رَبَّکُمْ فَاسْتَجَابَ لَکُمْ أَنِّی مُمِدُّکُم بِأَلْفٍ مِّنَ الْمَلآئِکَهِ مُرْدِفِینَ)(۱) به خاطر بیاورید هنگامی را که در روز بدر از شر دشمنان به خداوند پناه بردید و از او درخواست کردید که شما را یاری کند؛ زیرا تعداد شما کم و تعداد آن ها بسیار بود. آن روز چاره ای نداشتید جز اینکه به درگاه خداوند استغاثه کنید و از او بخواهید که شما را کمک و از شرّ دشمن خلاص کند. خدا نیز جواب طلب یاری آن ها را داد و در این جنگ نابرابر، سپاه اسلام پیروز شد.

در تفسیر مجمع البیان، ابن عباس در توضیح این آیه شریفه میگوید: در روز بدر هنگامی که مردم صف کشیدند، ابوجهل گفت: خدایا! هر کدام از ما را که به یاری و کمک و نصرت سزاوارتریم، یاری کن. مسلمانان استغاثه کردند. هنگامی که پیامبر صلی الله علیه و آله به کثرت

۱- انفال: ۹.

ص: ۷۷

جمعیت دشـمن نگریست، رو به قبله ایسـتاد و گفت: « اللَّهُمَّ أنْجِزْ لی ما وَعَدْتَنِی، اللَّهُمَّ آتِ ما وَعَدْتَنِی، اللَّهُمَّ إنْ تَهْلِکْ هَذِهِ العِصابَهُ مِنْ أهْلِ الإِسْلامِ لا تُعْبَدْ فِی الأرْضِ »؛ پروردگارا! وعده‌ای را که به من داده‌ای، تحقق بخش. خداوندا! اگر این گروه مؤمنان نابود شوند، پرستش تو از روی زمین برچیده خواهد شد. آنقدر پیامبر صلی الله علیه و آله به این دعا و استغاثه ادامه دادند و تکرار کردند که عبا از دوشـشان به زمین افتاد. در این وقت این آیه نازل شـد و پروردگار، جبرئیل را با هزار ملک فرسـتاد و او شـیطان را رانـد و مسلمانان را کمک کرد به طوری که کفار ضرب دست آن ها را احساس میکردند.

دوران غیبت که اکنون در آن به سر میبریم، دوران جنـگ و زورگویی حکومتهـای ظالم و سـلطهگر بر ملتهای مظلوم و مستضـعف است.

از آنجـا که حکومتهـای باطـل با تکیه بر قـدرت مالی و زورگویی، بر جهان مسـلط شدهانـد، هر روزه در گوشه و کنار جهان شاهد جنگ و درگیری هستیم.

تنها راه رهایی مستضعفین و مظلومین از چنگال حکومتهای جائر و ستمگر، ظهور حضرت مهدی عجل الله و برقراری حکومت واحد عدل جهانی است؛ پس بزرگترین و برترین کاری

ص: ۷۸

که می توانیم برای رهایی مظلومین از این جنگ ها و درگیری ها انجام دهیم، استغاثه برای ظهور هرچه زودتر حضرت بقیهالله عجل الله است؛ تنها با ظهور حضـرت است که دشمنان اسلام و انسانیت ذلیل و خوار شده و محبّین خدا و اهلبیت عصمت علیهم السلام به جایگاه واقعی خود میرسند، همانطور که در دعای ندبه، ایشان را چنین خطاب میکنیم: «أَيْنَ مُعِزُّ الْأَوْلِيَاءِ وَ مُذِلُّ الْأَعْدَاءِ».

لازم به تذکر است که نصرت الهی به شکل اتمّ و اکمل در زمان ظهور اتفاق میافتد. صحنه ظهور، صحنه کاملترین و جامعترین انزال کمکهـای الهی است، در حالی که در دوران سایر ائمه علیهم السـلام چنین نبوده است؛ مثلاً در زمان حضـرت علی علیه السـلام همه عوامل دست به دست هم داد تا حضرت خانهنشین شوند یا در واقعه عاشورا حوادث زیادی اتفاق افتاد تا کمکها و امدادهایی به امام حسین علیه السلام برسد از جمله حبّیب بن مظاهر که یک گروه ۴۰۰ نفره از قبیله خود را برای کمک به حضرت جمع کرد ولی در بیـن راه، سـپاه عمر سـعد به گروه حمله کرد و تعـدادی را به قتـل رسانـد و بقیه نیز از ترس فرار کردنـد، هم چنین مختـار در بین راه دستگیر شده و نتوانست به کمک امام بیاید، درحالی

ص: ۷۹

که اگر مختـار در جنگ حضور مییافت، مطمئناً تأثیر مثبت در سـرنوشت جنگ داشت یا قتل هانی بن عروه که خود میتوانست زمینه تصـرف کوفه باشد، ولی با حضور عبیداللهبن زیاد ورق برگشت، اما خداوند میخواست امام حسـین علیه السـلام را کشـته ببیند «شاء الله أن یراک قتیلًا» ولی در دوران ظهور، اراده خدا بر اینست که حضرت عجل الله پیروز شوند و حکومت الهی بر روی زمین به طور کامـل بـه دسـت حضـرت تشـکیل شـود. همـانطور کـه در قرآن کریم اشـاره شـده، آنجـا که میفرمایـد(: وَنُرِیدُ أن نَّمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّهً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِینَ)(۱) بنـابر همین اراده الهی، در زمـان ظهـور همه عوامـل به کمـک حضـرت مهـدی عجـل الله میآینـد. نصـرتهای الهی در زمـان ظهور بنـابر شـهادت روایات، به صورت ایجاد ترس و دلهره در دل دشـمنان یا به وسـیله مؤمنین یا به واسـطه امـدادهای غیبی از جمله حادثه خسف بیـداء میباشـد؛ چراکه اراده خداونـد سـبحان بر آن است که به هر صورت ممکن ولو با دخالت عوامل غیرطبیعی، از جان امام مهدی عجل الله محافظت نماید

.

۱- قصص: ۵.

ص: ۸۰

ظهور منجی

همه استغاثههای فوق به شکل اتمّ و اکمل در استغاثه برای ظهور منجی معنا پیدا میکند. با ظهور امام زمان عجل الله است که ریشه تمام ظلمها کنده میشود. ظهور امام زمان عجل الله مردم را از چنگ ستمگران میرهاند و سایه عدالت را بر همه میگستراند و فقر و بیداد و تبعیض رخت برمیبندد و حکومت واحد بر پایه قسط و عدل بر دنیا حاکم میشود. این همان گشایشی است که باید برای تحقق آن، دعا و استغاثه کرد. اگر ظهور امام عصر عجل الله که فرج نامیده میشود، پیش آید، برای مردم جهان به طور عام و برای پیروان اهلبیت علیهم السلام و شیعیان به طور خاص، گشایش و فرج پیش خواهد آمد و آن روزگار، بسیار خجسته و مبارک است. غمهای تاریخ عالم، از فرق شکافته علی علیه السلام تا پهلوی شکسته زهرا سلام الله علیها و داغ شهید کربلا و زخم اسارت زینب کبری سلام الله علیها جز با ظهور حجت خدا عجل الله مداوا نمیشود. بیش ترین نصرت در صحنه ظهور است. اجابت تمام و کمال استغاثه و طلب یاری امام حسین علیه السلام در حادثه عاشورا در زمان حضرت مهدی عجل الله واقع میشود اما اگر در استغاثه برای ظهور منجی، کوتاهی و اهمال ورزیم، ممکن است بلایای بیشتری بر جهان و جهانیان وارد آید.

ص: ۸۱

نتیجه

بار الها!

اگر بنیاسرائیل از شدت ظلم به ستوه آمدند و به درگاهت استغاثه نمودند، ما شیعیان عصر غیبت از شرّ دهها فرعون و از ظلم صدها ظالم، تنها از تو طلب یاری میکنیم.

اگر ایوب خالصانه ندای «رَبّ أَنِّی مَسَّنِیَ الضُّرُّ» بر لبانش جاری شد و ظلمات شکم ماهی، لبهای یونس را به(لَّا إِلَٰهَ إِلَّا أَنتَ سُبْحَانَکَ إِنِّی کُنتُ مِنَ الظَّالِمِینَ)مترنم ساخت، ما نیز از تاریکیهای این دنیای تنگتر از شکم ماهی، سر بر درگاهت میساییم که «رَبّ أَنِّی مَسَّنِیَ الضُّرُّ»

اگر قرآنِ با عظمتت از پدری دلسوز میگوید که نااهلی و کفر فرزندش، او را به استغاثه به محضرت کشاند، پدر مهربان ما شیعیان سالهاست برای هدایت ما تنها تورا می خواند... .

اگر نوح در دریای «کرب عظیم» تنها از تو طلب نصرت میکرد، ما نیز از فتنههایی که پسر را از پدر و پدر را از پسر جدا میکند، تنها از تو طلب یاری میکنیم.

ص: ۸۲

و خلاصه، بار الها! ریشه همه ظلمها تنها با دستان حیدری خاتم الاوصیا عجل الله خشکانده خواهد ش؛ پس ملالی نیست جز دوری روی ماه او...

ص: ۸۳

ص: ۸۴

فصل پنجم: برای چه کسی استغاثه کنیم؟

استغاثه برای چه کسی؟

به طور کلی استغاثه میتواند برای خود، دیگران و امام زمان عجل الله انجام گیرد. گاه ما برای خودمان استغاثه میکنیم؛ مانند حضرت ایوب علیه السلام و حضرت یونس علیه السلام که در دام سختیها و مصائب گرفتار شده بودند و برای رهایی از سختیها و مصائب خود به درگاه خدا استغاثه کردند. حضرت نوح علیه السلام نیز هنگام گرفتار شدن به طوفان و در برابر قومش که منکر رسالت الهی او بودند، به درگاه خدا استغاثه و برای خود، تقاضای کمک و پیروزی کردند و خداوند استغاثه ایشان را اجابت نمود.

همچنین هرگاه بندگان در زندگی شخصی دچار گرفتاری و بلای سخت میشوند و هیچ چاره‌ای برای رفع آن نمییابند، سرانجام بالفطره رو به درگاه ربالعالمین میآورند و برای رفع گرفتاری خود به پروردگار عظیم و قادر استغاثه میکنند؛ چراکه در این زمان، انسان درمییابد که تنها خدا و اولیای الهی که واسطه فیض بین خدا و بندگان هستند، میتوانند این دستهای افتاده و ناتوان را بگیرند و در پناه حمایت خویش ازبندگان، رفع گرفتاری نمایند.

ص: ۸۵

گاه برای دیگران از جمله اعضای خانواده، همسایه، قوم و در نهایت برای تمام امت استغاثه میکنیم. این استغاثه میتواند به منظور رفع ظلم از مظلوم، رفع سختی و مصیبت از فرد مصیبتزده، طلب هدایت برای فرد گمراه یا طلب نصرت و پیروزی برای رزمندگان اسلام انجام گیرد. نمونه خاص و بارز استغاثه برای دیگران در روایات شریفه، استغاثه به طالب خون حسین(ع)، امام زمان عجل الله است که برای خونخواهی حسین علیه السلام خواهد آمد. « أَیْنَ الطّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِکَرْبَلاءَ .»

همچنین نمود عینی استغاثه در زمان حاضر، استغاثه برای رفع ظلم و نجات و نصرت مسلمین و مظلومین از ظلم و سلطه ایادی استکبار جهانی است که این امر، جز با ظهور امام مهدی عجل الله به طور کامل تحقق نخواهد یافت.

مورد دیگر و مهمترین استغاثه، استغاثه برای امام زمان عجل الله است؛ چراکه ما در دورانی قرار داریم که بیش ترین ظلم در حق مظلومان صورت می گیرد، همچنین بیش ترین سختیها و مصائب بر اهل زمین در این عصر وارد میآید و نیز بیش ترین گمراهیها و جریانهای انحرافی در این زمان سربرمیآورد. از طرفی امام زمان عجل الله

ص: ۸۶

کسی است که واسطه فیض است، بلاها به واسطه او دفع میشود، محور هدایت است، همه ظلمها را از بین میبرد، محور زمین و آسمان است، عامل وحدت جهانی و همدلی در سطح جهان است، عدالت را در زمین پیاده میکند، تمام غمهای امت را از بین میبرد، شادی را برای اهل زمین و آسمان به ارمغان میآورد، اشرف و اتمّ کائنات است، سبب آرامش، امنیت و نجاتبخش است، طالب خون سیدالشهدا علیه السلام است؛ «أَیْنَ الطّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِکَرْبَلاء»، راه ورود به بارگاه قرب الهی است؛ «أَیْنَ بابُ الله الَّذی مِنْهُ یُؤْتی»، عزتبخش دوستان خدا و خوارکننده دشمنان حق است؛ «أَیْنَ مُعِزُّ الْأَوْلِیاءِ، وَ مُذِلُّ الْأَعْداء»، احیاکننده کتاب و حدود الهی است؛ «أَیْنَ الْمُؤَمَّلُ لِإِحْیاءِ الْکِتابِ وَ حُدُودِه» امام زمان عج الله مظهر اسماء الله (محل پذیرش اسماء الهی) ؛ «السَّلامُ عَلَیْکَ یا خَلیفَةَ اللهوَناصِرَ حَقِّه»، امام زمان عجل الله راه رسیدن به خدا « دلیل ارادته» امام زمان عجل الله راه رسیدن به کتاب خدا؛ «تالی کتاب الله و ترجمانه» امام زمان عجل الله بهترین شرایط ارتباط با خدا؛ «فی آناء لیلک و اطراف

ص: ۸۷

نهارک» امام زمان عجل الله حقیقت جان هر انسان؛«یا میثاقَ الله الَّذی اَخَذَهُ وَ وَکَّدَهُ»،امام زمان عج الله وعده حتی خداوند؛ «یا وَعْدَ الله الَّذی ضَمِنَهُ»،کامل ترین نماز، نماز امام زمان عجل الله است؛«اَلسَّلامُ عَلَیْکَ حینَ تَقوُمُ»امام زمان عجل الله آینه نمایش توحید؛ «السلام علیک حین تهلل و تکبر». امام زمان عجل الله نمایش کامل ترین حمد و استغفار؛ «حین تحمد و تستغفر»، امام زمان عجل الله حامل اسماء الهی «ایها الإمام المامون»؛ (امانت دار)

به همین دلیل است که میگوییم مهمترین استغاثه، استغاثه برای امام زمان عجل الله است؛ همه این بلاها، فجایع، مصائب و انحرافات به دلیل عدم حضور امام عجل الله در جامعه است. همین است که در دعای فرج، ملتمسانه از وضعیت جامعه نزد خداوند شکایت میکنیم و فرجش را میخواهیم: «اِلهی عَظُمَ الْبَلاءُ وَ بَرِحَ الْخَفآءُ وَ انْکَشَفَ الْغِطآءُ وَ انْقَطَعَ الرَّجآءُ وَ ضاقَتِ الْاَرْضُ وَ مُنِعَتِ السَّمآءُ...» و بدانیم که اگر شیعیان اصرار کنند و ملتمسانه از خداوند ظهور را طلب نمایند، حتماً خبری می شود ؛ چراکه به فرموده نبی رحمت صلی الله علیه و آله هر کس دری را بزند و اصرار بورزد، آن در باز می شود. همانطور که برای بنی اسرائیل این

ص: ۸۸

اتفـاق افتـاد.در زمـانی کـه خداونـد به جهـاتی بنی اسـرائیل را عـذاب فرمـود، به این ترتیب که به مـدت ۴۰۰ سـال پیامبری برایشان نفرستاد. ۲۳۰ سـال که گـذشت، مردم دریافتنـد که بیوجـود نـبی، از برکت خـبری نیست. گرد هم آمدنـد و شـروع به دعـای دسـته جمعی، آن هم دعای خالصانه و همراه با اشک و ناله کردند. خداوند مهربان فقط به خاطر همین دعاها و خواسـتنها از ۱۷۰سال باقی مانده گذشت. همان سال نبی موعودشان آمد و آن ها را از ظلم فرعونیان نجات داد. سـپس امام صادق علیه السـلام فرمودند: « شـما هم همینگونه اید. اگر دعا کردید و گریه را همراهش نمودید، فرج حاصل می شود و گرنه، نه.»

البته اگر مـا هم به این درک برسـیم که تمـام این بلاهـا و مصـائب به خـاطر غیبت امـام زمان عجل الله است و برکت تنها با وجود و ظهور امـام محقق میشود، رو به درگـاه الهی برده و ملتمسـانه ظهور حجت حق را از خداونـد قـادر متعـال طلب میکنیم و با این کار، مطمئناً فرج حاصل خواهد شد. همچنان که خود امام مهدی عجل الله نیز در توقیع شریف خود به شیخ مفید فرمودند: «اگر شیعیان ما که خداوند آن ها را به طاعت و بندگی خویش

ص: ۸۹

موفّق بدارد، در وفای به عهد و پیمان الهی اتفاق و اتخاذ میداشتند و آن را محترم میشمردند، سعادت دیدار ما برای ایشان به تأخیر نمیافتاد و هرچه زودتر به سعادت دیدار ما نایل می شدند، در صورتی که بر اساس معرفت واقعی و راستگویی و صداقت آنها به ما باشد .»(۱)

و مطمئن باشیم که دعا و استغاثه ما در امر فرج و ظهور حضرت اثر دارد؛ چراکه خود خداوند حکیم، انسانها را در زمان ظهور دخیل نموده است و یقیناً دعا و استغاثه ما، زمان ظهور را نزدیک میکند. هرچند این امکان نیز وجود دارد که خدای مهربان به برکت دعای خالصانه یکی از بندگان، اذن ظهور امام زمان عجل الله را صادر نماید.

نمونه عینی مؤثر بودن دعا و استغاثه برای امام عجل الله مربوط به زمان امام هادی علیه السلام است، آن هنگام که عبدالرحمان برای دادخواهی از والی اصفهان، به دربار متوکل آمده بود، نزدیک بارگاه متوکل عده زیادی را دید. از مردی، دلیل ازدحام را پرسید. مرد پاسخ داد: متوکل، علیّ بن محمد را به بارگاه خویش فراخوانده، بعید نیست که این بار قصد جانش را نموده باشد. عبدالرحمان گفت: علی بن محمد کیست؟ مرد پاسخ داد: او از سادات علوی است. رافضیها (شیعیان)

۱- طبرسی، الاحتجاج، ج۲، ص۴۹۸.

ص: ۹۰

امامش میخوانند. به گمانم این بار متوکل دستور قتلش را صادر نموده است. مردم راه را برای سربازان حکومتی که علی بن محمد را با خود میآوردند، باز کردند. ابهت امام هادی علیه السلام وجود عبدالرحمان را فراگرفت. تاکنون نه او را دیده بود و نه از او چیزی شنیده بود، اما نمیدانست چرا دلش از محبّت او لبریز گشته است. به یاد حرف آن مرد افتاد که گفته بود: این بار متوکل دستور قتلش را صادر نموده است. دلش خالی شد. در دل، برای رهایی امام هادی علیه السلام دعاکرد و از خدا خواست تا شرّ متوکل از سر امام کم شود. امام هادی علیه السلام همانطور که پیش میآمد، نگاهی به عبدالرحمان انداخت. به او که رسید، فرمود: خدا دعایت را مستجاب کرد. به واسطه دعای عبدالرحمان، جان امام در امان ماند و به دنبال این اتفاق، عبدالرحمان به امامت امام هادی علیه السلام که از آنچه در نهانش میگذشت، خبر داشت، اقرار نمود و شیعه شد.(۱)

۱- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۱۴۲-۱۴۱.

ص: ۹۱

ص: ۹۲

فصل ششم: به چه کسی استغاثه کنیم؟

به چه کسی استغاثه کنیم؟

در این فصل، به شرح این مطلب میپردازیم که برطبق قرآن و روایات به چه کسانی میتوان استغاثه کرد. به طور کلی استغاثه و درخواست کمک و یاری، گاه به صورت مستقیم و بدون واسطه از خداوند متعال انجام میگیرد؛ همانند حضرت ایوب علیه السلام و یونس علیه السلام که برای نجات از بلا و مصیبت خود به خدا استغاثه کردند و یا همانند مسلمانان جنگ بدر که برای طلب نصرت در جنگ، به خود خدا استغاثه نمودند.(۱) همچنین پدر و مادری که برای هدایت فرزند گمراه خود به درگاه خداوند استغاثه کردند.(۲) نیز از این سنخ است. نمونه بارز استغاثه به خداوند، استغاثه حضرت ابراهیم علیه السلام است. ابراهیم علیه السلام از جمله پیامبران موحدی است که در لحظه ابتلا و آزمایش فقط و فقط به درگاه خداوند، استغاثه و طلب یاری کرد. آن هنگام که ابراهیم را در آتش میافکندند، موجودات ملکوتی نگران ایشان بودند. فرشتگان آسمانها گروه

۱(- إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّی مُمِدُّكُم بِأَلْفٍ مِّنَ الْمَلَائِكَهِ مُرْدِفِينَ ()انفال: ۹)

۲(- وَالَّذِی قَالَ لِوَالِدَيْهِ أُفٍّ لَّكُمَا أَتَعِدَانِنِی أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ الْقُرُونُ مِن قَبْلِی وَهُمَا يَسْتَغِيثَانِ الله وَيْلَكَ آمِنْ إِنَّ وَعْدَ الله حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هَٰذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ()احقاف: ۱۷)

ص: ۹۳

گروه به آسمان اوّل آمدند و از درگاه خدا درخواست نجات ابراهیم علیه السلام را نمودند. جبرئیل به خدا عرض کرد: «خدایا! خلیل تو، ابراهیم، بنده توست و در سراسر زمین کسی جز او تو را نمیپرستد، دشمن بر او چیره شده و میخواهد او را با آتش بسوزاند.» خداوند به جبرئیل خطاب کرد: «ساکت باش! آن بندهای نگران است که مانند تو ترس از دست رفتن فرصت را داشته باشد، ابراهیم علیه السلام بنده من است، اگر خواسته باشم، او را حفظ می کنم و اگر دعا کند، دعایش را مستجاب می نمایم.»

ابراهیم علیه السلام در میان منجنیق لحظهای قبل از پرتاب، خدا را چنین خواند: « یا اَللّهُ یا واحِدُ یا اَحَدُ یا صَمَدُ یا مَنْ لَمْ یلِدْ وَ لَمْ یولَدْ وَ لَمْ یکُنْ لَهُ کُفُواً اَحَدٌ نَجِّنِی مِنَ النّارِ بِرَحْمَتِکَ » ؛ ای خدای یکتا و بیهمتا! ای خدای بی نیاز که هرگز نزاده و زاده نشد و هرگز شبیه و نظیر ندارد، مرا به لطف و رحمتت از این آتش نجات بده. همچنین مطابق برخی از روایات، امام صادق علیه السلام فرمودند: ابراهیم علیه السلام در مناجات خود، انوار پنج تن آل عبا را واسطه قرار داد و گفت: «اللهم إنّی أسألک بحقّ مُحمّدٍ و عَلیٍ و فاطمهٍ و الحسنِ و الحسینِ...» خدایا!

ص: ۹۴

از درگاهت مسألت می نمایم به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین مرا حفظ کن!(۱)

جبرئیل در نزد ابراهیم علیه السلام آمد و گفت: «آیا به من نیاز داری؟» ابراهیم علیه السلام گفت: «به تو نیازی ندارم ولی به پروردگار جهان نیاز دارم.»(۲) جبرئیل، انگشتری را در انگشت دست ابراهیم علیه السلام نمود که در آن، چنین نوشته شده بود: «معبودی جز خدای یکتا نیست، محمد رسول خداست، به خدا پناهنده شدم و به او اعتماد کردم و کارم را به او سپردم.» در همین لحظه، فرمان الهی خطاب به آتش صادر شد: «قلنا یَا نَارُ كُونِی بَرْدًا...» ای آتش! برای ابراهیم علیه السلام سرد و سالم باش.» آتش آنچنان خنک شد که دندانهای ابراهیم علیه السلام از سرما به لرزه درآمد. سپس خطاب بعدی خداوند آمد...(: وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِيمَ)(۳) بر ابراهیم سالم و گوارا باش. آن همه آتش به گلستان سبز و خرم مبدل گشت.

گاهی نیز انسان به غیر خدا استغاثه میکند. در این نوع استغاثه و کمکخواهی چه استغاثه به انسان باشد چه عامل طبیعی، اگر با این عقیده همراه باشد که آن عامل در کمکرسانی و فعل خود از قدرت و نیروی

۱- حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، ج ۱، ص ۶۸.

۲- شیخ صدوق، علل الشرائع، ص ۲۴-۲۳.

۳- انبیاء: ۶۹.

ص: ۹۵

الهی بهره گرفته، باوری عین توحید است؛ زیرا جهان آفرینش، جهان اسباب و مسببات است و فیض الهی از یک سلسله اسباب به انسان میرسد و این اسباب در کار خود، استقلال ندارند بلکه به امر الهی، افعالی انجام میدهند؛ پس بدیهی است که استغاثه به پیامبر، اولیای الهی و ائمه علیهم السلام که واسطه بین بندگان و پروردگار هستند، در واقع استغاثه به ذات مقدس خداوند یگانه و توانا است و هیچگونه تضادی با توحید و یکتاپرستی ندارد. همانطور که خداوند در قرآن کریم میفرمایند: «ای کسانی که ایمان آوردهاید! پرهیزگاری پیشه کنید و وسیلهای برای تقرّب به خدا انتخاب نمایید و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید.»(۱)

وسیله در آیه فوق، معنای گستردهای دارد و هرکس و هرچیزی را که باعث نزدیک شدن به پروردگار میشود، دربر میگیرد، که مهمترین آن ها، پیامبران و امامان و بندگان صالح خدا میباشند.

از امام رضا علیه السلام نیز نقل شده است که هرگاه سختی و گرفتاری به شما روی آورد، به وسیله ما از خدای عزّ و جلّ کمک بخواهید و این است معنی کلام خداوند متعال

۱(- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا الله وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَهَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ( )مائده: ۳۵).

ص: ۹۶

در قرآن کریم که میفرمایـد(: وَلِله الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَی فَادْعُوهُ بِهَا)...(۱) و نیز خداونـد در یک حدیث قدسـی به حضـرت عیسـی علیه السـلام فرمود: «عیسـی! بعـد از گنـاه به سوی من بـازگرد و بخشـندگی مرا به توبه کننـدگان یادآور شو و به من ایمان بیاور و همراه مؤمنین باش و به آنان دستور بده تا همراه تو مرا بخوانند.»(۲) در این حدیث قدسی نیز خداوند به پیامبر و فرستاده خود تأکید میکند که مؤمنان باید در دعا و استغاثه خود، فرستاده خداوند را واسطه قرار دهند و این کار، دعا را به اجابت نزدیکتر مینماید.

نمونههای بسیاری از این نوع وسیله قرار دادن در استغاثه، در تاریخ موجود است که به عنوان نمونه به چند مورد اشاره می نماییم:

یکی از موارد اسـتغاثه در زمـان حضور انبیاء، داسـتان اسـتغاثه یکی از افراد بنیاسـرائیل به موسـی علیه السـلام است، هنگامی که مرد بنیاسـرائیلی چشـمش به موسـی علیه السلام افتاد، از موسی علیه السلام -که جوانی نیرومند و قویپنجه بود- در برابر دشمنش تقاضای کمک کرد. «فَاسْتَغاثَهُ الَّذِی مِنْ شِیعَتِهِ عَلَی الَّذِی مِنْ عَدُوِّهِ» گرچه موسی علیه السلام

۱- شیخ مفید، الاختصاص، ص۵۲.

۲- کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، ج ۸، ص۱۳۴.

ص: ۹۷

بزرگ شده کاخ فرعون بود ولی مردم مستضعف به خاطر تفکّر و منش، او را حامی و رهبر خود می دانستند.

یک نمونه بارز استغاثه به امام زمان عجل الله در دوران غیبت، داستان معروف انار است که شرح آن، چنین می باشد: در قرن هفتم هجری، امیری کینهتوز و مخالف سرسخت شیعه بر بحرین حکومت میکرد که از دشمنان اهلبیت علیهم السلام بود و وزیری پلیدتر و کینهتوزتر از خود داشت. روزی وزیر، اناری منقّش به عبارت «لا اله الّا الله محمد رسول الله صلی الله علیه و اله و سلم، ابوبکر و عمر و عثمان و علی، خلفاء رسول الله» نزد امیر آورد. آنها میخواستند با این نشانه، بیاساس بودن مذهب شیعه را اثبات کنند.

آن ها با دعوت علمای شیعه به مجلس خود، از آن ها خواستند یا بطلان ادعای وزیر را اثبات کنند یا به حکومت جزیه بپردازند یا حکومت، آن ها را اعدام نموده و اموالشان را به غنیمت میبرد. آن ها سه شب مهلت خواستند و سه نفر از بین ده نفر از پارسایان شیعه را انتخاب نمودند و مقرر شد که هر کدام یکی از شبهای سهگانه را که مهلت گرفتهاند، به بیابان روی آورد و در تاریکی شب، نیایشگرانه خدای خویش را فراخوانده و حضرت مهدی عجل الله را برای نجات از آن مشکل بزرگ، به فریادرسی بطلبند.

ص: ۹۸

شب نخست، یکی از آنان با قلبی لبریز از ایمان و محبّت، به صحرا رفته و به عبادت و نیایش خداوند پرداخت و فریادرس طلبید، اما نه به دیدار حضرت مهدی عجل الله مفتخر گردید و نه برای حل مشکل راهی یافت.

شب دوم نیز مانند شب اول، دیگری رفت و با دست خالی برگشت.

شب سوم و آخرین شب از راه رسید و سومین نفر، محمد بن عیسی که پرواپیشهترین و اندیشمندترین آنان بود، با سر و پای برهنه و چشمانی اشکبار، به بیابان رفته و به دعا و استغاثه و توسل به امام عصر عجل الله پرداخت و او را به فریادرسی خواند. در اوج مناجات و استغاثه متوجه شد که کسی نام او را میبرد و به گرفتاری پیش آمده اشاره میکند، او به اطمینان و اعتقاد راسخ به ایشان میگوید که شما امام مایید و میتوانید این بلاـ را از ما دور کنید. امام عجل الله حقیقت داستان انار را به طور کامل بیان کرده و میفرمایند: محمدبن عیسی! این وزیر کینهتوز که لعنت خدا بر او باد! در خانهاش درخت اناری دارد. او پس از شکوفه زدن درخت، هنگامی که انارهایش شروع به رشد نمود، قالب مخصوصی از گل،

ص: ۹۹

به صورت انـار ساخت و آن را به دو نیم کرد و میان آن را تهی ساخت و در درون هر یک از دو نیم قالب گلی، واژههای مورد نظر خویش را تراشید و آنگاه آن قالب را به صورت محکم و حساب شدهای بر انار کوچک رو به رشد بست. هنگامی که انار کوچک بزرگ شد، به تدریج پوست ظریف آن در درون آن کلمات جای گرفت و واژههای مورد نظر بر پوست انار نگاشته شد.

امام عجل الله به او تذکر میدهند که به همراه امیر به خانه وزیر بروید و به محض ورود به خانه، به سمت راست خود بنگر، اطاقی در آنجـاست که درهـایش بسـته است، بگـو: در درون این اطـاق، پاسـخ خویش را به عرض میرسـانم. وزیر از گشودن درب آن اطـاق سرباز میزنـد، اما تو بایـد اصـرار کنی که آنجا گشوده شود و بکوشـی همراه وزیر وارد اطاق گردی. هنگامیکه وارد اطاق شـدی، بر دیوار آن، کمـد کوچکی نصب شده است و در درون آن، کیسـهای مخصوص قرار دارد. به سوی کیسه برو و آن را بگشا که قالب مخصوص را در درون آن خواهی یافت، قالب را بیاور و انار را در درون آن بگذار، حقیقت روشن خواهد شد.

حضرت مهدی عجل الله ادامه دادند که محمدبن عیسی! پس از آن، با قوت و اعتماد به نفس به امیر بگو که

ص: ۱۰۰

دلیل دیگر بر درستی و حقانیت راه ما و معجزه دیگر امام عصر عجل الله این است که ما از درون انار خبر میدهیم و آن این است که اگر شکسته شود، جز دود و خاکستر در آن نیست. اینک اگر میخواهید درستی این خبر را بدانید، به وزیر دستور دهید که آن را بشکند. اگر چنین کند، دود و خاکستر درون آن، بر چهره و ریش او خواهد نشست. فردای آن روز، محمدبن عیسی با جدیت تمام، آنطور که امام عصر عجل الله دستورداده بودند، عمل کرد و واقعیت برای همه روشن شد. امیر، شیعه شد و وزیر را اعدام کردند.

نکته مهم این واقعه این است که وقتی محمد بن عیسی از حضرت مهدی عجل الله سؤال کرد که چرا شب اوّل و دوم عنایت نفرمودید؟ امام پاسخ دادند: «اگر یک شب مهلت میخواستید، همان شب به مقصود میرسیدید.» از این فرمایش حضرت عجل الله برمیآید که اگر معرفت شیعیان به حدی برسد که همین امشب فرج را بخواهند، ظهور و فرج ایشان واقع خواهد شد.

این یک نمونه از اجابت استغاثه به امام زمان عجل الله در دوران غیبت بود. با این شواهد، این مسأله برای ما روشن میشود که در این دوران سخت و طاقتفرسای

ص: ۱۰۱

غیبت، تنهـا بـا اسـتغاثه به امـام مهـدی عجـل الله میتوان از رنجها و غمها رهایی یافت؛ چراکه آن حضـرت عجل الله کهف و پناهگاه است، غوث و فریادرس است، گشایشـگر رنجهاست، از بین برنـده و زداینده غمها و برطرف کننده بلاهاست. اکنون هیچ پناهگاهی محکمتر از او و هیچ فریادرسی دلسوزتر و مهربانتر از او و هیچ گشایشگری تواناتر از او نیست.

در پایان باید اشاره کرد که استغاثه و کمکخواهی از غیر خدا اگر با این اعتقاد همراه باشد که او در فعل و کمکرسانی خود، از خدا بینیاز بوده و با استقلال، انسان را یاری میکند، این نوع استغاثه قطعاً شرك است، هرچند استغاثه به اولیای الهی باشد.

ص: ۱۰۲

نتیجه:

...(اتَّقُوا الله وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ)...(۱) پس با چشمانی اشکبار، سر و پایی برهنه، قلب و دلی مضطرّ و بیچاره که میداند مشکل کارش جز به دستان یوسف زهرا عجل الله حل نمیشود، همه با هم با واسطه قرار دادن امام زمان عجل الله به درگاه خدا استغاثه کرده و فرج هرچه زودتر ایشان را از خداوند طلب می نماییم؛ پس بدانیم که اگر جز به دامان ولی الله الاعظم عجل الله چنگ زنیم، به بیراهه رفتهایم و تلاشهایمان بر باد است.

۱- مائده: ۳۵.

ص: ۱۰۳

ص: ۱۰۴

فصل هفتم: شرایط اجابت استغاثه

شرایط اجابت استغاثه

امام زمان عجل الله از ما خواسته‌اند که برای ظهورشان دعا کنیم، پس ما نیز موظفیم امر ایشان را اطاعت نماییم و دعا برای فرج را در رأس خواسته های خود قراردهیم. اگر چنین کنیم و همچون مصیبت زده ای که بار سنگین دوری از امام و پدرش را به دوش میکشد، با عجز و اضطرار به درگاه الهی دعا کنیم و ناله و ندبه سر دهیم، بدون شک خداوند دعای ما را اجابت خواهد کرد و موانع ظهور به طور چشمگیر و با سرعت برداشته خواهد شد.

امام صادق علیه السلام درباره تأثیر دعای حقیقی در فرج امام زمان عجل الله چنین میفرمایند: «خداوند به حضرت ابراهیم علیه السلام وحی فرستاد که ساره به زودی فرزندی می‌آورد و اولادش، بنیاسرائیل، چهارصد سال گرفتار خواهند شد. وقتی گرفتاری بنیاسرائیل به طول انجامید، چهل صبح رو به درگاه الهی آورده، به گریه و زاری پرداختند. خداوند به موسی و هارون وحی فرستاد که آن ها را از شرّ فرعون نجات دهند و صد و هفتاد سال از چهار صد سال از گرفتاری آنها برداشت.

ص: ۱۰۵

سپس امام صادق علیه السلام فرمودند: همچنین شما هم اگر مثل بنیاسرائیل به درگاه خداوند به گریه و زاری بپردازید، خداوند فرج ما را نزدیک خواهد کرد اما اگر چنین نباشید، این سختی تا پایان مدتش ادامه خواهد یافت.»

دعا برای حضرت عجل الله باید به تناسب شرایط ایشان و شیعیانشان باشد. در این عصر که هم حضرت و هم شیعیانش در سختی و اضطرار قرار دارند؛ لذا دعای ما نیز باید مانند دعای شخص مضطرّ باشد نه دعای عادی و رسمی و نه دعایی که فقط لقلقه زبان باشد. دعای ما برای حضرت باید همانند دعای کسی باشد که عزیزترین کسانش گم شده یا گروگان گرفته شده‌اند و خطر مرگ، آن ها را تهدید میکند. تا مثل بنیاسرائیل با حال اضطرار و از صمیم قلب دعا نکنیم، از دعای راستین دوریم و اجابتی هم در کار نخواهد بود. پس بیاییم همه باهم از صمیم قلب و با توجه به حجم عظیم مصائب خودمان و مردم جهان دعا کنیم. بدانیم علت اینکه امام زمان عجل الله تا به حال ظهور نکرده‌اند، کوتاهی ماست؛ چون به طور جدی برای فرج، استغاثه نکرده‌ایم. نباید بگذاریم زمان بگذرد؛ هرچه ما در استغاثه برای ظهور حضرت کوتاهی و سستی کنیم، وضعیت جهان و مردم لحظه به لحظه

ص: ۱۰۶

سختتر و دشوارتر میشود و ظهور تا آخرین لحظه حیات دنیا به تأخیر میافتـد. نگذاریم سرنوشـتمان مانند امتهایی شود که نبی خود را تکذیب کردند و عذاب الهی بر آن ها نازل شد و آنگاه توبه کردند، اما دیگر توبه و استغاثه سودی برایشان نداشت. «کم أهلکنا من قبلهم من قرن فنادوا ولات حین مناص»(۱)

یا مانند اسـتغاثه دوزخیانی که خروج از جهنّم را با ناله از پروردگار خویش درخواست می کنند اما درخواسـتشان اجابت نمیشود «و الذین کفروا لهم نار جهنم لا یقضی علیهم فیموتوا و لا یخفف عنهم من عذابها کذلک نجزی کل کفور»،«و هم یصطرخون فیها ربنا أخرجنا نعمل صالحا غیر الـذی کنا نعمل أولم نعمر کم ما یتـذکر فیه من تـذکر و جاءکم النذیر فذوقوا فما للظالمین من نصـیر»(۲) و هیـچ یاری و نصـرتی با این اسـتغاثه برایشان حاصل نمی گردد. «حتی إاذا أخـذنا مترفیهم بالعـذاب إذا هم یجارون»، «لا تجأروا الیوم أنکم منا لا تنصرون»(۳)

نشود هنگامه ظهور و دیدار حضرت، ایشان ما را چنین خطاب کرده و از خود برانند...(: اخْسَئُوا فِیهَا وَلَا تُکَلِّمُونِ)(۴)

۱- (ص: ۳).

۲- (فاطر: ۳۷-۳۶).

۳- (مؤمنون: ۶۵-۶۴).

۴- مؤمنون: ۱۰۸.

ص: ۱۰۷

یا مانند فرعون زمانی که بلا بر او نازل شد، به درگاه خدا استغاثه کرد ولی دیگر فایده نداشت؛ چراکه قبل از آن هرچه حضرت موسی و هارون او را دعوت به خدا کردند، اعتنا نکرد و زمانی که پروردگار بلای خود را نازل کرد، فرعون متوجه اشتباهش شد که دیگر دیر بود.

حال که اهمیت و ضرورت استغاثه برای فرج را درک کردیم، باید شرایطی را فراهم کنیم تا استغاثهمان بهترین ثمره را دربرداشته باشد؛ از جمله مهمترین شرایط استغاثه عبارت است از:

رسیدن به مقام اضطرار

رسیدن به مقام اضطرار بسیار مهم و تعیین کننده است، البته نه اضطرار ظاهری بلکه رسیدن به این نقطه از درک که هیچکس و هیچچیز جز خداوند متعال توانایی حل مشکل را ندارد و تنها خداست که میتواند در این شرایط به من کمک کند. هماهنگی خواسته با دل انسان یعنی واقعاً در هنگام استغاثه، مضطرّ و مستأصل بوده و هیچ امیدی به راههای عادی و اسباب معمولی نداشته باشد. معرفت و اعتقاد به اینکه فریادرسی جز خدای متعال نمیتواند برایم مؤثر باشد، اضطرار فکری و اعتقادی است، در این هنگام این آیه

ص: ۱۰۸

از قرآن شامـل حال انسان میشود که فرمود: «چه کسـی (جز خـدا) دعای شـخص مضـطرّ را اجابت میکنـد و گرفتاری را برطرف می سازد.»(۱)

امام صادق علیه السـلام نیز در جواب شخصـی که در مورد شـناخت خداونـد سؤال کرده بود، فرمودنـد: «آیا شـده است که در دریا سوار کشتی باشـی و کشتیـات گرفتـار طوفـان شود و بخواهی غرق شوی؟» گفت: بله. امـام فرمود: « در آن لحظه آخر آیـا به ذهنت خطور نکرد که قدرتی مافوق قدرتهاست و میتواند تو را نجات دهد. » گفت: آری. امام فرمود: « همان قدرت برتر، خداست.» (۲)

مصـداق بـارز اضـطرار حقیقی، شخصـی است که در حال غرق شـدن در دریاست و در آن زمانِ آخر به این نتیجه میرسـد که دیگر هیچکس نمیتوانـد به فریـاد او برسـد مگر قـدرت بینظیری که آن هم خداونـد متعـال است. در آن زمـان اگر خـدا را بخوانـد و از او کمک بخواهد، خدای بزرگ هم دعایش را مستجاب میکند و نجاتش میدهد.

(۳)

۱- نمل:۶۲.

۲- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۳، ص ۴۱.

۳- عطائی کوزانی، عنایت، دعا گنجینه عبادت، ص۱۰۹.

ص: ۱۰۹

ایمان و اعتقاد راسخ به خدای متعال و قدرت بینهایت او در برآوردن خواستههای ما

مؤمن بایـد یقین کند که اگر حاجتی داشت و آن را از خداوند طلب نمود و دعا کرد، خداوند آن را اجابت میکند و در این صورت حـاجتش برآورده میشود. پیـامبر گرامی اسـلام صـلی الله علیه و آله فرمودنـد: «خـدا را بخوانیـد درحالی که یقین به اجابت داریـد و بدانید که خداوند دعای قلب غافل و بیتوجه را مستجاب نمیکند.»(۱)

اطمینان قلبی به اجابت دعا آن قـدر مهم است که بنـده باید در هنگام دعا مطمئن به رفع حاجتش باشد و یقین کند که خداوند به او توجه کرده و به محض درخواست او، حاجتش را داده است.(۲)

در بسـیاری از آیاتی که در آن ها از اسـتغاثه سـخن به میان آمده، به اجابت آن از سوی خداوند نیز تصریح شده است؛ از جمله آیه ۶۲ نمل که میفرماید:

(أَمَّن یُجِیبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَیَکْشِفُ السُّوءَ)...و نیز آیه...(وَ کَذَلِکَ نُنجی الْمُؤْمِنِینَ)(۳) متضمّن این وعده

۱- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۲۱.

۲- عطائی کوزانی، عنایت، دعا گنجینه عبادت، ص ۱۴۸.

۳- انبیاء: ۸۸.

ص: ۱۱۰

است که خداوند، استغاثه افراد مضطرّ و درمانده را اجابت می کند و مؤمنان را از غم و اندوه می رهاند.

پس مطمئن باشیم کسانی که با ایمان و اعتماد به خداوند، به او استغاثه کرده و از او طلب یاری مینمایند، حتماً اجابت خواهند شد؛ همانند استغاثه حضرت یوسف(ع)، هنگامی که برادران، او را در میان چاه آویزان کردند، او لبخندی زد. یکی از برادران به نام یهودا گفت: اینجا چه جای خنده است؟ یوسف علیه السلام گفت: روزی در این فکر بودم که چگونه کسی میتواند با من اظهار دشمنی کند، چراکه دارای برادرانی نیرومند هستم ولی اکنون میبینم خود شما بر من مسلط شدهاید و میخواهید مرا به چاه افکنید، این درسی از جانب خداوند است که نباید هیچ بندهای به غیر خدا تکیه کند. بنابراین خنده من خنده شادی نبود بلکه خنده عبرت بود؛ از این حادثه عبرت گرفتم که باید تنها بر خدا توکل کنم.

از این رو وقتی که یوسف علیه السلام در درون چاه قرار گرفت، از همه چیز دل برید و تنها به خدا دل بست و چنین میگفت: «یا صَریخَ المُستصرِخین یا غوثَ المُستَغیثین! یا مُفرِّجَ عن کربِ المَکروبین! قد تری مکانی و تعرفُ

ص: ۱۱۱

حالی ولاـ یخفی علیک شـیءٌ مِن اَمری، بِرحمتک یـاربّی»؛ ای دادرس دادخواهـان! ای پنـاهِ پناهآوردنـدگان! ای برطرف کننـده ناراحتیهـا! تو میـدانی که در چه مکـانی هسـتم، به حـال من اطلاع داری، بر تو چیزی پوشـیده نیست. ای پروردگار من! مرا مشـمول رحمت خود قرار ده.

یوسف علیه السـلام با آن سن کم، تنها و درماندهـدر قعر چاه، به خـدا توکل کرد. خداوند نیز به او لطف نمود و فرشـتگانی را برای محافظت و تسلّی خاطر او نزدش فرستاد.(۱)

از امام صادق علیه السـلام نقل شـده هنگامی که برادران یوسف، او را در میان چاه افکندنـد، جبرئیل نزد یوسف علیه السـلام آمد و گفت: ای نوجوان! اینجـا چه میکنی؟ یوسف علیه السـلام گفت: برادرانم مرا در میـان چاه افکندنـد. جبرئیل پرسـید: آیا میخواهی از این چاه نجات یابی؟ یوسف علیه السلام گفت: با خداست. اگر خواست، مرا نجات میدهد.

جبرئیـل میگویـد: خداونـد فرموده: مرا بـا این دعـا بخوان تا تو را از چاه نجات دهم و آن دعا این است: «اللهُمَّ اِنّی اَسـئَلُک بِاَنَّ لَکَ الحَمدُ لا اِلهَ اِلّا اَنتَ المَنّانُ بَدیعُ السَّمواتِ وَ الَارضِ ذُواالجَلالِ وَ الِاکرامِ، اَن تُصَلِّیَ

۱- بروجردی، سیدمحمد ابراهیم، تفسیر جامع، ص ۲۱۴ و ۳۲۱.

ص: ۱۱۲

عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَن تَجعَلَ لِی مِمّا اَنا فِیهِ فَرَجاً وَ مَخرَجاً» ؛ خدایا از درگاه تو مسألت مینمایم، حمد و سپاس مخصوص توست، معبود یکتایی جز تو نیست، تو نعمتبخش و آفریدگار آسمانها و زمین، صاحبّ عظمت و شکوه هستی، بر محمد و آلش درود فرست و برای من در اینجا راه گشایش فراهم فرما.

(۱)

بیان و به زبان آوردن حاجت و خواسته به درگاه خدا

در زمان گرفتاری، باید از خداوند متعال درخواست کمک نمود؛ زیرا تنها اوست که برای رفع هر مشکلی توانمند است و نیاز هرکس را که بخواهد، برطرف میسازد. قرآن میفرماید: «(در روز قیامت) با دیدن عذاب فقط خدا را میخوانید و اگر او بخواهد، هر مشکلی را که به خاطر آن او را خواندهاید، برطرف میسازد...»(۲)

اما نکته مهم اینجاست که شخص محتاج برای رسیدن به حاجتش باید آن را ذکر کند و بر زبان جاری سازد. درست است که خداوند عالم بر همه امور آگاه است، اما خداوند دوست دارد که بندهاش عین آن چیزی

۱- حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص۴۱۶-۴۱۵.
۲(- بَلْ إِیَّاهُ تَدْعُونَ فَیَکْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَیْهِ إِن شَاءَ وَتَنسَوْنَ مَا تُشْرِکُونَ ( )انعام:۴۱)

ص: ۱۱۳

را که میخواهد، بر زبانش بیاورد و آن را به صورت خاص ذکر کند. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: خداوند خیر زیاد را به بندهاش نمیدهد و میفرماید: به او نمیدهم تا از من بخواهد.(۱)...(ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ)...(۲) همچنین خود خداوند، بندگان را به دعا و پناه آوردن به خود تشویق و ترغیب مینماید، آنجا که می فرماید...(: إِنَّ رَبِّی لَسَمِیعُ الدُّعَاءِ.)(۳) او شنوا و اجابت کننده است و اینکه دعا را بعد از شنیدن اجابت میکند.

بنابراین از آنجا که اجابت دعا بستگی به خواست و اراده بنده دارد، باید حاجت به صورت خاص ذکر شود. در صورتی که مورد دعا اظهار نگردد، شخص دعاکننده به حاجتش نمیرسد حتی اگر آن شخص، نبی باشد.

حضرت زکریا علیه السلام فرزند نداشت و دلش میخواست فرزندی داشته باشد، ولی آن را از خدا تقاضا نمیکرد، خداوند هم به او فرزند نمیداد. زمانی که حضرت زکریا علیه السلام سرپرستی حضرت مریم علیه السلام را بر عهده داشت، هر زمان که او را در محراب عبادت میدید، مشاهده میکرد که غذای مخصوصی در کنارش است. روزی از او پرسید: ای مریم! این غذا از

۱- کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، ج ۲، ص۴۷۶.

۲- غافر: ۶۰.

۳- ابراهیم: ۳۹.

ص: ۱۱۴

کجا برای تو میآید؟ مریم پاسخ داد: این از سوی خداست. خدا به هرکسی که بخواهد، روزی بیحساب میدهد. (۱) در این زمان، حضرت زکریا علیه السلام نیز از خداوند خواست که به او فرزندی عطا کند و چنین شد.(۲)

بنابراین برای دستیابی به امور خاص، در دعا و استغاثه باید به صراحت آن را ذکر نمود، تا در صورت کامل بودن شرایط استجابت دعا، مراد دعاکننده حاصل گردد.(۳)

ایمان به مقام و منزلت پیامبر صلی الله علیه و آله و اهلبیت علیهم السلام

یکی دیگر از مواردی که سبب استجابت دعا و استغاثه میشود، ایمان به مقام و منزلت انبیاء و ائمه علیهم السلام است؛ چرا که آن ها نمایندگان الهی بر روی زمین و واسطههای فیض او هستند. به واسطه آن هاست که نعمت و رحمت به ما میرسد و بلا و گرفتاری از ما دور می گردد. چنانکه در احوال قوم بنیاسرائیل آمده است که در میان بنیاسرائیل، خانوادهای زندگی میکردند که هرگاه یکی

۱...(- یَا مَرْیَمُ أَنَّیٰ لَکِ هَٰذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِندِ الله إِنَّ الله یَرْزُقُ مَن یَشَاءُ بِغَیْرِ حِسَابٍ ()آلعمران: ۳۷)

۲(- هُنَالِکَ دَعَا زَکَرِیَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِی مِن لَّدُنکَ ذُرِّیَّهً طَیِّبَهً إِنَّکَ سَمِیعُ الدُّعَاءِ(،)فَنَادَتْهُالْمَلَائِکَهُ وَهُوَ قَائِمٌ یُصَلِّی فِی الْمِحْرَابِ أَنَّ الله یُبَشِّرُکَ بِیَحْیَیٰ مُصَدِّقًا بِکَلِمَهٍ مِّنَ الله وَسَیِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِیًّا مِّنَ الصَّالِحِینَ ()آلعمران: ۳۹-۳۸)

۳- عطائی کوزانی، عنایت، دعا گنجینه عبادت، ص۱۱۳-۱۱۱.

ص: ۱۱۵

از آن ها ۴۰ شب تا صبح پشت سرهم به عبادت و نیایش میپرداخت، دعایش به اجابت میرسید. یکی از افراد آن خاندان،۴۰ شب به عبادت و نیایش پرداخت و سپس دعاکرد ولی دعایش به استجابت نرسید. بسیار پریشان شد و نزد عیسی علیه السلام رفت و گله کرد و از او خواست که برایش دعا کند. حضرت عیسی علیه السلام وضو گرفتند و دو رکعت نماز خواندند و بعد از نماز، برای آن بنده پریشان دعا کردند. در این هنگام، خداوند به عیسی علیه السلام چنین وحی نمود: «ای عیسی علیه السلام ! آن بنده، از راه صحیح خود دعا نمیکند، او مرا میخواند ولی در دلش در مورد پیامبری تو شک و تردید دارد؛ بنابراین اگر آن قدر دعا کند که گردنش قطع شود و سر انگشتانش بریزد، دعایش را اجابت نمیکنم. عیسی علیه السلام ماجرا را به آن مرد گفت. او عرض کرد: «ای روح خدا! سوگند به خدا حقیقت همان است که گفتی، من درباره پیامبری تو شک داشتم، اکنون از خدا بخواه تا این شک برطرف گردد.» حضرت عیسی علیه السلام دعا کردند و او به نبوت و رهبری عیسی یقین پیدا نمود. آنگاه خداوند توبه او را پذیرفت و مانند سایر افراد خانوادهاش، دعایش پس از ۴۰ شب عبادت به استجابت میرسید.(۱)

۱- کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، ج ۲، ص ۴۰۰.

ص: ۱۱۶

ما نیز در این زمان که امام و حجتمان، امام مهدی عجل الله است، باید با ایمان به مقام ولایت و امامت ایشان، دست به دعا و استغاثه برداریم؛ چرا که اگر جز این باشد و ما به جانشین و خلیفه خداوند در زمین، وصیّ پروردگار، مخزن علوم الهی، حجت خدا، فریادرس و پناه امت، واسطه فیض و پرچم هدایت، حضرت حجت بن الحسن عجل الله ایمان و اعتقاد نداشته باشیم، دعا و استغاثهمان به درگاه خداوند اجابت نخواهد شد؛ چراکه به فرموده خداوند، تنها راه وصول بندگان به بارگاه الهی، اهلبیت علیهم السلام هستند. همین است که در زیارت آن حضرت میخوانیم: «السَّلامُ عَلَیْکَ یَا بَابَ الله الَّذِی لا یُؤْتَی إلا مِنْهُ، السَّلامُ عَلَیْکَ یَا سَبِیلَ الله الَّذِی مَنْ سَلَکَ غَیْرَهُ هَلَکَ» ؛ سلام بر تو ای درگاه رحمت خدا که هیچکس جز از آن درگاه به سوی قرب خدا نائل نگردد، سلام بر تو ای راه خداوندی که هرکس به آن راه نرود، تباه و هلاک میشود.

(۱)

توبه صادقانه از آلودگیها و گناهان

گناه مانع اجابت دعا میشود؛ بنابراین بنده باید در هنگام دعا استغفار کرده و از گناهان پاک باشد تا دعایش مستجاب شود. در روایتی، امام صادق علیه السلام یکی از

۱- مفاتیح الجنان، زیارت حضرت صاحبّ الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف در اذن دخول سرداب مطهر.

ص: ۱۱۷

شرایط پذیرش دعا را اعتراف به گناهان و استغفار از آن میدانند و میفرمایند: «هرکس اوامر الهی را اطاعت کند و خدا را از راه دعا بخواند، خداوند پاسخش را میدهد.» یکی از اصحاب پرسید: راه دعا چیست؟ امام علیه السلام فرمودند: «خدا را میستایی و نعمتهای او را نزد خودت یاد میکنی و شکرش را بهجامیآوری و بر پیامبر صلی الله علیه و آله درود میفرستی و گناهانت را یادآور میشوی و به آن ها اقرار میکنی و از آن ها به خدا پناه میبری؛ پس این راه دعاست.» (۱)

همچنین بنا به فرموده آیتالله بهجت رحمت الله علیه باید دعا را با شرایط آن بهجا آوریم و توبه از گناهان از جمله شرایط دعاست، چنانچه فرمودهاند: «دعا التائب مستجابٌ» یعنی دعای شخصی که توبه کند، مستجاب میگردد. نه اینکه برای تعجیل فرج دعا کنیم در حالی که کارهایمان موجب تبعید و تأخیر انداختن فرج آن حضرت باشد.

امام باقر علیه السلام در توصیف داستان حضرت یونس علیه السلام میفرمایند: «خداوند عذاب هیچ قوم گناهکاری را برنگرداند مگر قوم حضرت یونس علیه السلام را(۲) زمانی که حضرت یونس علیه السلام آن ها را به تسلیم و اطاعت از دین

۱- کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، ج۲، ص۴۸۶.

۲(- فَلَوْلَا كَانَتْ قَرْيَةٌ آمَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمَ يُونُسَ لَمَّا آمَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ) (یونس: ۹۸)

ص: ۱۱۸

خدا دعوت میکرد ولی آن ها نمیپذیرفتند تا اینکه تصمیم گرفت آن ها را نفرین کند. دو نفر از کسانی که به او ایمان آورده بودند، نیز در میان قوم بودند. یکی از آن دو، شخص عابدی به نام ملیخا و دیگری، شخص عالمی به نام روبیل بود. عابد به یونس علیه السلام میگفت که بر قومش نفرین کند ولی عالم، یونس علیه السلام را از این کار نهی میکرد و میگفت: نفرین نکن؛ چون خدا نفرین تو را اجابت میکند و آنان را هلاک مینماید در حالی که خدا دوست ندارد بندگانش را دستهجمعی هلاک کند. حضرت یونس علیه السلام کلام شخص عابد را قبول کرد و به شخص عالم توجهی ننمود؛ پس آنان را نفرین کرد.

از طرف خداوند وحی آمد که عذاب در فلان تاریخ نازل میشود. زمانی که آن تاریخ فرا رسید، حضرت یونس علیه السلام به همراه شخص عابد از شهر خارج شد ولی شخص عالم در میان مردم باقی ماند. پس زمانی که نشانههای عذاب آشکار شد و قوم، پشیمان شده بودند، عالم به آن ها گفت: به پیشگاه خداوند ناله و زاری کنید تا خداوند به شما رحم کند و عذاب را از شما رفع نماید. مردم گفتند: باید چه کنیم؟ عالم گفت: همگی جمع شوید و سر به بیابان بگذارید در حالی که

ص: ۱۱۹

بچه ها را از زنان جدا کنید و حتی میان چهار پایان و بچههایشان جدایی افکنید، سپس با گریه و زاری دعا کنید. مردم به بیابان رفتند و همان کارها را کردند و از ضجه و ناله آن ها، خداوند به ایشان رحم کرد و عذاب را از آنان دفع نمود، عذابی که نشانههای آن آشکار شده بود و نزدیک بود قوم یونس را فرا بگیرد، بر کوه نازل شد. بعد از مدتی یونس علیه السلام به سوی قومش برگشت تا ببیند خداوند چگونه آن ها را نابود کرده است ولی با کمال تعجب دید که شهر سالم و مانند قبل بر سر جایش باقی است.(۱)

هم چنین است داستان معروفی که درباره توبه ای است که موجب بارندگی پربرکت در عصر حضرت موسی علیه السلام شد. در عصر حضرت موسی علیه السلام مدتی باران نیامد. زراعتها خشک شد و بلای قحطی همه جا را فراگرفت. مردم به محضر موسی علیه السلام آمدند و با التماس از او خواستند که نماز استسقاء بخواند تا باران بیاید. موسی علیه السلام با جمعیتی بالغ بر هفتاد هزار نفر به صحرا رفتند و نماز طلب باران خواندند اما هرچه دعا کردند، باران نیامد. موسی علیه السلام عرض کرد: «خدایا! با هفتاد هزار نفر، هرچه

۱- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۳۸۱.

ص: ۱۲۰

دعا میکنیم، باران نمیآید، علتش چیست؟ مگر مقام و منزلت من در پیشگاهت کهنه شده است؟» خداوند به موسی علیه السلام خطاب کرد: «در میان شما یک نفر هست که چهل سال است مرا معصیت میکند، به او بگو از میان جمعیت خارج شود تا دعایت مستجاب گردد.» موسی علیه السلام این مسأله را در میان آن جمعیت اعلام کرد. آن مرد گنهکار دید هیچکس خارج نشد. دریافت که آن شخص خودش است، با خود گفت: اگر برخیزم و بیرون روم، رسوا میشوم و اگر بیرون نروم، باران نمیآید. همانجا نشست و توبه حقیقی کرد. پس از آن، بیدرنگ باران پربرکت آمد. موسی علیه السلام عرض کرد: «خدایا! کسی از میان جمعیت خارج نشد، پس چطور شد که باران آمد؟» خداوند فرمود: «سَقیتُکُم بِالذی مَنَعتُکم به»؛ شما را به خاطر همان شخصی که به سبب او باران را قطع کرده بودم، سیراب کردم؛ یعنی توبه او باعث باریدن باران گردید.

استواری، جدیت و مأیوس نشدن از توسل و استغاثه

ما در برابر کسی هستیم که همه عالم در اختیار اوست، باجدیت و اطمینان از خدا بخواهیم و با ناامیدی دعا نکنیم. حضرت ایوب علیه السلام با تمام گرفتاریهایی که

ص: ۱۲۱

داشت، هیچگاه از رحمت الهی ناامید و مأیوس نشد، به همین خاطر وقتی خداوند را صدا زد، دعایش مستجاب گردید و مشکلاتش برطرف شد. در همین رابطه، قرآن می فرماید: «و ایوب را به یاد آور هنگامی که پروردگارش را خواند (و عرضه داشت) مشکلات به من روی آورده است و تو مهربانترین مهربانانی. ما دعای او را مستجاب کردیم و ناراحتیهایش را برطرف نمودیم.» (۱)

امام صادق علیه السلام نیز فرموده‌اند: «انْتَظِرُوا الفَرَجَ ولا تَيْأَسُوا مِنْ رَوْحِ الله فإنَّ أحبَّ الاَعمالِ إلى الله عَزَّ وَجَلَّ انْتِظَارُ الفَرَجِ»؛ منتظر فرج باشید و از رحمت خدا مأیوس نشوید که محبّوبترین اعمال نزد خدای تبارک و تعالی، انتظار فرج است.(۲)

در مثنوی معنوی نیز داستانی با همین مضمون از زبان مولوی میخوانیم: شخصی بود که نیمههای شب برمیخواست و در تاریکی و تنهایی، به دعا و نیایش میپرداخت و با سوز و گداز خاصی «الله، الله» میگفت. مدتها به توفیقاتی دست یافته بود تا اینکه شیطان از حال و قال آن مرد خدا بسیار غمگین و خشمگین شد، در کمین او قرار گرفت تا او را بفریبد.

۱- انبیاء: ۸۴-۸۳

۲- مجلسی،محمدباقر، بحارالانوار،ج۵۱، ص۱۲۳

ص: ۱۲۲

سرانجام در قلب او القا کرد که ای بینوا چرا این قدر «الله، الله» میگویی؟ دعای تو به استجابت نمیرسد به این دلیل که مدتهاست خدا را صدا میزنی ولی خدا حتی یک بار هم به تو لبیک نگفته است. همین القای شیطانی، قلب او را شکست و مأیوسانه گفت: به راستی چه فایده؟ هرچه دعا میکنم، نتیجهبخش نیست. شبی با همین حال و دل شکسته و روح افسرده خوابید. در عالم خواب، حضرت خضر پیامبر علیه السلام را دید. خضر علیه السلام به او گفت: چرا اینگونه مأیوس و افسردهای؟ چرا راز و نیاز و نیایش با خدای خود را ترک نمودهای و چون شخصی پشیمان و ناامید، از مناجات با خدا کنار کشیدهای؟ او در پاسخ گفت: زیرا از در خانه خدا رانده شدهام و چنین فهمیدهام که این در به روی من بسته است، از این رو ناامید شدهام.

حضرت خضر علیه السلام به او فرمود: «ای نیایشگر بینوا! خداوند به من الهام کرد که به تو بگویم که تو خیال میکنی جواب خدا را باید از در و دیوار بشنوی؟ همین که «الله، الله» میگویی، دلیل آن است که جذبه الهی، تو را به سوی خودش میکشاند و دعایت را به استجابت رسانده است.»

ص: ۱۲۳

ایمان، اخلاص و حضورقلب

یکی از شرایط اجابت استغاثه، ایمان و خشوع قلبی و حضور قلب در محضر پروردگار است. خشوع به معنی حالت تواضع و ادب جسمی و روحی است که در برابر حقیقت مهم یا شخص بزرگی به انسان دست می دهد. (۱)

این خشوع و خشیّت قلبی، هنگام عبادت باید اظهار شود و بروز اعتقاد به عجز و ضعف در مقابل خدا، با اشک ریختن معلوم میگردد. وقتی بنده در محضر خدا نهایت خشوع را اظهار کند، سبب جلب نظر رحمت خداوند میشود و درهای اجابت به رویش گشوده میگردد.

امیرالمؤمنین، علی علیه السلام به زیبایی این مطلب را بیان کرده و میفرمایند: «اشک ریختن چشمها و خشوع قلبها از رحمت خداوند است که نامش بلند مرتبه است؛ پس زمانی که این حالت در شما ایجاد شد، دعا کردن را غنیمت بشمارید. اگر در میان امتی، یک بنده گریه کند، به طور قطع خداوند متعال به خاطر گریه آن بنده بر آن امت رحم میکند.»(۲)

آنچه که محبّوب خداست، این است که بنده در

۱- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص ۳۴۱.

۲- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۳۳۶.

ص: ۱۲۴

محضر او خاضع و خاشع باشد. این روحیه سبب نزدیکی دعا به اجابت میشود. خداوند یکی از دلایل استجابت دعای حضرت زکریا علیه السلام را خشوع دانسته و میفرماید: «پس ما دعای حضرت زکریا علیه السلام را مستجاب کردیم و یحیی علیه السلام را به او دادیم و همسرش را (برای فرزنددار شدن) صالح گرداندیم؛ زیرا آنان در انجام کارهای خیر به سرعت اقدام میکردند، در حال بیم و امید ما را میخواندند و همیشه برای ما خاشع بودند.»(۱)

از دیگر شرایط، اخلاص در طلب و درخواست از خداوند است؛ همانطور که اجابت دعا و استغاثه حضرت یونس علیه السلام به دلیل اخلاص او در طلب بود. آنجا که قرآن میفرماید(: فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ)...(۲). یعنی دعای او اجابت نمودیم و او را از غم و اندوه، نجات دادیم. خداوند از لطف و کرم، به رهایی پیامبر خود بسنده نمیکند و اصل را برای هرکسی که خداوند سبحان را از روی اخلاص دعا کند، تعمیم میدهد و با بیان صریح اعلام میکند...(: وَكَذَٰلِكَ نُنجِي الْمُؤْمِنِينَ)(۳)

۱(- فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ) (انبیاء:۹۰)

۲- انبیاء: ۸۸.

۳- انبیاء: ۸۸.

ص: ۱۲۵

هم چنین هم مؤمنان را نجات میدهیم. اگر ما را بخوانند و به ما پناه بیاورد، او را نجات می دهیم؛ همانگونه که یونس علیه السلام ما را خواند و ما او را اجابت کردیم. این بیان به این جهت است که کسی گمان نکند که خداوند متعال تنها دعای پیامبرانش را اجابت میکند.(۱)

دعای دسته جمعی

دعای خالصانه و همراه با زاری و تضرع اگر به صورت دستهجمعی باشد، موجبات استجابت دعا را فراهم میآورد، همچنین استغاثه و توسل همگانی، موجب گشایش امور است. در دعاهای دستهجمعی بایـد خالصانه و از روی اضـطرار گریه کرد. همانطور که در دعـای باران مسـتحبّ است که بچهها از بزرگترها جـدا شونـد تا حالت حزن و انـدوه افزایش یابـد، در دعاهای دسـتهجمعی نیز باید انقطاع از دنیا و دیگران شکل بگیرد.

دین اسـلام برای وظـایفی که انجـام آن را به صورت جمعی میپسـندد، اهمیت خاصـی قائـل است، مثـل نمـاز جماعت. دعا نیز به دو صورت فردی و اجتمـاعی میتوانـد انجام شود. گرچه دعـای فردی و پنهانی از جایگاه ویژهای برخوردار است، اما گاهی اوقات نیاز است که هر مؤمنی به جامعه مسلمین توجهی کند

۱- السودانی، موسی الشیخ جعفر،تاریخ انبیاء: عبرتهای تاریخ از آدم تا خاتم، ص۱۵۶.

ص: ۱۲۶

و حاجاتش را با توسل به جماعت برآورده نماید. قرآن نیز با اشاره به جنگ بدر، بر تأثیر دعای دستهجمعی در استجابت آن دلالت میکنـد؛ در جنـگ بـدر، زمانی که کم بودن تعـداد مسـلمانان و تسـلیحات جنگی، آن ها را در برابر ازدیاد نفرات و امکانات نظامی دشـمنان نگران سـاخت و شایـد کمی ترس در دل برخی رخنه نمـود، به صورت دسـتهجمعی دعـا کردنـد و از خداونـد درخواسـت کمک نمودنـد، در این زمان بود که دعایشان مسـتجاب شد و خداوند لشـکر هزار نفری فرشـتگان را به کمکشان فرسـتاد و پیروزی نصیب مسـلمانان گردیـد. قرآن در این رابطه میفرمایـد: «به یاد آریـد زمانی را که از پروردگارتان درخواست کمک نمودیـد، پس خداوند دعای شما را اجابت کرد و فرمود که من با سپاهی منظم از هزار فرشته، شما را کمک خواهم کرد.»(۱)

پیامبر گرامی اسـلام صـلی الله علیه و آله فرمودنـد: «هرگاه جماعتی گرد هم آینـد و برخی دعا کننـد و برخی دیگر آمین بگویند، به طور قطع خداوند دعایشان را اجابت می کند.»(۲)

خداوند در یک حدیث قدسی، به حضرت عیسی علیه السلام

۱- انفال: ۹.

۲- متقی هندی، علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج۲، ص۱۰۷.

ص: ۱۲۷

فرمود: «عیسی! بعد از گناه، به سوی من بازگرد و بخشندگی مرا به توبهکنندگان یادآور شو و به من ایمان بیاور و همراه مؤمنین باش و به آنان دستور بده تا همراه تو مرا بخوانند.»(۱)

امام صادق علیه السلام فرمودند: «هرگاه یک گروه چهل نفره از مردان گرد هم جمع شوند و خدا را بخوانند، خداوند دعایشان را مستجاب می کند. اگر چهل نفر نباشند بلکه چهار نفر باشند و ده بار خدا را بخوانند، حتماً خداوند دعایشان را مستجاب میکند، پس اگر چهار نفر نباشند بلکه یک نفر باشد و خدا را چهل مرتبه بخواند، پس خداوند عزیز و جبّار دعایش را اجابت میکند.»(۲)

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام نیز آمده است که قوم بنی اسرائیل در پی به درازا کشیده شدن عذاب و فراگیر شدن مشکلات و سختیها، برای آمدن منجی به صورت دستهجمعی دست به دعا برداشتند و سخت گریه کردند و ضجه زدند، پس از این امر، خداوند قوم بنیاسرائیل را که در چنگال قبطیها گرفتار آمده بودند، با فرستادن حضرت موسی علیه السلام از مشکلات رهایی بخشید

۱- کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، ج ۸، ص۱۳۴.

۲- کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، ج ۲، ص۴۸۷.

ص: ۱۲۸

و همین دعای دسته جمعی مردم بنیاسرائیل سبب شد که جضرت موسی ۱۷۰ سال زودتر ظهور کند.

امام صادق علیه السلام در پایان حدیث، نکته بسیار ارزشمندی را بیان کردهاند که «هکذا انتم». این عبارت بیانگر این نکته است که این امر یک سنت جاری است و اختصاص به قوم بنیاسرائیل ندارد، بلکه در همه زمانها مردم میتوانند با توسل همگانی به حضرت حق موجبات گشایش امور خود را فراهم آورند.

در واقع حضرت به این نکته اشاره می کنند که اگر شما نیز این کار را انجام دهید، خدا فرج ما را نیز میرساند، اما اگر رغبتی به این کار نشان ندهید، امر فرج تا منتهای زمان تعیین شده خود ادامه پیدا میکند.

در میان انبیاء الهی که دارای غیبت بودند، حکایت حضرت ادریس علیه السلام مورد توجه است. آن هنگام که ایشان مورد سوء قصد حکومت طغیانگر زمان خویش قرار گرفت، از میان مردم غائب شد. در دوران غیبت او، پیروانش که در نهایت سختی و شدت قرار داشتند، تصمیم گرفتند که در پیشگاه خدا توبه کنند. این بازگشت و پشیمانی واقعی سبب شد که خداوند، دوران غیبت او را پایان بخشد.

ص: ۱۲۹

ادریس علیه السلام ظاهر شد و حاکم ستمگر در برابر او به ذلّت افتاد و مردم نیز مطیع او شدند. اگر مردم در زمان غیبت نیز، به صورت دستهجمعی توبه کنند و قصد یاری امام علیه السلام را نمایند، امید آن می رود که خداوند، طومار غیبت را در هم پیچد و آن بزرگوار را ظاهر نماید.(۱)

دعا برای دیگران

دعا برای برادر دینی از جمله حقوقی است که بر عهده مسلمانان است که مرحله اعلی آن، دعا برای همه است؛ یعنی هر مسلمانی در هنگام دعا برای خودش، برای دیگران نیز دعا کند؛ مثلاًـ بگوید: «پروردگارا! من، پدر و مادرم و همه مؤمنین را در روز قیامت بیامرز.»(۲)

دلیل این امر از زبان قرآن این است که خداوند دعای کسانی را که برای خود و سایر مؤمنین دعا میکنند، اجابت میکند و علت این اجابت را دعا برای همگان میداند.

پیامبر گرامی اسلام، حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرمودند: «هرگاه فردی از شما دعاکرد، باید برای همه دعا کند؛ زیرا این کار، دعا را به اجابت نزدیکتر میکند.»(۳)

حضرات و ائمه معصومین علیهم السلام از ما میخواهند که به فکر دیگران باشیم. حضرت فاطمه سلام الله علیها خود شبی را تا

۱- موسوی اصفهانی، محمدتقی، مکیال المکارم، ج۱، ص۳۰۷.

۲(- رَبَّنَا اغْفِرْ لِی وَلِوَالِدَیَّ وَلِلْمُؤْمِنِینَ یَوْمَ یَقُومُ الْحِسَابُ ()ابراهیم: ۴۱)

۳- کلینی، محمدبن یعقوب، کافی، ج۲، ص۴۸۸.

ص: ۱۳۰

به صبح دعا میکنند اما به فرمایش امام حسن مجتبی علیه السلام برای خود دعا نمیکنند و وقتی از ایشان سؤال میکنند میفرمایند: «الجار ثم الدار»؛ بنابر این حدیث، دیگران مقدّم هستند؛ لذا اول خواستههای دیگران را بیان کنید.

حضرت سلام الله علیها به ما میآموزند که دیگران را فراموش نکنید و پیش از دعا برای خود، برای دیگران که چه بسا نیازمند باشند، دعا کنید. برای همدیگر خوب بخواهیم. این نشانگر آن است که دیگران برای ما مهم هستند؛ چون ما در جامعه زندگی میکنیم و مشترکاتی با هم داریم، پس برای حاجتهای دیگران و هدایت همه دعا کنیم.

زمان مناسب

هر زمانی که بنده حاجتی داشته باشد و آماده خواندن خدا گردد، خداوند دعایش را می شنود و پاسخگویش خواهد بود، اما بعضی زمانها هستند که برای دعا کردن از فضیلت بیشتری برخوردارند، به این دلیل که دعا در آن زمانها به اجابت نزدیکتر و نزد خدا از محبّوبیت بیشتری برخوردار است. یکی از اوقات شریف برای دعا، سحرگاهان است. از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله سؤال شد که چرا حضرت یعقوب علیه السلام طلب آمرزش فرزندانش را تا وقت سحر به تاخیر انداخت؟

ص: ۱۳۱

پیـامبر صـلی الله علیـه و آلـه فرمودنـد:« استغفار فرزنـدانش را تـا سـحر به تـأخیر انـداخت برای اینکه دعـا در هنگـام سـحر پـذیرفته میشود.»(۱)

امـام صـادق علیه السـلام در توصـیف وقت شـریف سـحر در اجـابت دعـا فرمودنـد: «آن، ساعتی است که در آن ساعت، ایوب علیه السـلام دعا کرد و به درگاه خداونـد عزّوجلّ از بلاهایش شـکایت نمود، پس خداوند سـختیها و مشـکلاتش را رفع کرد و در همان سـاعت یعقوب علیه السـلام دعا کرد و خداونـد عزّوجلّ یوسف علیه السـلام را برگردانـد و انـدوهش را از بین برد و در آن ساعت، محمد صـلی الله علیه و آله دعا کرد و خداوند اندوهش را از بین برد و او را بر همه مشـرکین مسلط ساخت بعد از آنکه مأیوس شده بود...»(۲)

نجـات حضـرت لوط و خانـدانش از قوم فـاسق و سـتمکار نیز در هنگـام سـحر صورت گرفت، چنانکه قرآن میفرمایـد: «ما بر آن ها طوفانی از سنگ فرستادیم مگر آل لوط را که به هنگام سحر نجاتشان دادیم...»(۳)

علاوه بر وقت سحر، اوقات شریف دیگری از جمله بینالطلوعین، هنگام زوال خورشید، قبل از غروب، نیمه

۱- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیرالقمی، ج۱ ص۳۵۵.

۲- شیخ طوسی، الامالی، ص۶۹۹.

۳- قمر: ۳۴ و ۳۵.

ص: ۱۳۲

شب، آخر شب، بین اذان و اقامه، بعد از نماز و... در استجابت دعا مؤثر است، خصوصاً اینکه هرکس بعد از هر نمازش، یک دعای مستجاب دارد که پیشوایان دین از ما خواسته‌اند آن را به تعجیل فرج اختصاص دهیم که سودش به خودمان نیز میرسد. امام صادق علیه السلام در حدیث شریفی میفرمایند: «هرکس بعد از نماز صبح و ظهر بگوید: «اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و عجّل فرجهم» نمیمیرد تا اینکه حضرت قائم عجل الله را درک کند.»(۱)

برخی ایام سال نیز به دلیل ارتباط با امام زمان عجل الله اوقات ویژه‌ای برای دعای فرج هستند؛ از جمله این اوقات، شب و روز جمعه است. همانطور که در ادعیه و روایات، شب و روز جمعه متعلق به امام زمان عجل الله معرفی شده و ظهور امام زمان عجل الله در روز جمعه انتظار میرود و جمعه روزی است که در آن، به وسیله امام زمان عجل الله برای مؤمنان گشایشی ایجاد خواهد شد و کافران به وسیله شمشیر وی از بین خواهند رفت، این هنگام زمان خاص دعا و استغاثه برای فرج میباشد.(۲)

ماه مبارک رمضان و به ویژه شب قدر از جمله اوقاتی است که دعا در آن مستجاب میگردد، خصوصاً

۱- موسوی اصفهانی، محمدتقی، مکیال المکارم، ج۲، ص ۴۳۰.

۲- مفاتیح الجنان، زیارت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در روز جمعه.

ص: ۱۳۳

شب بیست و سوم که ارتباط تنگاتنگی با ظهور دارد؛ چراکه سحر شب بیست و سوم سالی که بنا باشد حضرت عجل الله ظهور بفرمایند، منادی ندا خواهد داد و قریبالوقوع بودن ظهور را اعلام خواهد کرد. چه خوب است که این شب را به دعا و استغاثه برای فرج و ظهور حضرت مهدی عجل الله که مهمترین حاجت بشریت است، اختصاص دهیم.

همچنین شب نیمه شعبان که شب میلاد حضرت حجتبنالحسنالعسکری عجل الله و تالی تلو قدر و برترین شبها بعد از شب قدر میباشد و در آن به احیا و دعا و استغاثه سفارش شده و استجابت دعا در آن وعده داده شده است، از جمله اوقات بافضیلت برای دعای فرج میباشد.

مکان مناسب

مکان دعا نیز مانند زمان آن محدود و معین نیست، ولی بعضی مکانها از فضیلت بیشتری برای دعا برخوردارند؛ از جمله خانه کعبه، بارگاه پیامبر صلی الله علیه و آله ، حرمهای اهلبیت علیهم السلام ، امامزادگان، مساجد و قبور والدین، هم چنین مسجد مقدس جمکران که خود حضرت عجل الله دستور ساخت آن را دادهاند، بهترین مکان برای دعا و استغاثه به جهت فرج و ظهور حضرت عجل الله است.

ص: ۱۳۴

حسن بن مُثله جمکرانی که توفیق شرفیابی به محضر مبارک حضرت مهدی عجل الله را پیدا نمود، پس از دریافت دستور ساخت مسجد مقدس جمکران، امام زمان عجل الله به ایشان فرمودند: «عن حسن بن مثله الجمکرانی عن الامام المهدی (عج) انه قال: قَالَ الْإِمَامُ علیه السلام مَنْ صَلَّاها فَکَأَنَّمَا صَلَّاها فِی الْبَیْتِ الْعَتِیقِ.» ؛ کسی که در آن مسجد نماز بگزارد، همانند این است که در خانهٔ خدا نماز خوانده است.(۱)

علاوه بر موارد مذکور، اربعین و ایام حج، هم از نظر زمانی هم از نظر مکانی از بهترین موقعیتها و فرصتها برای دعا و استغاثه فرج است. اربعین به این دلیل که هم از نظر زمانی، ایام شریفی است و هم از نظر مکانی در بهترین مکانهاست، هم از نظر جمعیتی، خیل عظیمی از مسلمانان از ملیتها و فرقههای مختلف، در آنجا تجمع دارند، بهترین زمان برای استغاثه و دعا برای فرجِ کسی است که منتقم خون حسین علیه السلام است.

حج نیز بنابر فرموده مقام معظم رهبری(مدظلّهالعالی)، واجب بیهمتا و بینظیر اسلامی است که فقط متعلّق

۱- نوری، حسین، مستدرک الوسائل، ج۳، ص ۴۴۷.

ص: ۱۳۵

به ما ایرانیها نیست؛ حج متعلق به اسلام و امّت اسلامی است و ضامن تداوم اسلام است.

زمان حـج، احترام دارد. مکان حـج، احترام دارد. این نشان میدهد که چقدر این عملیّات عظیم و مؤثّر است.این ها نشاندهندهی این امر است که این فریضه، از خصوصـیّاتی برخوردار است که هیـچ فریضه دیگری دارای این خصوصـیّات نیست. به این امر باید توجّه داشت.حج مظهر وحدت اسلامی است. رنگها، ملیت ها، شناسنامهها، مذاهب و سلیقههای مختلف همه در کنار هم و مثل هم طواف میکنند، باهم سعی به جای می آورند، در عرفات و مشعر وقوف میکنند. این وحدت بسیار مهم است.

همـدلی اسـلامی، مظهر واقعی همـدلی و همزبـانی در حـج، نهفقـط برای ملّـت ایران، بلکـه برای همـه مسـلمانان جهـان و برای امّت اسـلامی است. حـج مظهر تشـکیل امّت اسـلامی و مُشتی نمونه خروار است. از همهجا حتی از راههای دور، مسـلمانها کنار هم جمع میشوند. این فرصتی بزرگ است تا با هم حرف بزنند، با هم همدلی کنند، دردهای یکدیگر را بشنوند و اظهار همدردی با

ص: ۱۳۶

یکدیگر بکنند؛ این امور جز در حج، در کجا پیش میآید؟

حال میبینیم که حج از چند جهت، شرایط استجابت دعا را دارد؛ هم از نظر زمانی در بهترین زمانهاست، هم از نظر مکانی در شریفترین مکانها قرار دارد و چه جایی بهتر از خانه خدا. هم از نظر جمعیت، بالاترین حدّ جمعیتی در ایام حج در این مکان جمع میشوند و این یعنی وحدت، همدلی و اجتماع قلوب.

نتیجه:

اگر به این نقطه رسیدی که هیچکس و هیچچیز جز خداوند، توانایی حل مشکل تو را ندارد و هیچ امیدی به اسباب عادی نداشتی، پله اول را طی کردهای و باید آخرین امیدت تنها به قدرت بینهایت خدایی باشد که باور داری حاجتت را خواهد داد. مراقب باش آنچه که میخواهی، در دلت مخفی نماند، زبان سخن بگشا و تنها با معبودت و البته واسطههایی چون پیامبر و اهلبیت علیهم السلام نجوا کن.

آری، تنها صاحبّا العصر عجل الله است که «بَابُ الله الَّذِی لَا یُؤْتَی إِلَّا مِنْهُ» است. اکنون گاهِ نگاه به بالهای

ص: ۱۳۷

شکستهای است که گناهـان گذشـتهات، آن هـا را به این حـال انـداخته است، پس صادقانه و خالصانه برای بیماریهای روحت شـفا بخواه. فراموش نکن که «الله، الله» گفتنهایت، نشانه جـذبه الهی است؛ پس القائات شـیطان، تو را در ادامه مسـیر منحرف نکنـد. اینجا جای گردن کشیدن نیست. هرچه سربهزیرتر باشی، شیطان را مأیوس و خدایت را خشنود کرده ای؛ پس با حضور قلب و خضوع دل صدایش کن که البته هر چه دستهای بیشتری را با خود همراه کنی و به آسمان

گره بزنی، باران استجابت قویتر خواهد بود.

شب و روزهـای نشانـدار شـده برای اسـتجابت و مکانهـای مشـخص شـده برای راز و نیاز فراموشت نشود.این ها همه و همه پلههایی است که تو را به سرمنزل مقصود خواهد رساند.

«انشاءالله»

ص: ۱۳۸

ص: ۱۳۹

ص: ۱۴۰

فصل هشتم: آثار تربیتی استغاثه برای امام زمان عجل الله

آثار تربیتی استغاثه برای امام زمان عجل الله

نیازمندی انسان به دعا در زمان حاضر، از این جهت است که به میزان افزایش مشکلات و سختیهای انسان، نیاز او به ارتباط با غیب برای تحمل مشکلات بیشتر میشود. در زمان حاضر با توجه به ظلم و ستم فراوان استکبار جهانی و در مضیقه بودن مردم در تمامی ابعاد اعتقادی، فرهنگی، اقتصادی و... انسان نیاز بیشتری به دعا دارد.

دعا دو اثر بیرونی و درونی دارد: اثر درونی دعا، افزایش صبر و تحمل و اثر بیرونی آن، جاری شدن برکات آسمانی و امدادهای الهی است. از سوی دیگر، به میزانی که معرفت انسان بیشتر میشود، به همان اندازه معرفت او و نسبت به امام نیز بالاتر میرود. با توجه به اینکه شعور و معرفت بشر امروزی نسبت به زمانهای قبل افزایش یافته، میتوان گفت که نیازمندی او به دعا و ارتباط با مبدأ رحمانی نیز بیشتر شده است.

افزایش محبّت

محور و کانون همه محبّتها در نظام تربیت دینی، حب و مهرورزی به خالق هستی است و سایر محبّتها

ص: ۱۴۱

بایـد در راسـتای حب و دوستی حضـرت حق قرار بگیرد، همچنین محبّت به پیامبر و اهلبیت ایشان بایـد در طول محبّت خداونـد قرار بگیرد. محبّت یـک امر پوشـیده و مخفی است وماننـد درختی پربرگ و بار است که بعضـی از آثار آن، در زبان و بعضـی دیگر در اعضا و جوارح انسان آشکار میشود، همانطور که نمیتوان درخت را از بروز دادن گلها و میوهها منع کرد، شایسته نیست که انسان را از اظهـار محبّت و دوستی بـاز داشت، امـا سـفره محبّت را نیز نبایـد هرجـایی پهن کرد، همـانطور که مولای متقیان میفرماینـد: «مبادا محبّت و دوستیات را در غیر محل خود به کاربری.»

راههای افزایش محبّت به اهلبیت علیهم السلام

محبّت نسبت به پیامبر و اهلبیت ایشان از طرق مختلفی شکل میگیرد:

۱. معرفت به اهلبیت علیهم السلام : اولین راه افزایش محبّت نسبت به ائمه اطهار علیهم السلام ،افزایش معرفت و شناخت و آگاهی از فضائل و شخیصت آن هاست.

حال این پرسـش مطرح میشود که از چه راههایی میتوانیم نسـبت به اهلبیت علیهم السـلام معرفت پیـدا کنیم؟ درپاسخ باید گفت که اولین راه معرفت نسبت به اهلبیت علیهم السلام ،مطالعه سیره

ص: ۱۴۲

ایشان و تاریخ زندگی پرفراز و نشیب آن ها از مواضع مختلف ازجمله جنگها و صلحها، غمها وشادیها، اسارت و زندان، روابط آن ها با مردم و همسران و فرزندان خود و نیز رابطه آن ها با معبود خویش و... است. راه دیگر برای افزایش معرفت، تفکر و تأمل در گفتار حکمتآمیز این بزرگواران درباره مسائل گوناگون میباشد.

۲. اطاعت از اهلبیت علیهم السلام : یکی دیگر از راههای افزایش محبّت، اطاعت و گوش به فرمان ائمه بودن است؛ زیرا نمیتوان اظهار عشق و محبّت به کسی داشت، اما از اوامر و نواهی او سرباز زد. از این رو اگر میدانستیم که پیامبر و اهلبیت علیهم السلام چه عنایات و تفضّلات خاصی نسبت به محبّان خویش دارند، مطمئناً با نهایت صداقت، عشق و مهر خود را نثار آن ها میکردیم و در مقابل، ائمه اطهار علیهم السلام در روایات متعدد فرموده اند که شفاعت کننده دوستداران و محبّان خویش در روز قیامت هستند و از احوال وحالات آن ها نیز باخبرند.

۳. ذکر فضایل اهلبیت علیهم السلام : از جمله راههای افزایش محبّت به اهلبیت علیهم السلام این است که در زمان ولادت و شهادت این بزرگواران، با برگزاری مراسم و بیان سیره و روش آن ها و نقل سخنان گهربار و پرفضلیتشان علاوه

ص: ۱۴۳

بر ایجـاد معرفت و آگـاهی در مردم و الگو قرار دادن ائمه علیهم السـلام در زنـدگی، سـبب افزایش محبّت و دوستی مردم نسـبت به اهلبیت علیهم السلام شویم.

۴. تعظیم و تکریم در برابر ذکر نـام اهلبیت علیهم السـلام : از دیگر راههـای افزایش محبّت این است که نام اهلبیت علیهم السـلام را همواره با تکریم و احترام یاد کنیم و با ذکر نام آن ها، درود و صـلوات بفرستیم. همانطور که در روایات متعـدد از ما خواسـته شـده که هرگـاه نـام قـائم عجـل الله برده میشود، از جـا برخیزیم و دست برسـر نهیم یـا مثلاًـ زمـانی که نام پیامبر صـلی الله علیه و آله برده میشود، صلوات بفرستیم.

۵. نامگـذاری فرزنـدان خویش به اسـامی اهلبیت علیهم السـلام : یکی از سادهترین راههای افزایش محبّت این است که شـیعیان، نام این بزرگـواران را بر فرزنـدان خـود نهنـد تـا از این طریق هم خیر و برکت نصـیب آن فرزنـد و خـانواده او شود، هم نـام این عزیزان همواره در بین مردم زنده بوده و رونق داشـته باشد؛ چرا که نام اهلبیت علیهم السلام همیشه مایه خیر و برکت زندگی ما انسانهاست. در روایتی از امـام صادق علیه السـلام نقل شـده است که شخصـی به نام ربعی بن عبـدالله به حضور امام صادق علیه السـلام رسـید و پرسید: من نام فرزندانم را از نام شما و پدران شما اقتباس و نامگذاری

ص: ۱۴۴

میکنم. آیا از این کار سودی میبرم؟ امام فرمودند: «آری، سوگند به خدا! دین جز دوستی با آل محمد نیست.» (۱)

۶. رابطه داشتن با اهلبیت علیهم السلام : از جمله راههای افزایش محبّت این است که آدمی سعی کند در طول زندگی و حتی در طول روز همواره به یاد خدا، پیامبر صلی الله علیه و آله و اهلبیت علیهم السلام باشد، همانطور که یک درخت هرچه بیشتر رشد کند، گلها و شکوفهها و ثمره بیشتری میدهد، محبّت و دوستی اهلبیت علیهم السلام هم هرچه نیرومندتر گردد، آثار و برکات بیشتری در پی خواهد داشت. از نشانههای محبّت، یاد کردن محبّوب و رابطه داشتن با اوست؛ مثلاً رفتن به خانه خدا و زیارت قبور مطهر ائمه علیهم السلام که در روایات مختلف سفارش شده است. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «زیارت باعث افزایش و توسعه مودت نسبت به اهلبیت علیهم السلام میشود.» (۲)

بنابراین ایمان در حقیقت جز محبّت خدا، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و اهلبیت ایشان نیست.

نتیجه اینکه: ما در عصر و زمانی زندگی میکنیم که یوسف زهرا عجل الله در غربت به سرمیبرد، چه خوب است که در روزمرگیهای خود خلوتی با معبود، مولا،

۱- بروجردی، سیدمحمد ابراهیم، تفسیر جامع، ج۱، ص۴۱۹.

۲- ری شهری، میزان الحکمه، ج۴، ص۲۹۸.

ص: ۱۴۵

سرور و سالار این عصر و زمان داشته باشیم و برای اینکه محبّت و مودت خود را نسبت به ایشان نشان دهیم، دست به دعا و استغاثه برداریم، ضجه بزنیم و برای غربت، تنهایی و مظلومیت ایشان دعا کنیم؛ چرا که خود حضرت فرمودند: «به شیعیان ما بگویید برای ظهور و فرج ما دعا کنند که در اصل فرج خود آن هاست.» در واقع کمترین اثر تربیتی دعا و استغاثه برای حضرت عجل الله ، افزایش محبّت ما به ایشان است.

خود این افزایش محبّت، بیخوابی و اشکباری را به دنبال دارد. جایی که امام صادق علیه السلام ، در حالی که اشک از چشمان مبارکشان جاری بود و زانوی غم بغل گرفته بودند، فرمودند: «آقای من! غیبت تو خواب را از دیدگانم ربوده و خاطرم را پریشان ساخته و آرامش دل را از من سلب کرده و مصیبت های سختی بر من وارد کرده است که هرگز تسلّی نمی یابد.» چرا ما شیعیان که نور دیده زهرا عجل الله هستیم، برای ایشان به درگاه خدا ندبه و زاری نکنیم؟

آن دوست که دیدنش بیاراید چشم***بی دیدنش از گریه نیاساید چشم

ما را ز برای دیدنش باید چشم***گر دوست نبیند به چه کار آید چشم؟

(ابوالحسن خرقانی)

ص: ۱۴۶

امام هادی علیه السلام در لحظات پایانی عمر مبارک خویش به امام حسین عسگری علیه السلام فرمودند: فرزندم حسن جان! سلام من را به فرزندم مهدی برسان بگو خیلی وست داشتم چهره مبارک او را می دیدم.

در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است که درباره حضرت قائم عجل الله پرسیدند: آیا او متولد شده است؟ حضرت فرمودند: « نه، ولی اگر من او را دریابم در طول حیاتم خدمتگزار او خواهم بود.»(۱)

وقتی ائمه اطهار علیهم السلام اینطور نسبت به امام زمان عجل الله ارادت دارند و ابراز محبّت میکنند، چرا ما کاری نکنیم؟ آیا وقت آن نیست که به دنبال ریشه کن کردن همه بدبختیهای خود و جهان باشیم و همه با هم به درگاه خدا فریاد بزنیم، ضجه بکشیم، از درد دوری به خود بپیچیم و بگوییم: «أَیْنَ الْحَسَنُ أَیْنَ الْحُسَیْنُ أَیْنَ أَبْنَاءُ الْحُسَیْنِ صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ وَ صَادِقٌ بَعْدَ صَادِقٍ أَیْنَ السَّبِیلُ بَعْدَ السَّبِیلِ أَیْنَ الْخِیَرَهُ بَعْدَ الْخِیَرَهِ أَیْنَ الشُّمُوسُ الطَّالِعَهُ أَیْنَ الْأَقْمَارُ الْمُنِیرَهُ...»و ناله

۱- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج۲، ص ۳۶۱.

ص: ۱۴۷

کنند و بگریند و بگویند که آن رهبران عالم انسانیّت، امام حسن و امام حسین و امامان صالح و شایسته پس از آنان چه شدند؟ چرا ما که خود را انسان میدانیم، آنقدر کم درک بودیم که آن رهبران حقیقی انسانیت را از دست دادیم؟ کجاست آن باقیمانده الهی و نماینده پروردگار در بین بشر که کسی از او خبری ندارد؟چرا در این عالم از همه چیز خبر داریم جز او؟ چرا زندگی ما انسانها پر از رفتارهای غیر انسانی است؟ چرا آن رهبر معصوم و برگزیده پروردگار را کنار گذاشتهایم؟ او کجاست؟ آری «او» و تنها «او» کجاست که کلید همه قفلهای زندگی بشر است.(۱)

کمک و یاری مظلوم

در آموزههای دینی، همانگونه که از ظلم و ستمگری، به شدت اعلام انزجار شده، از تن دادن به ظلم نیز نهی شده است. علاوه بر آن، دفاع از ستمدیدگان و مظلومان و یاری رساندن به آنان، به عنوان یک وظیفه و تکلیف شرعی قلمداد شده است. آیات فراوانی از قرآن کریم، ظلم و ستمگری را از زوایای گوناگون و مختلف مطرح نموده

۱- یوسفی، محمد، چگونه دعا کنیم؟ چگونه فرج را بخواهیم؟، ص۹۳.

ص: ۱۴۸

است؛ از جمله آنجا که میفرماید...(: إِنِ اسْتَنْصَرُوکُمْ فِی الدِّینِ فَعَلَیْکُمُ النَّصْر)...(۱) ؛ این آیه شریفه با کمال صراحت، مسلمانان را ملزم مینماید تا به یاری برادران دینی خود که مورد ظلم و ستم قرار گرفتهاند، شتافته و به وظیفه دینی خود عمل نمایند.

خداوند در جای دیگری، کسانی را که نسبت به کمک و یاری ستمدیدگان، سکوت و بیتفاوتی اختیار کردهاند و قیام نمیکنند، سرزنش و ملامت نموده، مورد سؤال قرار میدهد و میگوید : «و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل الله و المستضعفین من الرجال و النساء والولدان الذین یقولون ربنا أخرجنا من هذه القریه الظالم أهل ها و اجعل لنا من لدنک ولیا و اجعل لنا من لدنک نصیرا»(۲) « چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده اند، پیکار نمیکنید؟ همان افراد (ستمدیدهای) که میگویند: خدایا! ما را از این شهر که اهل آن ستمگرند، بیرون ببر و برای ما از طرف خود سرپرست قرار ده و برای ما از طرف خود، یار و یاوری تعیین فرما!»

۱- انفال: ۷۲.

۲- نساء: ۷۵.

ص: ۱۴۹

روایاتی که از حضرات معصومین علیهم السلام در این مورد نقل شده، چند دسته است:

دسته اول، روایاتی است که امت اسلامی را در جهت یاری رساندن به مظلوم و ستمدیده و مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم و ستم، تشویق و ترغیب مینماید. همانطور که امام علی علیه السلام میفرمایند:«بهترین عدالت، یاری مظلوم است.»

از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است: «هیچ مؤمنی، مؤمن ستمدیده‌ای را یاری نمیرساند، مگر اینکه عمل او، برتر از یک ماه روزه و اعتکاف در مسجدالحرام باشد و هیچ مؤمنی نیست که بتواند برادر خود را یاری رساند و یاری اش دهد، مگر اینکه خداوند در دنیا و آخرت او را یاری کند.»

دسته دوم، احادیث و روایاتی است که یاری مظلوم و مبارزه با ظلم و ستم را به عنوان یک وظیفه و تکلیف شرعی قلمداد مینماید. از امام باقر علیه السلام نقل شده است

ص: ۱۵۰

که وقتی در آستانه ظهور، حضرت مهدی عجل الله آن جوان هاشمی را برای اتمام حجت با اهل مکه به نزد آن ها می فرستند، به او چنین سفارش میکنند: «...به نزد مکّیان برو و بگو: من فرستاده فلانیام به سوی شما. او به شما میگوید: ما اهلبیت رحمت و معدن رسالت و خلافت و خانواده حضرت محمد صلی الله علیه و آله و از فرزندان پیامبریم. ما مظلوم واقع شدهایم، رنج کشیدهایم و طردشدهایم. از زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله فوت کرد تا این زمان، حق ما را ضایع کردند، از شما تقاضای کمک داریم. شما هم ما را یاری کنید...»(۱)

در تشرّف مرحوم حاج اسماعیل شرفی خدمت امام زمان عجل الله ، حضرت خود را مظلوم ترین فرد عالم معرفی می کنند. آن مرحوم جریلن این تشرّف را چنین روایت می کند:

به عتبات مقدسه مشرف شده بودم و در حرم مطهر حضرت سیدالشهدا علیه السلام مشغول زیارت بودم. چون دعای زائرین در قسمت بالای سر حرم مطهر سیدالشهدا علیه السلام مستجاب است، در آنجا از خداوند خواستم که مرا به محضر مبارک مولایم، حضرت مهدی عجل الله مشرّف گرداند. مشغول زیارت بودم که ناگهان خورشید جهانتاب، جمالش ظاهر شد. پس از سلام، از ایشان سوال کردم: آقا! شما کیستید؟ فرمودند: «من مظلومترین فرد عالمم.»(۲)

۱- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

۲- ترجمه صحیفه مهدیه، ص ۵۸.

ص: ۱۵۱

حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام در عالم مکاشفه، به یکی از علمای قم فرمودند:

«...مهدی عجل الله ما در عصر خویش مظلوم است، تا میتوانید درباره او سخن بگویید و قلمفرسایی کنید. آنچه درباره شخصیت او بگویید، درباره همه معصومین علیهم السلام گفتهاید؛ زیرا معصومین علیهم السلام در عصمت، ولایت و امامت یکی هستند و چون عصر، عصر مهدی عجل الله ماست، سزوار است درباره او سخن گفته شود... باز تأکید میکنم که درباره مهدی ما زیاد بگویید و بنویسید، مهدی ما مظلوم است، بیش از آنچه نوشته و گفتهاند، باید دربارهاش نوشت و گفت.»(۱)

حال که فهمیدیم امام مهدی عجل الله در این زمان، مظلومترین فرد عالم است و مظلومیت ایشان بیانگر مظلومیت سایر ائمه علیهم السلام است و یکی از وظایف ما مسلمانان، کمک و یاری مظلوم است، بر ماست که به کمک و یاری ایشان برخاسته و از هر راهی که میتوانیم، ایشان را یاری نماییم. از آنجا که بزرگترین اثر دعا و استغاثه برای امام زمان عجل الله ، افزایش یاد حضرت و همچنین سلامتی و تعجیل در فرج ایشان است، بزرگترین کاری که ما میتوانیم در جهت کمک و یاری به ایشان به عنوان مظلوم ترین فرد عالم انجام دهیم همین دعا و استغاثه است.

۱- ترجمه صحیفه مهدیه، ص ۵۹.

ص: ۱۵۲

وفای به عهد و امانت الهی

یکی از ارزشهای اخلاق اسلامی در قرآن، وفای به عهد است. همه مردم جهان با تمام اختلافاتی که در افکار و تمایلات دارند، نسبت به وفای به عهد و پیمان اتفاق نظر دارند.

مراد از عهد و پیمان الهی، پذیرش ولایت ائمه علیهم السلام است، پس پذیرش ولایت ائمه علیهم السلام ،وفای به عهد ائمه علیهم السلام و در واقع وفای به عهد الهی است. از آنجا که ما در عصر غیبت امام معصوم عجل الله هستیم، پس بر ماست که بر وفای به عهد و پیمان امام غائب از نظر عجل الله بکوشیم؛ چراکه همین عدم وفای به عهد ولایت سبب غیبت امام زمان عجل الله ما شده است. حضرت مولی الموحّدین، علی علیه السلام میفرمایند:«و اما حقّ من بر شما، وفای شما به عهد و بیعتی است که با من دارید.» هر اندازه این نعمت والا یعنی عهد و بیعت با امام عصر علیه السلام بیشتر مورد توجّه قرار گیرد و سپاس و شکر آن گزارده شود، نعمت بهرهگیری از وجود مبارک امام عجل الله بر مردم و رعایای آن حضرت افزوده میگردد و انسان تحت ولایت بیشتر و تدبیر قویتر امام قرار می گیرد. در دعای عهد، امام صادق علیه السلام به ما اینگونه

ص: ۱۵۳

آموخته است که هر صبحگاهان قبل از هر کار و بعد از انجام فریضه صبح بگوییم:

«اللهم انی اجدد له فی صبیحه یومی هذا و ما عشت من ایامی عهدا و عقدا و بیعه له فی عنقی، لا احول عنها، و لا ازول ابدا..» پروردگارا! من در صبح امروز و هر روزی که زنده ام، با امام خود تجدید عهد و پیمان می کنم. بیعت آن بزرگوار را بر گردن خویش تجدید می نهم و از آن باز نمی گردم و هرگز آن را (از صفحه دل) پاک نمی سازم.

خود امام عصر عجل الله نیز در توقیعی به شیخ مفید، بر این امر که وفای به عهد ولایت سبب فرج و دیدار حضرت می گردد، تأکید نموده و فرمودهاند:

«وَ لَو أَنَّ أَشیَاعَنَا وَفَّقَهُمُ الله لِطَاعَتِهِ عَلَی اجتِمَاع مِنَ القُلُوبِ فِی الوَفَاءِ بِالعَهدِ عَلَیهِم، لَمَا تَأَخَّرَ عَنهُمُ الیُمْنُ بِلِقَائِنَا، وَ لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَهُ بِمُشَاهَدَتِنَا عَلَی حقّ الْمَعْرِفَهِ و صِدْقها مِنْهُم بِنَا» ؛ اگر شیعیان ما که خداوند آن ها را در طاعت خویش موفّق بدارد، در وفای به عهدی که بر عهده ایشان است، یکدل و متّحد اجتماع میکردند، خجستگی دیدار ما از ایشان به تأخیر نمیافتاد و سعادت دیدار ما، همراه با کمال و

ص: ۱۵۴

معرفت و درستی شناخت ما، زودتر به ایشان میرسید.

وفای به عهد یاد شده با شش امر حاصل میشود که همه این موارد، با دعا و استغاثه برای حضرت تأمین می گردد:

۱. یقین قلبی به امامت و ولایت ائمه علیهم السلام و تسلیم امر ولی بودن

۲. مودت قلبی نسبت به ائمه علیهم السلام

۳. بغض نسبت به دشمنان ولایت و غاصبان خلافت ائمه علیهم السلام

۴. اطاعت و پیروی از ائمه علیهم السلام در تمام اوامر و نواهی ایشان

۵. اظهار اعتقاد قلبی به آن ها به وسیله زبان و اعضای بدن به مقدار توانایی

۶. یاری دادن به ائمه علیهم السلام در هر حال

۷ . تعظیم خدا و دین خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله.(۱)

(إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى الله وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَن يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ( )وَمَن يُطِعِ الله وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ الله وَيَتَّقْهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ)(۲)

ترجمه این آیات چنین است:

۱- موسوی اصفهانی، محمدتقی، مکیال المکارم، ص۴۵۶.

۲- نور: ۵۱ و ۵۲.

ص: ۱۵۵

«هرگاه مؤمنان را به سوی خدا و پیامبرش فرا خوانند، تا میان آن ها داوری کنند، سخنشان جز این نیست که می گویند: شنیدیم و فرمان بردیم، اینان همان رستگارانند».«و هر کس از خدا و پیامبرش اطاعت کند و از خدا بترسد و از او پروا کند، پس آنان همان کامیابان هستند.»

این آیات در مورد پیروان راستین پیامبر اشاره کرده و می فرماید: مؤمن واقعی کسی است که هم در گفتار، حکم پیامبر صلی الله علیه و آله را بپذیرد و هم در عمل از آنچه او فرموده اطاعت کند. نه با زبان مخالفت کند و نه در عمل سستی ورزد.

بدیهی است که چنین روحیهای تنها در سایه تقوای الهی و ترس از نافرمانی پروردگار در انسان شکل میگیرد و او را به سعادت و رستگاری میرساند.

از آنجا که برخی مؤمنان با آنکه مطیع خدا هستند، اطاعت آن ها با نوعی کراهت و ناخشنودی همراه است، در ادامه آیات میفرماید: در صورتی که اگر اطاعت از فرمان حق، همراه با روحیه تسلیم و خشیّت در برابر پروردگار باشد، انسان از آزمونهای سخت زندگی، پیروز بیرون میآید و در دنیا و آخرت به سعادت میرسد.

ص: ۱۵۶

براساس روایات، امام علی علیه السلام که همواره تسلیم فرمان پروردگار و رسول خدا صلی الله علیه و آله بودند، از بارزترین مصادیق این آیات به شمار میروند که سرانجام به فوز و رستگاری عظیم دست یافتند.

از این آیات شریفه میآموزیم که اولاً رسیدن به رستگاری، در سایه تسلیم بودن در برابر فرمان خداست. در واقع با سنجش میزان تسلیم خود در برابر دستورات خدا و پیامبرش، می توانیم میزان ایمان خود را بسنجیم.

ثانیاً مسئله مهم برای مؤمن، عمل به وظیفه است؛ خواه به نفع او باشد یا به زیان او. ثالثاً شرم و حیای درونی در برابر پروردگار و پروا از مخالفت با فرمان او، انسان را در صحنههای مختلف زندگی حفظ میکند و او را به مقصد میرساند. همانطور که آیتالله مجتهدی تهرانی(ره) در بیان شریفی فرمودند: « بقای ایمان به تعظیم خداست، اگرخدا را بزرگ بشمارید، ایمان شما باقی میماند.»

بدون شک دعا کردن برای سلامتی و تعجیل فرج آن حضرت عجل الله ، نوعی تعظیم و نصرت ایشان است؛ زیرا یکی از اقسام نصرت و یاری حضرت صاحبّالزمان عجل الله ، یاری کردن به زبان است که دعا برای آن حضرت، یکی از انواع یاری کردن

ص: ۱۵۷

به زبان می باشـد. واضـح است که دعا از بهترین انواع نیکی است، پس اگر مؤمن برای مولای خود خالصانه دعا کنـد، مولایش هم برای او خالصانه دعا مینماید و دعای آن حضرت، کلید هر خیر و از بین برنده هر شرّ است.

برخی از وظایف منتظران

انتظـار فرج همـان منتظر ظهور امام عصـر عجل الله بودن است. فرج به معنای گشایش است و با آمـدن آن حضـرت، حکومت عـدل الهی برقرار شـده و مسـلمانها به ویژه شـیعیان در سـایه توجهـات آن حضـرت عجل الله در آسایش و امنیت قرار میگیرنـد. البته منتظر واقعی وظایفی دارد که در این فصل، بر پایه کتاب شریف مکیال المکارم، به برخی از مهم ترین این وظایف اشاره می کنیم:

برخی وظایف منتظران

مرحوم سید محمد تقی موسوی در کتاب شریف «مکیال المکارم» به هشتاد مورد از وظایف منتظران اشاره فرموده است. اینک بطور اختصار به برخی از آن ها اشاره می کنیم.

۱. دعا برای امام زمان عجل الله : یکی از وظایف مهم ما، دعا برای امام زمان عجل الله است. ائمه هدی علیه السلام نیز همواره بر این مهم تکیه داشتهاند؛ از جمله روایتی است از امام صادق علیه السلام که ایشان دعایی را به «زراره»

ص: ۱۵۸

تعلیم می دهند، محور اصلی این دعا، بر امامشناسی استوار است.

امام علیه السلام به زراره میفرمایند: «...اگر زمان غیبت را درک کردی، چنین دعا کن:«اَللّهُمَّ عَرِّفْنی نَفْسَکَ فَاِنَّکَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنی نَفْسَکَ لَمْ اَعْرِف نَبِیَّکَ اَللّهُمَّ عَرِّفْنی رَسُولَکَ فَاِنَّکَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنی رَسُولَکَ لَمْ اَعْرِفْ حُجَّتَکَ اَللّهُمَّ عَرِّفْنی حُجَّتَکَ فَاِنَّکَ اِنْ لَمْ تُعَرِّفْنی حُجَّتَکَ ضَلَلْتُ عَنْ دینی» .

همچنین دعاهای دیگری که در کتب ادعیه و زیارات بدان اشاره شده، خصوصاً دعای معروف «اَللّهُمَّ کُنْ لِوَلِیِّک الْحُجَّهِ بْنِ الْحَسَنِ» بر همین مبناست که بحمدالله در بین جامعه شیعه بسیار معروف و مشهور است.

۲. شناخت صفات و سیره امام علیه السلام : بدیهی است که عاشق دلباخته امام عجل الله و منتظر حقیقی باید بداند که محبّوبش از چه صفاتی برخوردار بوده و سیره و روش او در زندگی چیست. در این راستا، مطالعه آیات و روایات فراوانی که در ارتباط با وجود مقدس حضرت بقیهاللهالاعظم علیه السلام بیان شده، بسیار سودمند است.

۳. رعایت ادب در همه موارد: امامی که واجبالاطاعه و حجت خدا بر تمامی اهل زمین است،

ص: ۱۵۹

نـامش محترم و یـادش بسـیار گرامی است، پیشوای همه و چشم بینـای خـدا در بین مخلوقات اوست، روزیِ اهل زمین به یُمن وجود اوست و هرکس که به مرتبهـای از مراتب کمـال میرسـد، از پرتو عنایـات حضـرت حق است که از مسـیر امـامت به او رسـیده است. بنابراین رعایت ادب و احترام در پیشگاه این امام بزرگوار، در همه حال شایسته است.

۴. عشق و علاقه نسـبت به حضـرت عجل الله :مرحوم سـید عبدالکریم کفاش که به محضـر آن حضرت مشرف می شد، در ری و در جوار حضرت عبدالعظیم حسنی می زیست. در یکی از تشرّفاتش، حضرت از او میپرسند: «سید عبدالکریم اگر ما را نبینی چه خواهد شد؟» او پاسخ میدهد: آقا حتماً میمیرم. حضرت در پاسخ می فرمایند: «اگر چنین نبودی، ما را نمیدیدی.»

۵. علاقه منـد کردن دیگران به امام زمان عجل الله : طبیعی است که هرکس به چیزی علاقه منـد باشـد، در صـدد تبلیغ و ترویـج آن برآمده و آن را به دیگران معرفی خواهد کرد، چه رسد به اینکه آن محبوب، وجود مقدس خاتم الاوصیا عجل الله باشد.

۶. انتظار فرج: امام صادق علیه السلام فرمودند: «بخشی از معتقدات ائمه علیهم السلام عبارت از تقوی، پاکدامنی و

ص: ۱۶۰

خیرخواهی... و صبورانه در انتظار فرج بودن است.»

در بسیاری از روایات، پرفضیلت‌ترین اعمال، انتظار فرج معرفی شده است.

در بسیاری از احادیث ناظر به انتظار فرج، بیان شده که هرگاه یکی از منتظران حضرت عجل الله به رحمت الهی رفت، چنان است که در میان سپاه امام و یا در میان چادر (خیمه) حضرت عجل الله به شهادت رسیده باشد. هم چنین در بعضی از روایات تعبیر شده که چنین شخصی مثل کسی است که با رسول خدا صلی الله علیه و آله در برابر کفر، جهاد کرده باشد.

۷. اظهار علاقه وافر برای ملاقات با آن حضرت عجل الله

۸. ذکر فضائل و مناقب آن حضرت عجل الله و شرکت در مجالس امامشناسی

۹. صدقه برای سلامتی امام زمان عجل الله

۱۰. به جا آوردن حج و عمره و زیارت مشاهد مشرّفه به نیابت از امام عجل الله : اعمالی که به نیابت از امام زمان عجل الله به جا آورده میشود، در واقع هدیهای از جانب عاشقان و شیفتگان به یوسف زهرا عجل الله است.

۱۱. استغاثه به وجود مقدس امام عجل الله : در بعضی از روایات، از آن بزرگوار به «غیاث المضطرّ المستکین» تعبیر شده است. توسل و استغاثه به اهل بیت علیهم السلام

ص: ۱۶۱

سیره دائمی بزرگان و صلحا و علمای شیعه بوده و حتی ائمه هدی علیهم السلام نیز به وجود مقدس ایشان توسل میجستهاند.

مرحوم عاملی در روایتی نقل میکند: هنگامی که زهرای مظلومه سلام الله علیها بین دیوار و در مجروح شدند، ناله «یابنالحسن» سرمیدادند و به وجود مقدس امام عصر، حضرت حجهبنالحسن عجل الله استغاثه جستند.

۱۲. ادای اجر رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله : دعا برای تعجیل فرج یکی از مصادیق ادای اجر رسالت است و دلیل بر این معنی، فرموده خداوند متعال است که در سوره شوری آمده...(: قُلْ لا أَسْئَلُکُمْ عَلَیْهِ أَجْراً إِلاَّ الْمَوَدَّهَ فِی الْقُرْبی)...(۱) ؛ (ای پیامبر) بگو من از شما بر انجام آن (رسالت) چیزی درخواست نمی کنم مگر مودّت و دوستی خاندانم. این که منظور از مودّت واجب نسبت به امامان علیهم السلام ، معرفت و ولایت آنان می باشد، بدین معناست که فقط ایشان، اولیای حق دانسته شوند. به هر صورت تردیدی نیست که نزدیک ترین ذیالقربی در زمان ما جز حضرت صاحبّ الزمان عجل الله کسی نیست؛ پس مودّت آن جناب بر همگان واجب است و باید مودّت آن

۱- شوروی: ۲۳.

ص: ۱۶۲

جناب شدیدتر و بیشتر از مودّت نسبت به دیگر نزدیکان پیغمبر صلی الله علیه و آله باشد.

در بیان معنی و اقسام مودّت گفته شده که منظور از مودّت همان محبّت قلبی با همه آثار ظاهری آن است؛ لذا در تفسیر قمی، مودّت به همان آثاری که لازمه محبّت است، تفسیر شده است. در واقع اجر نبوّت آن است که آنان را اذیت نکنید، با ایشان قطع رابطه ننمایید، حقّ ایشان را به ناحق نگیرید، با آنان پیوند و ارتباط داشته باشید و پیمان الهی را در حقّ آن ها نشکنید...

البته واضح است که از آثار مودّت قلبی، ابراز دوستی به زبان است؛ یعنی دعا کردن برای محبّوب و درخواست خوبی ها برای او که این امر از مهم ترین آثار و نتایج محبّت ظاهری است. هم چنان که در روش پدران نسبت به فرزندانشان می بینیم که محبّت قلبی، آنان را وا می دارد که برای فرزندانشان دعای خیر کنند.

نتیجهای که از این مقدمات به دست می آید، این است که مودّت خاندان رسول صلی الله علیه و آله ، اجر رسالت است و نزدیک ترین ایشان در این زمان، مولای ما،

ص: ۱۶۳

حضرت حجّه بن الحسن عجل الله می باشد که دعا کردن برای آن حضرت از اقسام مودّت است و به این وسیله، اندکی از اجر رسالت ادا می گردد. از آنجا که ادای اجر رسالت بر همه امّت واجب است، پس بر همه واجب است که نسبت به حضرت حجّت عجل الله مودّت داشته باشند و به هر مقدار که می توانند آثار آن را رعایت نمایند.

اثر تربیتی این نکته این است که تو تنها نیستی که مشکل داری بلکه شاید وقتی به یاد دیگران میافتی، متوجه میشوی که مشکل آن ها از تو سختتر است و شکرگزار نعمتهای خود میشوی.

در روایات آمده است: «اسْتَكْثِرُوا مِنَ الْإِخْوَانِ فَإِنَّ لِكُلِّ مُؤْمِنٍ دَعْوَةً مُسْتَجَابَةً»(۱) (بر برادران مؤمن خود بیفزایید؛ زیرا هر مؤمنی یک دعای مستجاب دارد.) این نگاه بین مسلمان و مؤمنان اخوت ایجاد میکند. هم چنین در روایات آمده است که اثر دعای دیگر مؤمنان برای فرد بیش از اثر دعای آن فرد برای خود است. اگر شما برای فردی دعا کردید، این حس همگرایی به او منتقل میشود و آن اخوّت –که سفارش اکید خداوند و ائمه علیهم السلام است– و حس همگرایی و دلسوزی نسبت به همدیگر ایجاد میشود.

۱– شیخ حر عاملی، محمدبن حسن، وسایل الشیعه، ج۱۲، ص۱۷.

ص: ۱۶۴

نکته مهم این است که چه دعایی کنیم؟ ما در برابر فردی هستیم که همه عالم در اختیار اوست، خوب را از خدا بخواهیم و با ناامیدی دعا نکنیم. برای همدیگر خوب بخواهیم، این نشانگر آن است که دیگران برای ما مهم هستند؛ چون ما در جامعه زندگی میکنیم و مشترکاتی با هم داریم، پس برای حاجتهای دیگران و هدایت همه دعا کنیم.

نتیجه گیری

در بسیاری از آیاتی که در آن ها از استغاثه سخن به میان آمده، به اجابت آن از سوی خداوند نیز تصریح شده است؛ از جمله آنجا که میفرماید(: أَمَّن یُجیبُ المُضطَرَّ اذا دَعاهُ ویَکشِفُ السّوءَ ،)...نیز آیه...(وکَذلِکَ نُنجِی المُؤمِنین)(۱) این آیات شریفه متضمّن این وعدهاند که خداوند استغاثه افراد مضطرّ و درمانده را اجابت می کند و مؤمنان را از غم و اندوه می رهاند.

این وعده الهی بر اجابت استغاثه، لطف و رحمت خداوند نسبت به تمام بندگان را نشان می دهد. حتی اگر بندگان فاسق و گناهکار، با اضطرار و خواهش رو به درگاه خداوند، استغاثه و درخواست کمک نمایند، خداوند حتماً

۱- انبیاء: ۸۸.

ص: ۱۶۵

استغاثه آن ها را اجابت میکند همانطور که خداوند به موسی علیه السلام درباره اجابت استغاثه فرعون سخن گفتند.

فرعون وقتی داشت غرق میشد، به حضرت موسی علیه السلام استغاثه (یاری طلبیدن) کرد. او مرتب التماس میکرد، اما حضرت موسی علیه السلام می گفت: باید غرق شوی و سرانجام فرعون غرق شد! موسی علیه السلام شب برای مناجات به درگاه خدا آمد. خداوند گفت: چرا درخواست فرعون را اجابت نکردی؟ ای موسی! تو فرعون را اجابت نکردی، چون او را خلق نکرده ای. اگر به من استغاثه کرده بود، او را اجابت میکردم؛ یعنی اگر تو خالق او بودی، جوابش را میدادی. اگر فرعون یک «یا الله» میگفت، او را اجابت میکردم.(۱)

خدای رحیم قصد داشت که حتی استغاثه فرعون را هم اجابت کند، ما که مسلمان هستیم و برای فرج امام زمان عجل الله و آخرین ذخیره خدا بر روی زمین و برای برپایی و تشکیل حکومت الله که همه ائمه علیهم السلام برای آن تلاش کردهاند، استغاثه میکنیم، باید مطمئن باشیم که دعا و استغاثه ما اجابت میشود، به شرط آنکه استغاثه ما، استغاثه واقعی و با رعایت شرایط آن باشد.

لطف و رحمت خداوند تا حدی است که قصد داشت استغاثه قارون را نیز اجابت کند. حضرت موسی علیه السلام علیه قارون دعا کرد و فرمود: ای زمین! او را بگیر. در حالی که او بر تخت و بر فرش نشسته بود، زمین او را گرفت تا اینکه تخت وی ناپدید

۱- ابن بابویه، محمدبن علی، علل الشرایع، ص۵۹.

ص: ۱۶۶

گشت. هنگامی که قارون این امر را مشاهده کرد، به موسی علیه السلام سوگند یاد کرد که به او ترحّم کند. حضرت موسی علیه السلام به زمین دستورداد که او را برگیر. زمین او را گرفت در حالی که او هم چنان درخواست کمک میکرد. موسی علیه السلام باز به زمین دستور داد که او را در برگیر، تا اینکه زمین او را ناپدید کرد. خداوند به موسی علیه السلام وحی کرد: ای موسی! از تو خواست که به او ترحم کنی و درخواست کمک نمود، اما تو از کمک کردن به او خودداری کردی. اگر مرا میخواند و درخواست کمک می کرد، حتماً به او کمک می کردم.

به لطف و مهر پروردگار بنگرید که اگر قارون و فرعون ظالم نیز او را خوانده بودند، دعا و درخواست آن ها را به اجابت میرساند تا چه رسد به بندگانی که با ایمان به او از او درخواست مینمایند. آری! فرموده حق تعالی...(: ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ)...(۱) گویای این حقیقت است.(۲)

تاکنون چندین بار قرار بوده فرج اتفاق بیفتد و زمام امور مسلمانان به دست جانشین خدا برسد، اما با گوش نسپردن به کلام هدایت و عدم یاری امامان، باب رحمت خدا را بر خویش بستهایم، ولی باید به خاطر داشته باشیم که بسیاری از مواقع، به واسطه دعای

۱- غافر: ۶۰.

۲- السودانی، موسی الشیخ جعفر، تاریخ انبیاء:عبرتهای تاریخ از آدم تا خاتم، ص۲۹۷.

ص: ۱۶۷

ما گشایشـهایی اتفاق میافتد و از گرفتاریها و نگرانیهای حضـرت عجل الله کاسته میشود. آیا آسایش خاطر امام زمان عجل الله و رفع برخی مشـکلات آنقـدر ارزشـمند نیست که برای ظهور و فرج حضـرت عجل الله به درگاه خداوند قادر دعا کنیم؟ آن هم دعا برای امام مهربانی که وقتی سـید بن طاووس در سـحر سیزدهم ذیالقعده سال ۶۳۸ قمری در «سُرّ مَن رَأی» در سـرداب مطهّر، خدمت امام زمان عجل الله می رسد، آوای دلنشین امام زمان عجل الله را می شنود که این دعا را زمزمه می کنند:

«اِلهی بِحَقِّ مَنْ ناجـاکَ وَبِحَقِّ مَنْ دَعـاکَ فِی الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَفَضَّلْ عَلی فُقَرآءِ الْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِنـاتِ بِالْغَناءِ وَالثَّرْوَهِ وَعَلی مَرْضَـی الْمُؤْمِنینَ والْمُؤْمِنـاتِ بِالشِّفـاءِ وَالصِّحَهِ وَعَلی اَحْیـاءِ الْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِنـاتِ بِـاللُّطْفِ وَالْکَرامَهِ وَعَلی اَمْواتُ الْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِنـاتِ بِالْمَغْفِرَهِ وَالرَّحْمَهِ وَعَلی غُرَباءِ الْمُؤْمِنینَ وَالْمُؤْمِناتِ بِالرَّدِّ اِلی اَوْطانِهِمْ سالِمینَ غانِمینَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَجْمَعینَ» ؛ خدایا! شیعیان ما را از شعاع نور ما و طینت مـا خلق کردهـای، آن هـا گناهـان زیـادی به اتکـا بر محبّت و ولاـیت ما مرتکب شـده انـد. اگر گناهان آن ها گناهانی است که در ارتباط با توست، از آن ها در گذر،که ما

ص: ۱۶۸

را راضـی کردهای و آن چه از گناهان آن ها در ارتباط با خودشان و مردم است، خودت بین آن ها را اصـلاح کن و از خمسـی که به حق ماست، به آن ها بده تا راضی شوند و آن ها را از آتش جهنم نجات بده و آن ها را با دشمنان ما در عذاب خود جمع نفرما.

مـا برای فرج امـامی دعا میکنیم که شب و روز، برای ما بنـدگان دعا میکنـد. آیا رسم معرفت نیست که ما نیز برای فرج و ظهور امام منتظر عجل الله که تمام دغدغه اش رفع گرفتاری مردم و هدایت آن هاست، دعا و استغاثه کنیم؟

بـدانیم که به فرموده پیـامبر مهربـانی صـلی الله علیه و آله هیـچ دعـایی زودتر از دعـایی که انسان در غیاب کسـی میکنـد، مسـتجاب نمیشـود. او در غیبت است، پس دسـتها را در دوران غیبتش آسـمانی کنیم و فرجش را بخـواهیم تـا در زمـان ظهـورش، طول عمر و سلامتی ایشان را از خداوند متعال درخواست نماییم.

ای سوره آخر سحرگاه! الغوث***ای ساقه روشنایی ماه! الغوث

متن همه روزنامه ها خواهد شد***یک جمله بهار آمد از راه الغوث

ص: ۱۶۹

ص: ۱۷۰

ص: ۱۷۱

فهرست منابع

۱. قرآن.

۲. مفاتیح الجنان.

۳. نهج البلاغه.

۴. صحیفه سجادیه.

۵. الاحتجاج، طبرسی، احمد بن علی، مشهد، المرتضی، ۱۳۶۱.

۶. الاختصاص، مفید، محمد بن محمد ، تهران، دارالمفید، ۱۳۸۸.

۷. الاصول من الکافی، کلینی،محمدبن یعقوب، بیروت، دارالصعب و دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۱ ق.

۸. الامالی، شیخ طوسی، قم، بنیاد بعثت، ۱۴۱۴ق.

۹. الغیبه، نعمانی، محمد بن ابراهیم، ترجمه احمد فهری زنجانی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.

ص: ۱۷۲

۱۰. بحارالانوار، مجلسی، محمدباقر، بیروت، دارالحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

۱۱. تاریخ انبیاء: عبرتهای تاریخ از آدم تا خاتم، السودانی، موسی الشیخ جعفر، ترجمه علی نقی ایزدی، قم، مشهور، ۱۳۸۹.

۱۲. تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیهم، حسن بن علی بن شعبه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین ، ۱۳۶۲.

۱۳. تفسیر القمی، قمی، علی ابن ابراهیم، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۳.

۱۴. تفسیر جامع، بروجردی، سید محمد ابراهیم، تهران، صدر، ۱۳۶۶.

۱۵. تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ناصر، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.

۱۶. تفسیر نورالثقلین، حویزی، عبد علی بن جمعه، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ ق.

۱۷. جلوه های حکمت، ناظم زاده قمی، اصغر، قم، بوستان کتاب، ۵۷۳۱.

۸۱. جمال الاسبوع بکمال العمل المشروع، علی بن موسی ابن طاووس، قم، الشریف الرضی، ۱۳۳۰.

۱۹. چگونه دعاکنیم؟ چگونه فرج را بخواهیم؟، یوسفی، محمد، قم، خورشید هدایت، ۱۳۸۹.

ص: ۱۷۳

۲۰. حس حضور، ملایی، حسن، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج)، ۱۳۹۳.

۲۱. دعا گنجینه اجابت، عطائی کوزانی، عنایت ، قم، صحیفه معرفت، ۱۳۹۰.

۲۲. صحیفه مهدیه، مجتهدی، سید مرتضی، مشهد، بارش،۱۳۸۹.

۳۲.صحیفه نور، موسوی خمینی، سیدروح الله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمت الله علیه ، ۸۷۳۱.

۲۴. علل الشرائع، شیخ صدوق ، قم، مؤمنین، ۱۳۸۰.

۲۵. قصه های قرآن، محمدی اشتهاردی، محمد، تهران، کتاب یوسف، ۱۳۷۹.

۲۶. کمال الدین و تمام النعمه، شیخ صدوق، ترجمه منصور پهلوان، قم، مسجد مقدس جمکران،۱۳۸۶.

۲۷. کنز العمال فی سنن الأقوال و الأفعال، متقی هندی، علی بن حسام الدین، قم، مؤسسه الرساله للطباعه والنشر والتوزیع، ۱۴۰۹ق.

۲۸. مستدرک الوسائل، نوری، حسین، قم، مؤسسه آلالبیت علیهم السلام ، ۱۴۰۸ق.

ص: ۱۷۴

۲۹.مشعل هدایت، حسینی قمی، محمد، قم، نوح، ۹۷۳۱.

۳۰. معانی الاخبار، شیخ صدوق، تهران، دارالکتب الاسلامیه،۱۳۷۷.

۳۱. مکیال المکارم، موسوی اصفهانی،سید محمدتقی،ترجمه سید مهدی حائری قزوینی، قم، اکرام، ۱۳۹۰.

۳۲. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، سروی مازندرانی، محمد بن علی بن شهر آشوب، قم، مؤسسه انتشارات علامه، ۱۳۷۹ق.

۳۳.منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر علیه السلام ، صافی گلپایگانی، لطف الله، قم، موسسه سیده معصومه سلام الله علیها ، ۷۷۳۱.

۴۳.مهج الدعوات و منهج العبادات، سیدبن طاووس، ترجمه محمد تقی طبسی، قم، رایحه، ۹۷۳۱.

۳۵.میزان الحکمه، محمدی ری شهری، محمد، ج۴، قم، دارالحدیث،۱۳۸۵.

۳۶. وسایل الشیعه، حرعاملی، محمدبن الحسن، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۳ق.

۷۳. مقاله مهندسی بلوغ اجتماعی و زمینه سازی ظهور، فرامرز سهرابی.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول
وب سایت: www.ghbook.ir
ایمیل: Info@ghbook.ir
تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹
دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱
بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹
امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان


www